



پژوهشگاه جنبش معلمان

بخش اسناد

مجموعه شماره‌های نشریه معلم
نشریه کانون مستقل معلمان تهران

اسفندماه ۱۴۰۳

نشریه معلم

شماره ۵ د، وزادهم و سیزدهم

(فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹)

(نشریه کانون مستقل معلمان تهران)

تاریخ انتشار:

فروردین و اردیبهشت ۱۳۵۹



فهرست

۱	سرمقاله
۲	نامه سرگشاده به آقای رئیس جمهور
۳	کار و تحصیل کودکان در جنوب شهر
۷	نامه سرگشاده کانون مستقل معلمان تهران به آقای بنی مدررئیس جمهور
۹	سیاستهای جدید آموزش و پرورش در مورد تربیت معلم
۱۲	معرفی کتاب
۱۴	معلم شهید عبدالحکیم مختوم
۱۶	مبارزه بایسوادی در کوبا پس از انقلاب
۲۰	چرا دولت "فوق العاده شغل" را در حقوق ادغام نمیکند
۲۲	مجسمه آزادی
۲۴	پیامها
۲۶	اخباری از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

کانون مستقل معلمان اعلام میدارد
به هیچ یک از گروهها و سازمانهای سیاسی
وابستگی ندارد و به هیچ سازمان و گروهی
بیانیه و اعلامیه جهت درج در نشریات آنها
نداده و نمیدهد. از سازمانها و گروههایی
که مواضع دمکراتیک و ضد امپریالیستی
کانون مستقل را تأیید میکنند تقاضا میشود
در درج اعلامیهها و بیانیههای کانون
رعایت امانت و ماهیت دمکراتیک کانون
را بنمایند.

سرمقاله

دومین نوروز پس از قیام شکوهمند خلقهایمان را بشت سر گذاشتیم و دومین بهار آزادی را پیشباز رفتیم و میرویم تا که با شکفتن شکوفه بردرختان غنچه های امید به آینده ای خوب را در دلهایمان همچنان پیروانیم . آینده ای فارغ از ستم ، آینده ای تهی از دستهای چپاولگران هستی مان . نوروز سیری گشت ، روزها نیز یک بیک میروند تا به گذشته پیوندند ، بهار با کوله باری از امید از راه فرامیرسد اما بهار زحمتکشان همچنان حسرت بار است چرا که هنوز پایه های ستم با بر جاست و هنوز چشمهای حسرت زده کودکان زنجیر دیده میهنان خیره به دستهای خالی پدرانی مانده است که از صف بیکاران گوشه میدان بازآمده اند و هنوز مادران خمیده قامت از رنج کار توانفرسا مجبورند برای سیر کردن شکم بچه های یتیمشان در خانه ثروتمندان شمال شهر کار کنند و مزد بگیرند و چشم به آینده ای بدوزند که راهگشای آنان را از مرگ تدریجی و از زندگی نکبت بار فقر زده شان نجات دهد و هنوز کودک دبستانی باید بخواند بابا دندان دارد ، اما نان ندارد بخورد . نوروز کهنه رنگ بر شانه باد به سقری یکساله رفته و بهار از بند زمستان پیرو سرد آذاشد . اما هنوز برنده های سفید آزادی در بندند ، و هنوز افکار رشد یافته و آزادی بخش ، در پشت میله های وحشت اسیرند و محض پرواز ، بالهای ظریفشان با نجی نگاهبان مناسبات کهن بریده میشود . ناغیان پیر دوباره بیل بدست در باغ هستی گلپای یازه میکارد و درختان میوه میپروانند و بکرمان هم پرورش زنبورهای عسل از خاطره اش دور نمیشود ، اما هنوز نوجوانان میهنان در سر

کلاس درس با برنامهای پرورش میابند که ساخته و پرداخته دست و مغز نوکران بیگانه پرست گذشته است و کتابهای درسی به کهنگی آب مرداب است و اندیشمندان آینده مان باید هنوز در کتابهای شان بخوانند و بدانند که آقا محمدخان قاجار در چه سالی به دنیا آمد و دلیل مهاجرت روستائیان به شهر نبودن سینما و دبیرستان نبودن و در روستا است نه فقر و بی خانمانی آنها و هنوز معلمان آگاه و انقلابی مان از فکر تبعید و اخراجشان به خاطر بازگویی حقایق رنج میبرند . و ما بهار را با این امید آغاز میکنیم که با پرورش جوانان مردان و زنان با روحیه انقلابی ، راه رسیدن به زندگی خوب و واقعی را هموار سازیم و نوروزهای بیافرینیم که دیگر بردوش زنان و مردان بخصوص زحمتکشان جامعه اثری از ستم و فقر مشاهده نکنیم روزهای بیافرینیم که بجای فرهنگ استعماری در مدارس آموزش صحیح و انقلابی به فرزندانمان بیاموزند و در کتابهای درسی ، درس واقعی زندگی را فراگیرند ، کودکان زحمتکشان با فراغت از غم بیکاری پدر و رنج و بیماری مادر به کلاس درس بیایند و معلمان آگاه و انقلابی به آزادی بتوانند دانش آموزان را تربیت کنند و از هر یک از آنها انسانی آگاه و انقلابی بسازند . روزها را با این امید سیری میکنیم که به همت والای همه زنان و مردان و کودکان زحمتکش ، آینده ای بسازیم فارغ از ستم و سرشار از آزادی و آسایش و در نوروزهای آینده در چهره های شاداب کودکان و جوانانمان رنگ واقعی شادی و امید را ببینیم و صمیمانه به یکدیگر رسیدن نوروز و بهار را تبریک بگوئیم .

نامه سرگشاده به رئیس جمهور

ارتش حمله میکند و وزارت آموزش و پرورش جانیش را میگیرد.

بر اساس خبرهای رسیده " کمیته تحقیقی از جانب دولت به کامیاران رفته ولی از آنجا که کارهایش در راستای منافع معلمین نبوده هیچگونه تأثیری نداشته هم اکنون نزدیک به یک ماه ونیم از این تهاجمات میگذرد کلیه شهروروستا (حدود ۵۰۰ نفر) در اعتصاب بسر میبرند و بعزت عدم امنیت شهر کامیاران در سنج متحصن بوده و خواهان رسیدگی به حقوق خود میباشند. از نظر ما حمله به حقوق دمکراتیک معلمان کامیاران در هر نقطه ایران حمله به

کلیه معلمان کشور محسوب میشود.

ما ضمن اعلام پشتیبانی از همکاران خود در کامیاران هر نوع حرکت ضد مردمی و ضد دمکراتیک را علیه آنان محکوم کرده و خواهان رسیدگی هر چه سریعتر به خواست عادلانه آنها هستیم.

کانون مستقل معلمان تهران

چهارشنبه ۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۸

یکسال از قیام خونین زحمتکشان ایران میگذرد. اما هنوز هنوز شاهد یورش عوامل سرکوبگر در اشکال مختلف به حقوق صنفی - سیاسی اقشار و طبقات زحمتکش میباشیم.

حمله به معلمان و دانش آموزان در میان این تهاجمات جای عمده ای داشته است. معلمانی که همگام با تمامی نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیست نبرد کرده و میکنند.

حملات گسترده به حقوق صنفی - سیاسی معلمان آگاه و انقلابی در سرانگشور و در روزهای اخیر حمله به معلمان آگاه و انقلابی کامیاران گواه روشنی برگرفته های ماست. همانطور که همه میدانند در یورش سرکوبگرانه ارتش و پاسداران و جاشهای محلی به مردم دلیر کامیاران سرکوب و دستگیری معلمین در زمره برنامها میجامین قرار داشته است. در این یورش بسیاری از مردم به ترک خانه و زندگی خود شده اند بسیاری از کتابخانه های مدارس به آتش کشیده شده اند آنان حتی خانه معلمان را از دستبرد و یورش در امان نگذاشتند. این کوردلان -

و اسپکرا حتی ۱۰ بهمن به آموزش و پرورش میروند و تمامی پرونده های معلمین را بهم ریخته و عکس تعدادی از آنان را با خود میبرند. و این حرکات چیزی جز تفکر و اندیشه ضدتکاملی عوامل وابسته به امپریالیسم نیست. در مقابل کلیه این تهاجمات و حشیانه معلمان تلگرافی خطاب به آیت الله خمینی با رو نوشت به آقای بنی صدر و شورای انقلاب میفرستد. اما پاسخ این است که اگر سرکار خود حاضر شوید کسان دیگری بجای شما بکارگمارده میشوند.

کار و تحصیل کودکان در جنوب شهر

آن اتاق تنبیهش میکنند (گزارش از کارخانه، آئیندگان ۲۵ فروردین ۱۳۵۸، صفحه ۵) بنا بر بررسی آماری سازمان بین المللی کار، حدود ۵۲ میلیون دختر و پسر کمتر از ۱۵ سال در جهان مشغول بکار هستند، و آمار مشابهی در آمریکا نشان میدهد که تعداد اینگونه شاغلان رو به افزایش است.

وزارت کار آمریکا با کمال وقاحت تعداد کارگران دختر و پسر از ۱۱-۱۵ ساله را که در ۱۹۷۹ در آمریکا بطور قانونی بکار مشغول بوده اند ۲۲۷٫۰۰۰ نفر اعلام میکند و ادعا می‌دارد که از تعداد کودکانی که بطور غیرقانونی مشغول به کار هستند آمار دزدی نیست. (اطلاعات سه شنبه - ۱۹ فروردین - ۱۳۵۹ - صفحه ۵)

این بی عدالتی نه تنها در آمریکا که کشوری امپریالیستی است سیاستش چنین است که جزء بسیاری از چیزهای از شمرده استثمار کارگران و زحماتشان کشورهای تحت سلطه را به کارگزارانش می‌بخشد تا باین وسیله تا بداند آنجا که میتواند به خیال خامش با ایجاد رفاهی مانع حرکت و قیام توده های زحمتکش گردد و شدیدتر استثمارشان نماید، و نه تنها در تعداد بسیار کمی از کشورهای جهان بلکه در بسیاری دیگر از جوامع دنیا که تحت سلطه اند و نظام طبقاتی و زور و استثمار سرمایه داران - بر آن حاکم است چشم می‌خورد. گزارش سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان میدهد که براساس ۵٪ نمونه برآورده شده ۱۳۰ هزار و ۱۳۹ کودک ۱۰-۱۱ ساله در ایران بکار اشتغال دارند.

از این تعداد :

۲۰۴ نفر در بخش فنی کار میکنند

یکی از مشکلات بسیار بزرگی که در جوامع طبقاتی و کشورهای تحت سلطه و استعمار امپریالیسم وجود دارد و پیدا میکند، بکارگماردن کودکان - خان خردسالی است که بجای کار کردن باید درس بخوانند و به رشد طبیعی خویش بپردازند.

این مسئله از دیرباز در بسیاری از جوامع وجود داشته و تاکنون نیز به علت فقر و نداشتن بسیاری از خانواده ها از بین نرفته است. در کارخانه ها، مزارع، دفاتر اداری، در بخشهای فنی و تولیدی بسیاری از کودکانی که به دلیل فقر برای یافتن نان به بخور و نمیر شهر و روستای خود راترک کرده و به اشتغال در مراکز کار در شهرهای بزرگ می‌پردازند.

کودکان بی سرپرستی که در خانواده نمان آور ندارند و از سن ۱۰-۱۱ سالگی و درگاهی موارد حتی کوچکتر از این، مسئولیت گرداندن خانواده شان را بعهده میگیرند و در بدترین شرایط ممکن به کارگمارده میشوند.

نظام سرمایه داری و بالخصوص در شکل وابسته اش با وحشیانه ترین شکل و با قوانین کاری که در صورت اجرائیش که معمولاً اجراء نیز نمیشود، - مدافع منافع سرمایه داران است، به استثمار این نونهالان پرداخته و از هیچ روشی جهت افزون تر نمودن سود سرمایه داران ابا ندارد. تا بدانجا که در بعضی از کارخانه ها می بینیم که کارفرما اطاقی را بعنوان بازداشتگاه اختصاص میدهد تا در صورت تخلف کارگر خردسالی که به علت صغی و فشار ناشی از کار لحظه ای دست از کار میکشد و یا بر اثر آگاهی به ستمی که بر او وارد میشود صدای اعتراض بلند میشود بطور رسمی در

و از تخصص نسبی برخوردارند.

۱۴۱ نفر در دفاتر اداری و مشابه آن بکارهای یادوئی - نامه رسانی اشتغال دارند ۵۴۰ نفر به فروشنده‌گی در فروشگاه ها و مراکز بازرگانی و ۲۸۴۰ نفر در بخش خدمات فعالیت دارند براساس آمار مذکور ۶۸ هزار نفر از کودکان ۱۱-۱۰ ساله بعنوان کارگر در رشته های تولیدی و خدمات و دستپاری را ننده ها بکار مشغولند ۵۸ هزار نفر از این کودکان به امور کشاورزی، دامداری و جنگلداری و ماهیگیری می پردازند. (آیندگان - ۱۱ اردیبهشت - ۱۳۵۷ - صفحه ۵)

آیا این آمار نمایانگر چیز دیگری جز شقاوت و بی عدالتی ستمگران نسبت به قشر عظیمی از ستمکشان میتواند باشد؟ ستمگرانی که بیشمارانه از ثمره کار کودکان نیز نمیخواهند و نمیتوانند چشم ببوشند.

همانطور که گفتیم یکی از علل اصلی کار کودکان فقر ونداری خانواده های آنهاست، سنگینی کمرشکن بار هزینه زندگی، پدران را بر آن میدارند تا از نیروی کار فرزندانشان کوچکیان نیز جهت حل قسمتی از این مشکل استفاده کنند و این چنین است که بسیاری از کودکان روستاها ترک تحصیل نموده و به کارهای کشاورزی، دامداری، - قالیبافی و یا مهاجرت بشهر و کار در کارخانه های شهری، ساختمان و یا فروشنده گی میپردازند.

در جنوب شهر تهران می بینیم که محملاندوره راهنمایی و حتی محملاند کلاس چهارم و پنجم ابتدائی و درگاهی موارد کودکان کلاس دوم و سوم دبستان - نیز برای کمک به پدرنیمی از روز را درس - میخوانند و نیمی دیگر را به کار میپردازند و این خود مشکلی بر مشکلات آموزش و پرورش جنوب شهر می افزاید، کودکی که نیمی از روز را کار کند و یا تنی خسته و فکری آشفته از فشار کار و خستگی روزانه به کلاس درس بیاید، آیا میتواند هما نند کودکانی که لااقل از رفاه نسبی برخوردارند و درس - میخوانند با فکری آسوده در کلاس درس بنشینند ؟ این کودک طبیعتا اندک اندک از درس عقب مانده و فردای او بیان فردای بسیاری دیگر از

کودکان کارگر محمل است که نمیتوانند سنگینی هردو کار را تحمل کنند و ناچارند بین تحصیل و کار یکی را انتخاب نمایند و از آنجا که قبول کار بعلت گرسنگی و فقر بیش از حد بوده است و نیاز به سیری، عاجل و عینی است و کودک این نیاز را با پوست و گوشت خویش درک میکند، ترک درس و مدرسه نموده و به خیل کارگران بیسواد می پیوندد و یا اگر هم با تحمل سختی و سنگینی و فشار ناشی از کار و تحصیل به ادامه تحصیل بپردازد، با آنکه صرفا علاقه به تحصیل و یا به این کار واداشته و کودک سختی بسیاری را متحمل میشود قادر به استفاده کافی از کلاس درس نمیشد.

بسیاری از کودکان جنوب شهر تهران در کوره ها، خانه ها و کارخانه های دیگر با کار طاقت فرسائی با ابتدائی ترین وسائل صورت میگیرد همگام و همپای بزرگسالان به کار تولیدی پرداخته و - چهره کریه استعمار را از همان اوان کودکی در نوجوانی بخوبی میشناسند. رنج و غم را در چهره این نونهالان به آسانی میتوان تشخیص داد.

انواع بیماریهای ناشی از محیط کار و ستمان زور و ظلمی است که نصیب این کودکان گردیده، بعنوان نمونه میتوان بیماریهای کارگران کوره پرخانه را که معمولا کودکان ۱۱-۱۵ ساله در آن کار مشغول هستند بیان کرد.

اسهال پی در پی، ضعف بینائی، بخاطر نگاه کردن مداوم به آجر و کوره ها، نفس تنگی بعلت تنفس در فضای دودآلود، سردردهای مزمن بعلت تماس با گرمای زیاد، بیماری روماتیسم بعلت تماس مستقیم و مداوم با آب و گل، بیماریهای ناشی از کاری هستند که همراه با چهره های دیگر زور و ستم آمیخته و خشم و کین نسبت به ستمگران را در دل های کوچک این ستمدیدگان میپوراند، پرداخت حقوق بسیار کم، گریز از پرداخت حق بیمه و سن کم این کارگران که به آسانی کارفرما میتواند اخراجشان نماید از انگیزه های بکار گماردن این کودکان در کارخانه نجات است.

از آنجا که براساس ماده ۱۶ قانون کار بکار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال حتی بعنوان کار

آموزی ممنوع است، و کارفرمای بظا هر مهربان به بهانه انسان دوستی میدانده که از این کودکان میتواند به اندازه بزرگ سالان و حتی شاید در بعضی موارد بیش از آنان بهره بکشد و شیر جانشان را بکشد، با استناد به این ماده از قانون و اینکه کودکان را بطور غیر قانونی بکار میگیرد، منتهی بر سر کودکان کارگر گذاشته و آنان را بنا حقوقی کمتر و حتی شاید در بسیاری موارد حقوقی نصف حقوق مردان بکار میگیرد و جهت سودجویی بیشتر خود از روشها و طرق گوناگونی استفاده میکند.

یکی از این روشها تعیین پورسانتاژ برای کارگران است. کودک بجای رفتن به مدرسه و به جای شرکت در جمع باز بهای محصلان دیگر و بجای شرکت در بحثهای دسته جمعی مدرسه و کتابخانه و تفریحات سالم دیگر به شتاب در تولید و انباشتن بیشتر جیب سرمایه داران در کارخانه واداشته میشود، چرا که اگر بیشتر کار کنند مزد بیشتری میگیرد و بهتر میتواند شکم گرسنه خانواده اش را سیر کند. او از کودکی می آموزد که اگر چند روز حقوق بیشتر میخواهد باید شتاب بیشتری در تولید داشته باشد و این چنین است که همه ساله بسیاری از کودکان خردسال که بیش از توانا نشینان از آنها کار میکنند، بعلت خستگی مفرط دچار حوادث ناشی از کار میگردند و جان خود را نیز در این راه از دست میدهند.

گزارشی از یک کارگاه بلور سازی شاید بتواند برای ما کمکی باشد که بهتر بتوانیم برده از چهره کوبه ستمی که بر کودکان کارگر میروند برداریم. در این کارگاه نه تنها کودکان را به سخت ترین کارها وامیدارند که این خود عملی غیر انسانی و بشماراته است و ما هیت نظام طبقا شرامیت میباید بلکه اثری نیز از امکانات بهداشتی نمی بینیم. امکانات بهداشتی حتی به اندازه آن امکاناتی که در قوانین سرمایه داری وزارت کار آمده است کارگاه را بهتر بگوئیم "یک انبار دودزده" - حدودا ۷۰ - ۶۰ نفر کارگر دارد که تقریبا ۱۵ نفر آنها کودکان خردسالند. آب آشامیدنی این کارگران در درون یک پیت حلبی ریخته شده است

از لباس کار برای کارگران خبری نیست. این خردسالان کمترین ۱۲ سال برخلاف ادعای ادعا نامه قانون کار نه تنها کارآموز نیستند بلکه بدلیل خردسال بودن بیشتر از کارگران دیگر از آنها کار میکشند و استثمارشان میکنند. بسیاری از کارگران خردسالی که جز ساعت خواب بقیه شبانه روز را در کارگاه کار میکنند و حتی مجبورند پس از پایان ساعت قانونی کارشان به کارهای از قبیل جارو کردن، جمع آوری خرده شیشه کف کارگاه و جابجا کردن زنبه های حمل لامپا و دیگر کارهای متفرقه بپردازند و با اینحال دستمزدی کمتر از آنچه که در قانون برای همین مقدار کار برای دیگر کارگران که به سن قانونی رسیده اند دریافت میدارند. زیرا اینان حرفشان این است که سنشان کم است و بعلت ظلمی که بر آنان رفته ناچارند با این سن کم بکار گمارده شوند. امروز نیز تعداد بسیاری از کودکان ایرانی با تحمل رنج و مشقات فراوان به کارهای سخت در کارخانه ها مشغولند و بجای قلم آجرهای داغ کوره بزخانه ها در دستهای کوچکشان قرار دارد و پشتشان زیر بار کار طاقت فرسا خم گردیده است. کودکانی که چهره های رنگ پریده اشان هر روز که میگذرد رنگ پریده تر و دستهای پینه بسته شان با قلم و کتاف غریبه تر میشود. و نگاه معصوم شان هر روز از الفبا و جدول ضرب دورتر میگردد. کودکان خردسالی که ظلم ستمگران و بی توجهی قدرتمندان به آنان، چنین روزی را برایشان به ارمغان آورده لکن ما به مصداق مثال "خورشید همیشه پشت ابرنمیماند" در آرزوی آن روزی هستیم که چنان شرایطی فراهم شود که دیگر هیچ نونهالی نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان ناچار به تحمل چنین وضعیتی نباشد.

شرایطی که استثمار و استثمار از جهان رخت بر بندد و کودکان به عنوان یک حق طبیعی به تحصیل بپردازند. در زیر دونا مه از دو کودک جنوب شهری را که صبحها به سرکار میروند و عصرها با تنی خسته و کوفته از کار روزانه در کلاس درس می نشینند می آوریم. شاید که این دونا مه بتوانند نمایاننده وضع اسف بار بسیاری از کودکان کارگر

محصل ایرانی باشد.



۲۴ ساعت از ساعت کار کارخانه را بنویسید

تاریخ پنجشنبه ۱۳۵۸/۱۲/۹ ساعت ۷/۵ صبح
روزشنبه ساعت هفت باید سرکار بروم صبح
ساعت شش ونیم از خواب شیرین برخاسته و بکار
سنگین باید صبح بروم من چون خانه مان دور از
کارخانه است ساعت هفت ونیم به کارخانه میرسم
وبعد آجر و قالب خود را که شب گذاشته بودم روی
کمد بر میدارم میروم پیش سرکارگر و سلام میدهم
و چسب میگیرم وبعد میروم به دوستان سلام میکنم
و قالب را میبندم و می نشینم و کار خود را میکنم
تا ساعت ده که برادر صاحب کارخانه میآید و دستش
را به پشت می زند و چون بخاری پیش من است -
می آید تا گرم شود بعد از این میروم سرکار خود را
هم کار خود را میکنم تا ظهر ساعت ۱۲ زکار برخاسته
و قالب و آجر خود را همانطور که برداشته ایم سرچاش
میگذاریم و کار خود را تعویل میدهم چن من بعد از
ظهر میروم دبستان . چون من تازه سر کار فتر
انداختن رفته ام من هر پنج ساعت ده یا دوازده
کیلو میزنم .

من صبح از ساعت شش ونیم از خواب بیدار میشوم
صبحانه میخورم و به سرکار میروم من در کاشی
سازی کار میکنم روزی چهل تومان مزد میگیریم
چون من نصف روز کار میکنم بیست تومان میگیرم
و مزد ما را هر هفته میدهند ما در آنجا روزی ده هزار

کاشی میزنیم آنها را خشک میکنیم به کوره میگذاریم
و از کوره که در آورديم آنها را رنگ میکنیم و دوباره
به کوره میگذاریم از کوره که در آورديم به کارتن
میزنیم و آنها را دسته بندی میکنیم و میفروشیم یکی
چهار ریال در هر کارتن صد کاشی میچینیم کارتن
میافتد چهل تومان در آنجا سه نفر شریک هستند تمام
کارخانه شش دنگ است یکی از آنها دو دنگ ونیم
و دیگری دو دنگ و آن یکی یک دنگ ونیم در آنجا
پنج نفر سواد دارند یکی دهم است و دیگری هشتم است
و دیگری هم هفتم و من خودم هفتم و برادر من پنج
است آنها به مدرسه نمی روند و من به مدرسه میروم
روزی که برق میروید یا دستگاه خراب میشود تعطیل
میکنند مزد ما را هم نمیدهند ما میگوئیم یا کار
بدهید یا کار خود ما را میکنیم یا تعطیل که میکنید
مزد ما نباید برسد میگویند ما از کجا بیاوریم مزد
شما را بدهیم یکی دو تا که نیستید ما در آنجا هشت
نفر هستیم آنجا هم ناها را نمیدهند یا پول خود ما را
ناهار میخوریم تا زگی هم نفت نیست ما را تعطیل
میکنند سه چهار روز است که ما را تعطیل کردند آنجا
آنقدر خاک و دود است دود به سینه هامون میروند
خاک هم به دهانمان از بس خاک است دندانهای
ما سیاه میشود آنجا کارش خیلی بد است جائی دیگر
نیست که ما کار کنیم هست ولی ما را نمیگذارند
ما کارگران کار میکنیم تا پولی دربیاوریم . با
امید دیدار .

نامه سرکشاده به رئیس جمهور

۲

آقای رئیس جمهور :

شود ما می‌پرسیم که کدام عمل آزادی خواهانه از شما دیده شده است؟ مگر معلمین زحمتکش کامیاران با هجوم پاسداران و ارتش از خانه‌وزندگی خود آواره نگشته‌اند؟ مگر با هجوم به گنبد و جنگ تحمیلی و وحشیانه به خلق قهرمان ترکمن آموزش و پرورش و کانون فرهنگیان مورد یورش قرار نگرفت و به ویرانه‌ای تبدیل نگشت می‌پرسیم چرم معلمان و دانش‌آموزان گنبد چه بود؟ آن‌هم معلمانی که سراسر زندگی خود را در خدمت به مردم و مبارزه گذرانده‌اند و هنگام حمله به گنبد در کلاسهای کنکوری که بطور رایگان برای فرزندان زحمتکش ترتیب داده بودند بتدریس مشغول بودند.

آقای رئیس جمهور :

کشتار وحشیانه معلمین کنید، زندانی نمودن عده‌ای از آنان، بسته شدن بسیاری از مدارس، بوجود آوردن آجنان خواندنی که باعث ترک محل خدمت معلمین گردیده (این معلمین نماینده ۱۰۵۵ معلم شرکت‌کننده در انتخابات فرهنگیان بودند که به اکثریت مطلق آراء انتخاب شده‌اند)، توقیف حقوق این معلمان و معلمان زندانی، انحلال سه مدرسه در مناطق ترکمن نشین - گرفتن تعهد برای ثبت نام مجدد از دانش‌آموزان، گرفتن تعهد از معلمان، تهدید معلمین و با کدام موازین دموکراسی منطبق است؟ این دموکراسی نیست آقای رئیس جمهور

ما بارها برای یگیری خواسته‌های دموکراتیک خود به مقامات مسئول مراجعه کرده و این دو مین نامه سرکشاده ما بشما طی ۲۰ روز اخیر است.

اما برخلاف اصول دموکراسی تاکنون عملی که در راستای خواسته‌های دموکراتیک ما باشد نه تنها انجام نگرفته بلکه روز به روز فشار

اکنون که ماها از قیام خونین و پرشکوه خلقهای میهن مان میگذرد اکنون که صفوف زحمتکشان، علیه امپریالیسم هر روز یکپارچه‌تر میگردد، اکنون که صدای مرگ برا امپریالیسم توده‌های میلیونی پایه‌های امپریالیسم را بلرزه درآورده و می‌رود تا عمق بیشتری یابد، می بینیم که عوامل امپریالیسم به هراس افتاده‌اند و با رشد مبارزات فدائیمیرالستی کینه خود را نسبت به این مبارزات غریب‌تر میکنند و سیاست سرکوب توده‌های مردم را هر روز به نوعی به نمایش میگذارند.

شما در هر میتینگ و صحبتی از اصول دموکراتیک در مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه سخن می‌گویید و دیدگاه خود را متفاوت با دیدگاه متعارف مسئولین ملکیتی در پیشگاه خلق نشان دهید.

بدیهی است که هر نیرو و جریان بنا بر اصول و موازین خود عملکردهای شما را مورد ارزیابی قرار میدهد. در این رابطه ما اعضای کانون مستقل معلمان تهران به مثابه یک جریان دموکراتیک فدائیمیرالست بر محور خواسته‌های اقتصادی - سیاسی معلمان معتقدیم که آنچه شما از دموکراسی مطرح نموده اید تاکنون هیچ گونه عملکرد عینی در ارتباط با منافع معلمین نداشته است بطور مشخص میتوانیم بگوئیم که فضای حاکم بر مناسبات اجتماعی - سیاسی موسسات فرهنگی همان است که بود. یعنی سرکوب و فشار، زندان و شکنجه، اختناق و ترور و در تحلیل نهائی نادیده گرفتن حقوق منفی سیاسی این نشر زحمتکش.

ما بخوبی دریافته‌ایم که داوری درباره هر شخص و هر جریانی ضرورتاً باید در عمل اجتماعی ملاحظه

واختناق بیشتری بر ما حاکم میگردد ما تا کیست
میکنیم که به پیگیری خواستهای خود قاطع
هستیم و اگر امروز انتشار نامه های سرگشاده را
ضروری میدانیم فردا ناچاریم از اشکال دیگری
هم استفاده نمائیم. این حق ماست و حق هر آن
نیروئی است که دموکراسی راجز لاینفک زندگی
میداند.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۱/۱۶

••

توضیح - بعد از ارسال نامه سرگشاده کانون به
رئیس جمهور، رونوشت نامه سرگشاده ای خطاب به
آقای بنی صدر از طرف همکاران مبارزمان درگنبد
کاوس بدست ماریدکه در رابطه با آن توضیحات
مجدد زیر را ضروری میدانیم:

در این نامه آمده است که آقای خادمیان (رئیس
آموزش و پرورش گنبد) برخلاف انتخاباتی که مورد
تائید ایشان نیز بوده، از تهران به فرهنگیان
گنبد تحمیل شده است و پس از ابقا در این پست
سیاستهای ضد دموکراتیکی را دنبال کرده است
که از آن جمله، انحلال خودسرانه در دبیرستان
به اسمی "ولی محمد محمدی" و "احمد قلی محمدی"
و یک مدرسه راهنمایی بنام "مهر" میباشد که هر

مادر اینجایکی از سندهائی را که در مورد
انحلال یکی از این مدارس است و همچنین فرم
تعهدنامه ای که از افراد مترقی منجمله فرهنگیان
از طرف دادگاه انقلاب این شهرستان گرفته شده
است عیناً میآوریم تا همکاران مادر سراسر
ایران بدانند که وزارت آموزش و پرورش بعد از
انقلاب چگونه سیاستهای رژیم پهلوی را (که
در مورد دانشگاهها اجراء میشد) در سطح وسیعتر
یعنی در سطح مدارس ادامه میدهد.

ما مجدداً به وزارت آموزش و پرورش هشدار
میدهیم که با اینگونه اعمال ضد دموکراتیک
نه تنها هیچ مشکلی حل نمیشود، بلکه روز به
روز بر مشکلاتی که دامنگیر آن است افزوده
میکردد. ماضن محکوم کردن مجدد این روشها،
از کلیه خواستهای دموکراتیک همکارانمان که
در این نامه مندرج است، قویاً پشتیبانی کرده
و از آقای رئیس جمهور می خواهیم به آنها
رسیدگی نماید.

سه در بخش ترکمن نشین گنبد قرار دارد و در تاریخ
های ۱۲ و ۱۳ و ۱۸ اسفند با دلائل واهی چون "ایجاد
اختلال و اغتشاش" یا ایجاد "محیط نامناسب"
طبق حکمهای با مضاء ایشان منحل اعلام شده است
علاوه بر آن به اخراج بی رویه بیش از ۳۰ نفر
از فرهنگیان مبارز و مترقی گنبد و بازداشت
تعدادی از آنها اشاره شده است.

سیاستهای جدید آموزش و پرورش در مورد تربیت معلم

جلسات این نشست ها آنها را مورد بررسی قرار میدهم تا نشان دهیم که با وجود اهمیت این مسئله، بر خورد مسئولان امر نسبت به آن تا چه حد سطحی، یک جانبه و غیر اصولی است.

۱- در مورد ضوابط انتخاب و استخدام معلمان: در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۲۸ بررسی مسائل تربیت معلم، آقای کتیرائی معاون وزارت آموزش و پرورش اظهار میدارد "در حال حاضر سازمان بنام سازمان رشد و سازندگی نیروی انسانی، در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شده است و در نظر است که تربیت معلمان تمام سطوح آموزشی از کودکانستان تا دبیرستان را زیر پوشش داشته باشد تا بهتر بتواند از بین فارغ التحصیلان افرادی را که مومن به انقلاب و ایده ثلویژی اسلامی باشند و در طی دوره صلاحیت آنان محرز شده باشد، انتخاب و استخدام نماید. به همین جهت ۲۸۰ مرکز تربیت معلم گذشته از طرف وزارت آموزش و پرورش منحل گردید و ۳۰ مرکز جدید با ضوابط سنجیده و منطقی دایر شده است"

شاید برای کسانی که از نزدیک با عملکرد های این مراکز جدید تربیت معلم آشنا نباشند، ذکر "ضوابط سنجیده و منطقی" برای این مراکز دلگرم کننده باشد. اما متأسفانه بررسی مختصر کار این مراکز جدید نشان میدهد که منظور از این ضوابط، اقداماتی از جمله جدا کردن کلاسهای درسی دانشجویان دختر و پسر، احیای دختران برای داشتن پوشش و حجاب خاص، اعتقاد به ایده ثلویژی مشخص، افزودن چند درس در زمینه مسائل اسلامی، تصفیه کتابخانه های این مراکز

در بیان مسائل مربوط به آموزش و پرورش امر تربیت معلم از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا که معلم بعنوان یکی از ارکان تعلیم و تربیت در نظام آموزشی هر جامعه، در پی ریزی فرهنگ انقلابی و گسترش دانش و آگاهی توده ها نقش مؤثری را ایفا دارد.

در نظام آموزش و پرورش استعماری ما مسئله تربیت معلم نیز همچون سایر مسائل آموزشی، با اهداف و برنامه های خود در جهت حفظ و تثبیت وابستگی های فرهنگی و جلوگیری از رشد و گسترش نظام آموزشی انقلابی و خلقی عمل میکرد و اینک با گذشت یکسال از قیام پرشکوه مردم میهنمان، علیرغم خواست و نیاز واقعی فرهنگیان مبنی بر تغییرات اصولی و بنیادی در امر آموزش و پرورش - منجمد در زمینه تربیت معلم، که بارها به صورت های مختلف بیان گردیده است، نه تنها هیچگونه دگرگونیهای اساسی انجام نگرفته بلکه شاهد اقدامات غیر اصولی و نادرستی هستیم که ناکثرون در آموزش و پرورش ما صورت گرفته و خود باری برانبوه مشکلات نظام آموزشی استعماری ما افزوده است.

در جلساتی که با شرکت مسئولان آموزش و پرورش و آموزش عالی بمنظور بررسی مسائل تربیت معلم در بهمن ماه ۵۸ در دانشگاه تربیت معلم تشکیل گردید، مطالبی در زمینه های ضوابط انتخاب داوطلبان مراکز تربیت معلم و معلمان بطور کلی، ضوابط انتخاب معلمان این مراکز، نظارت بر کار معلمان و شیوه گزینش داوطلبان این مراکز مطرح گردید که ما در این مقاله با استناد بصورت

و محدود کردن آنها به کتابهای خاص، جلوگیری از هر نوع بحث و فعالیت های سیاسی و بوده است. " ضوابط سنجیده و منطقی " یک - نتیجه آن تاکنون کنار گذاشتن معلمان مترقی این مراکز، اخراج ۱۸ نفر از دانشجویان مرکز تربیت معلم دختران تهران، عدم استخدام ۳۶ نفر از فارغ التحصیلان دانشسرای مقدماتی و راهنمایی بندرعباس با وجود داشتن تعهد استخدام از طرف وزارت آموزش و پرورش با تهمات اصلاح ناپذیر بودن ؟!، لغو تعهد دانشجویان دانشگاه تربیت معلم که با اعتراض و مخالفت شدید این دانشجویان مواجه شد، گذاشتن مصاحبه برای استخدام فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم و بوده است.

در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۱۸ آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش در همین زمینه اظهار میدارد: " ما اعضای این جلسه که افرادی متعهد و مسئول و مومن به انقلاب هستیم باید برای تربیت معلم برنامه ای متناسب با نیاز های حال و آینده جامعه انقلابی با توجه به خواست ها و افکار توده مردم تنظیم کنیم و در این راه رفتار صاحب مکتب (رسول اکرم) را سرمشق قرار دهیم. آیا حضرتش به شرکت اجازه میداد که معلم مسلمانان و پیروان آن حضرت شوند؟ "

باز در همین زمینه در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۲۸ - آقای دکتر شعار " با تشبیه وضع حال کشور به آغاز ظهور اسلام و پیروی از روش رسول اکرم در آن زمان که به اسرای اهل کتاب اجازه آموزش به مسلمانان داده اشاره نمود که باید به کلیه دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم که مومن و متعهد به انقلاب اسلامی هستند فرصت داد تا از تخصص خود دیگران را بهره مند سازند و آموزش دهند "

آقای دکتر شعار ظاهراً با حذف ضابطه اعتقاد به ایده شولوژی اسلامی و اکتفاء به ضابطه اعتقاد به انقلاب اسلامی برای دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه تربیت معلم، میخواهد نشان دهد که از - همکاران خود کمتر انحصار طلب است اما با تشبیه وضع حال کشور به آغاز ظهور اسلام و باستان داین

تشابه صدور اجازه آموزش به اسرای اهل کتاب به روشنی دید محدود و نادرست خود را از تاریخ و تحول جوامع انسانی به نمایش میگذارد و نشان میدهد که تاجه حد در درک مسائل آموزشی و - اجتماعی فرسنگ ها از شرایط عینی و علمی حال و آینده و جامعه خود دور افتاده است.

۲- در مورد ضوابط معلمان مراکز تربیت معلم در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۲۸ اظهار میگردد که " در مورد مدرسان این قبیل مراکز تربیت معلم نیز باید دقت کافی به عمل آید تا افرادی مومن و متعهد و مسئول به تدریس مبادرت کنند تا

هم بتوانند نمونه خوبی برای همانند سازی دانشجویان تربیت معلم باشند و هم بطور ضمنی از اشتغال منافقانی که تظاهر به ایمان و اعتقاد اسلامی مینمایند جلوگیری بعمل آید " بدون تردید همه ما به خوبی میدانیم که منظور این مدافعان دروغین اسلام از منافقان چیست و چگونه معلمان مترقی و مبارز را با عناوین منافق، مشرک و ضد انقلابی از محیط های آموزشی برکنار میسازند و مرزهای انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش میسازند. برآستی چرا در میان این همه مسائل اساسی که مراکز تربیت معلم ما با آن مواجه است و زیر و مقامات مسئول آموزش و پرورش صرفاً مسائل عقیدتی را مطرح میسازند و تفتیش عقاید را دامن میزنند؟ آیا طرح چنین مسائلی آسیب رساندن به وحدت توده های خلق، کمک به تحکیم پایه های فرهنگ استعماری و در نهایت آماده ساختن زمینه برای تحقق اهداف امپریالیسم نیست که همیشه در فکر برقراری سلطه خود از طریق ایجاد پراکندگی، تفرقه و جنگ عقیدتی در کشورهای تحت سلطه است؟ همان شیوه ای که امپریالیسم در هند، اندونزی، لبنان و ترکیه بکار برده و اینک در صدد اجرای آن در میهنمان به کمک ایادی آگاه و گروه هایی از توده های ناآگاه خلق است.

۳- در مورد نظارت بر کار معلم در کلاس و - جلوگیری از بحث های خارج از برنامه یکی از اعضای شرکت کننده در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۲۸ اظهار میدارد: " بر نحوه کار معلم در کلاس باید نظارت

و هدایت دقیق و مستمر اعمال گردد تا در فرصتهای کوتاه آموزشی در کلاس و آزمایشگاه و کارگاه، دانش آموزان خود را به تفکر و تحقیق در زمینه مطالب آموزشی طبق برنامه وادار دوازاتلاف - وقت در زمینه موضوعات نامربوط به برنامه تخمیی خود پیشگیری نماید. خلاصه سیستم کنترل و نظارت در مورد اجرای استانداردها معمول گردد"

البته قبلاً وزیر آموزش و پرورش طی بخشنامه شماره ۲۴۶۸۴ - دو مورخ ۵۸/۱۰/۶ اعلام کرده بود که چون " طرح اینگونه مباحث و خارج ساختن کلاس از مسیر اصلیش نوعی انحراف از حرکت انقلابی جامعه ما است، به همکاران آموزشی ابلاغ فرمائید که طرح هرگونه مطلب غیردرسی را به خارج از محیط مدرسه موکول نمایند" و - میبینیم که چگونه با جاد کردن مدرسه از جامعه و از مسائل مربوط به آن که مشخصه نظام فرهنگ استعماری است سعی در تثبیت این نظام مینماید واداشتن دانش آموزان تنها به " تفکر و تحقیق در زمینه مطالب آموزشی طبق برنامه" و جلو گیری از " اتلاف وقت در زمینه موضوعات نامربوط به برنامه تخمیی خود" حداکثر جز تربیت معقلان و متخصصانی که بالاتخاذچنین شیوه های آموزشی در نهایت در خدمت فرهنگ استعماری قرار خواهند گرفت، چه شمری خواهد داشت و بالاخره سل جوان ما اگر همراه با کسب دانش، به آموزش و - آگاهی سیاسی و انقلابی در مدارس و دانشگاهها دست نیابد، چنین نظامی نه تنها قادر نخواهد بود با فرهنگ استعماری مبارزه کند بلکه خود بایگاه مناسبی برای گسترش و تحکیم آن خواهد بود.

۲- در زمینه گزینش دانشجو برای مراکز تربیت معلم دو طرح در این جلسات پیشنهاد شده است: یکی طرح آقای عباس بازرگان که طبق آن در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۱۸ " پیشنهاد شد که - دانشگاه تربیت معلم، از شرکت کنندگان در آزمون سراسری دانشجو بپذیرد و این دانشجویان در دو سال اول دوره تحصیلات لیسانس دروس عمومی و - دروس مربوط به رشته خود را بگذرانند. در ضمن

این دو سال لیاقت و شایستگی علمی و صلاحیت اخلاقی و میزان علاقه آنان به معلمی سنجیده شود. آنگاه افراد منتخب بقیه دوره تحصیل را در دانشگاه ای بنام دانشگاه تربیت دبیران داده و به پایان برسانند" طبق طرح دیگر که در جلسه مورخ ۵۸/۱۱/۲۸ پیشنهاد شده " دانشجویان تربیت معلم باید از طریق کنکور اختصاصی و سراسری انتخاب شوند.

در هیچ کدام از این دو طرح به اساس کنکور و اینکه اصولاً آیا برای پذیرش دانشجویان، کنکور ضروری است و یا شیوه های دیگری میتواند بکار برده شود، چرا داوطلبان شغل معلمی با علاقه مندی به این کار روی نمی آورند، " لیاقت و شایستگی علمی و صلاحیت اخلاقی و میزان علاقه " - دانشجویان را به شغل معلمی چگونه میتوان ارزیابی کردو بحثی نشده است و این نشان میدهد که مسئولان آموزش و پرورش تا چه حد مسائل راسطی و غیراصولی بررسی میکنند.

این برنامه هائشان دهنده بخشی از اقدامات و سیاست هائی است که تاکنون وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی برای تربیت معلمان در سطوح مختلف انجام داده اند.

از آنجا که مبارزه با امپریالیسم در همه زمینه ها منجمله در عرصه فرهنگی مستلزم تدوین برنامه هائی در جهت تغییرات اساسی و بنیادی نظام آموزشی است، مسلماً اینگونه سیاست ها و برنامه های انحصارگرا نه غیر علمی نه تنها نتوان چنین مبارزه اصولی و بیگیری را ندارد بلکه خود به مانعی در راه رشد فرهنگ انقلابی تبدیل خواهد شد و از این رو وظیفه کلیه معلمان و - دانشجویان آگاه و مبارز است که چنین اقدامات و برنامه هائی را با نیروی یکپارچه و متحد خود افشا و خنثی نمایند.

معرفی کتاب

نام کتاب: نقش نویسنده در اجتماع
مؤلف: فرخ صادقی
"یک مقاله برای نوجوانان"

نویسنده در این کتاب سعی نموده است، در حدود امکان از موقعیت و جوک نونی جهت آگاه نمودن نوجوانان استفاده نماید زیرا که ارمان خون هزاران شهید به خون خفته خلق را در این برهه از زمان، مجهز نمودن نوجوانان با سلاح آگاهی میداند و آنان را در پهنه وسیع مبارزات توده‌ها آماده میگرداند.

او با زبانی ساده به آنها میگوید: که برای آگاه نمودن خود باید مطالعه کنند، مطالعه در وضعیت اجتماع و مطالعه درباره زندگی مردم او با آنها در میان میگذارد که با دقت در - اتفاقات روزمره قسمتی از آگاهی‌ها را کسب نموده و با مطالعه به نحو صحیح آگاهی خود را تکمیل نمایند.

او میگوید: باید با واقعیت‌های اجتماع و وضع زندگی مردم آشنا شویم. کتابهایی که در باره آدمهای مرفه نوشته شده و با آنها که به دستورات خشک اخلاقی اکتفاء می‌ورزند، دردی را از جامعه مادوا نمیکند، زیرا باید ریشه کارهای بد و خوب را جستجو نمود: "از این که مرتبا به کودکان و نوجوانان گوشزد کنیم فلان کار خوب و یا بهمان کار بد است سودی حاصل نمیشود جز آنکه به پرورش آنها بطور مکانیکی اقدام کرده باشیم و به قول دوست و معلم شهیدمان به "جوخ بختیارهای جامعه افزوده‌ایم باید دلیل اعمال بد را برای نوجوانان توجیه کنیم. مثلا اگر برای آنها موعظه نمودیم که دعا کردن بد است آنها را برای همیشه از فکر کردن باز داشته‌ایم که چرا دعا کردن بد است و -

اصولا چه نوع دعوائی بد است؟ زیرا تنها دعوائی یک آدم زورگو و قلدر که میخواهد حق دیگران را غصب کند، غلط و ناپسند است و دعوائی کسی که در مقابل زورمقاومت میکند و میخواهد شخص متجاوز را سرجای خود بنشاند، نه تنها، زشت و ناپسند نیست بلکه باید به چنین شخصی کمک هم بکنیم تا بتواند در کار خود موفق شود. پس اینگونه کتابها، با دستورات خشک اخلاقی که همه بی دلیل و به صورت فرمان صادر میشود به هیچ دردی نمیخورند.

بهترین کتابها آنهایی هستند که خواننده را با زندگی واقعی مردم آشنا میکنند و با دلیل و منطقی که در نوشته‌ها ایشان وجود دارد، خواننده را با نحوه فکر کردن منطقی آشنا کنند. "پس: آگاهی دادن و فکر منطقی ایجاد کردن وظیفه اصلی هر نویسنده ای است زیرا:

"همیشه جهل و ناآگاهی مردم، با خرابی وضع زندگی آنها ارتباط دارد و همینطور بهبود وضعیتشان با بالا رفتن آگاهی و دانش آنان مربوط است."

البته حتما مقصود نویسنده از بکار بردن کلمه "مردم" طبقه زحمتکش بوده است، زیرا چه بسا افراد ناآگاهی که در بهترین شرایط زندگی میکنند وجه بسیارند آگاهی که در - منحلای فقر و بدبختی غوطه میخورند. لازم به یادآوری است که این قسمت از کتاب هدف اصلی نویسنده را به وضوح بیان نمیکند.

در قسمت دیگر از کتاب نویسنده توضیح میدهد که "باید در انتخاب کتاب نام نویسنده و روال کار او را مد نظر قرار دهیم، حتی نام کتاب و طرازی و قیمت آن و با ناشر نیز میتوانست راهنمای خوبی برای انتخاب ما باشد. زیرا بعضی از ناشرها فقط یک تاجر هستند و بیشتر از

چاپ یک کتاب، جنبه نفع مادی آن را در نظر میگیرند، ولی دستهای دیگر هر کتابی را چاپ نمیکنند و بیشتر به ارزش معنوی و اجتماعی کتاب توجه میکنند، البته وضع ظاهری و قیمت کتاب هر چند عامل اساسی نیستند ولی میتوانند در انتخاب ما موثر واقع شوند. زیرا ناشر بیای نویسنده ای که بدون در نظر گرفتن امکانات خواننده برای چند صفحه کتاب قیمت زیادی تعیین میکند، مسلماً با زجانب مادی را بیشتر نگاه داشته است تا نفع معنوی. لیکن همانطور که گفته شد این نویسنده است که میتواند برای مناقش تعیین کننده ای داشته باشد و برای اینکه بدانیم نویسنده تا چه حد وظیفه اش را انجام داده است باید خود نیز آگاهیهایی درباره وضع جامعه و جریانهای تاریخی آن داشته باشیم" و به عبارت دیگر معیار اصلی برای تشخیص نوشته، چگونگی ارتباط با جریانهای تاریخی جامعه است"

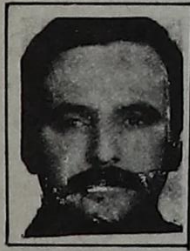
در اینجا باید اضافه کنیم که نویسنده نمیتواند تنها ارتباط خود را با جریانهای تاریخی حفظ کند، بلکه باید بطور ملموس از زندگی توده ها و آنچه که در میان آنان میگردد و بطور عینی مشاهدات خود را بیان کند تا اثر بیشتری روی خواننده بگذارد. زیرا این بیان واقعیتهاست که توده ها را به خود جذب مینماید. واقعیتهایی که در زندگی روزمره آنان عینیت داشته باشد.

نویسنده وظیفه تاریخی و اجتماعی ادبیات را شناساندن مسیر تکاملی جامعه به خوانندگان و کمک به آنها برای حرکت در این مسیر میدانند و نویسنده را کسی میدانند که با بررسی در روند تکاملی جامعه، ادبیات را به وجود میآورد - البته در این قسمت مختصری به شرح اجتماعی که در آن زندگی میکنیم پرداخته است و میگوید - "ادبیات مانند آینه ای است که باید آنچه را که درون زندگی مردم جریان دارد بازگو کند." در قسمتی دیگر از کتاب "جهت اصلی اتفاقات اجتماعی را مبارزه میدانند" و میگوید: اصولاً زندگی بدون "مبارزه" معنا ندارد. زیرا هرکاری که بشر میکند جهت اصلی آن مبارزه است یعنی

حتی وقتی که غذا میخورد، هم نوعی مبارزه - انجام داده است. آری مبارزه با گرسنگی و - ناتوانی! وقتی درس میخواند با نادانی و هنگامی که مطالعه میکند با ناآگاهی مبارزه نموده است. خلاصه یک پای هرکاری مبارزه است و مبارزات اصلی در جریانهای زندگی تاحدی پیچیده تر است و در تمام تاریخ زندگی بشر، مبارزه همیشه به همراه او بوده است و اصولاً تاریخ زندگی انسان را تاریخ مبارزات او تشکیل میدهد و مختصراً به شرح اولین مبارزات بشر که همان مبارزه با طبیعت بوده است پرداخته و پس از آن با شرح مبارزات اجتماعی انسانها شمای کلی از هدف اصلی مبارزه داده است و با معرفی طرفین مبارزه سعی نموده است رسالت ادبیات را از نظر اجتماعی و تاریخی ادا کند و با زبانی ساده تاریخ جوامع بشری را از آغاز تشریح نموده و علت پیدایش طبقه حاکمه و مبارزه توده ها را با آن توضیح داده است. و نشان داده است که چگونه عوامل سرکوب که همان طبقه حاکمه است با فریب و تحمیق توده ها و تطمیع عده ای از آنها از متشکل شدن طبقه زحمتکش جلوگیری مینماید و دائماً سعی جلوی رشد آگاهی آنها می بندد و به خاطر نداشتن تشکیلات سیاسی و آگاهیهای لازم - است که مبارزات توده ها با شکست مواجه میشود، زیرا طبقه مرفه نیز برای حفظ موقعیتش همیشه با طبقه زحمتکش در مبارزه است و با ابداع شیوه های جدید سعی در سرکوب توده ها مینماید. ولی مبارزه همچنان ادامه پیدا میکند تا جامعه ای به وجود بیاید که در آن طبقات مختلف وجود نداشته باشد و به پیروزی طبقه زحمتکش منجر شود. و در چنین جامعه ای هم کماکان مبارزه - ادامه خواهد داشت، مبارزه ای در جهت بهتر شدن وضع زندگی همه انسانهای اجتماع" و در جای دیگر هنگامی که مشخصات اصلی طبقه مرفه و زحمتکش را توضیح میدهد به اصلی ترین صفت مشخص آنها، یعنی بهره کشی طبقه مرفه و بهره دهی طبقه محروم اشاره ای نکرده است بدیهی است که این خصیصه بارز که بخوبی استثمار

دشاد در صفحه ۱۹

معلم شهید عبدالاحکیم مختوم



در تاریخ مبارزات دلاورانه خلق قهرمان ایران علیه امپریالیسم ورژیم وابسته به آن، معلمان مبارز جای ویژه‌ای دارند کم نیستند معلمان نرزمندگی ای که با شهادت خود و با نثار خون پاک خود، نام معلم را در کنار سایر زحمتکشان جامعه، در مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک میهنمان به ثبت رسانده اند.

آنچه در دوران سیاه دیکتاتوری رژیم شاهنشاهی نصیب معلمان زحمتکش میشد چیزی نبود جز محرومیت خفقان، سرکوب و زندان و تبعید و قتل و شکنجه و هنوز که بیش از یکسال است از قیام دلاورانه توده‌های زحمتکش ایران میگذرد چیزی بیشتر از اینها نصیب معلمان نگشته است. در یکساله‌ای که از قیام ضد امپریالیستی میهنمان میگذرد، سرکوب و ترور معلمان مبارز به مراتب بیشتر و برجسته تر از دوران سیاه گذشته چشم میخورد. ترور بیشمارانه معلم کبیرترکمن عبدالاحکیم مختوم نمونه‌ای بارز از این دست است.

مختوم، این آموزگار بزرگ و مبارز خلق ترکمن در خانواده‌ای زحمتکش به دنیا آمد. پدرش کارگری ساده بود و مادرش زنی زحمتکش که با قالیبافی سهمی زیار اقتصادی خانواده را بر دوش میکشید. مختوم در چنین محیطی و در زیر بار فقر سرسام آور بزرگ شد. دوران تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در دبستان و دبیرستانهای شهر گنبد به پایان رساند و سپس با شغل معلمی و با قلبی آکنده از عشق به توده‌ها و مملو از نفرت به امپریالیسم و کارگزاران آن، به روستاهای اطراف گنبد رفت.

مختوم آموزگاری بود که بخوبی طعم تلخ

فقر و ستم ناشی از سلطه امپریالیسم را درک میکرد و بخوبی میدانست که رهایی زحمتکشان در مبارزه و نابودی امپریالیسم بدست میآید. او میدانست که باید به دانش آموزانش این فرزندان زحمت کشان صحرای درس مبارزه و آزادگی بیاموزد. عشق او به آزادگی و آزادیستن و عشق او به رهایی میهن از زیر سلطه امپریالیسم، همواره خشم و کینه دشمنان مردم و ایادی امپریالیسم را نسبت به او برمی انگیزت. ولی او در مبارزه خستگی نمیشناخت. او همواره با روحیه‌ای سخت و بی‌لایتن تکرار میکرد: "کسی که به راه انقلاب می‌رود - نباید خستگی را احساس کند". و دیدیم که خسته نشد و این حرف خود را در عمل بشبوت رساند.

مختوم از جمله بنیانگذاران کانون فرهنگی سیاسی و کانون فرهنگیان ترکمن صحرای بود. زیرا که اعتقاد داشت کانونهای دمکراتیک و انقلابی نهادهای محکمی برای شکل توده‌های زحمتکش در راه مبارزه و سرنگونی امپریالیسم و عوامل داخلی‌اش میباشد.

کانون فرهنگی و سیاسی ترکمن صحرای در جریان قیام با تکیه بر خواست برحق خلق ترکمن برای کسب حقوق ملی و احیای فرهنگ و هنر و آداب و سنن

فک ترکمن بوجود آمده و در اسفندماه سال ۵۷ در -
 محل کتابخانه ملی و "کانون پرورش فکری
 کودکان و نوجوانان سابق" گشایش یافت .
 احیاء ادبیات و زبان اصیل ترکمن - سواد
 آموزی و آموزش الفبای ترکمنی به کودکان، نو
 جوانان و سایر علاقمندان - برپائی برنامه های
 ادبی، هنری در مناطق ترکمن نشین - برقراری -
 مدارس کتابخانه در روستاها و مناطق روستائی ،
 بنشها و شهرهای ترکمن - فعالیت های چشمگیر
 در زمینه نمایش فیلم های مناسب برای روستائیان
 و نخلیها ، نمایشگاههای عکس از مبارزات مردم
 و نمایشگاههای کتاب و انتشار نشریات به زبان
 ترکمنی و فارسی و زنده کردن آثار کلاسیک خلق
 ترکمن از جمله اقدامات و فعالیتهای کانون
 فرهنگی و سیاسی ترکمن بوده است .
 در زمینه آموزش و پرورش از اقدامات موثر
 کانون فرهنگی - سیاسی ترکمن دفاع از جانشین
 گردنانشخابات به جای انتخابات در آموزش و -
 پرورش بود .

مختوم از بنیانگذاران چنین کانونی بود و به
 همین جرم نیز ترور شد . اما عشق و علاقه دهقانان
 و مردم ستمکشیده ترکمن صحرا به مختوم بیانگر
 پیوند عمیق و انسانی بین معلمان و دیگر نیرو
 های ستمدیده خلق میباشد . آنان که گمان برداشت
 با اینگونه ترورهای به شیوه آریامهری میتوانند
 مردم ما را از مبارزه بازدارند و با ایجاد محیط
 رعب و وحشت و خفقان جلورشد مبارزات دمکراتیک
 خلق را که برای بدست آوردن آزادی و استقلال
 ده ها هزار شهید و صدها هزار زخمی داده است بگیرند
 سخت در اشتباهند . زیرا خلق ما همیشه فرزندان
 راستین خود را میشناسد . خلق ما مختوم ها را بخوبی
 میشناسد و کوردلان مطمئن باشند که یاد مختوم
 و نام مختوم به عنوان آموزگاری مبارز و -
 رزمنده ای دلیر برای همیشه در قلب دانش آموزان
 ترکمن صحرا و همه دانش آموزان و معلمان ایران
 زنده خواهد ماند . و راه مختوم که ادامه راه -
 بهرنگی ها و گرجی بیانیها است همچنان ادامه
 خواهد داشت .

● درستایش زادگاه انقلاب

هنوز هیچ نشده
 جهان دم از اقبال و از گون مایزند
 اما کنار تفرقه بی برگ ما
 امید ستمکشان جهان، نشسته است
 قانع به جرعه ای آب
 و با صدای رسا میهمانان را دانش می آموزد
 و در پس درهای فروریخته
 و زان پس که درها فرو ریخت
 باز هم مانسته ایم در دیدگاه همه
 ما، که نه سرمای مرکب حریفان است و نه گرسنگی
 خستگی ناپذیر، سر نوشت جهانی را با سادارتند .

"برشت"

مبارزه با بیسوادی در کوبا

از نظر اقتصادی کوبا کشوری تک محصولی است که متکی به کشاورزی و بویژه کشت شکر بوده، علاوه بر این دارای منابع متعددی از قبیل آهن، مس، نیکل و غیره میباشد که تا سالهای قبل از انقلاب از آنها بهره برداری نشده بود. این کشور وابستگی شدیدی به آمریکا داشت و آمریکا لیسم آمریکا بعنوان یک جهانخوار بزرگ این منطقه را تحت سلطه خویش در آورده بود. با تیسافردي که در راس حکومت قرار داشت، نماینده تام الاختیار منافع آمریکا بود. مسلماً چنین رژیمی نمیتوانست احتیاجات و نیازمندی های مردم از جمله مشکل آموزش و پرورش، خدمات پزشکی، مسکن، عدالت و رفاه اجتماعی را برآورده نماید.

در زمینه آموزش و پرورش طبق آمار وارقامی که در سال های قبل از انقلاب گرفته شده، حدود ۵۷ درصد از جمعیت آن از نعمت سواد بی بهره بودند. البته توزیع بیسوادی در استان های مختلف متفاوت بود. با وجود این بین شمار بیسوادان شهر و روستا فرق فاحشی به چشم میخورد. این مسائل در زمانی که دولت انقلابی بعد از جریان انقلاب روی کار آمد رفته رفته کاهش یافت. این دولت به مسئله آموزش و پرورش وریشه کن ساختن بیسوادی توجهاتی مبذول داشت و دست به اقداماتی زد که عمدتاً به قرار زیر است.

۱- ارتباط بین شهر و روستا - تا پیش از انقلاب کوبا ۵۰ درصد خردسالان واجب التعلیم (قریب ۸۰۰۰۰ نفر) به مدرسه راه نمی یافتند. در آن زمان فقط ۱۷۰۰۰ کلاس وجود داشت حال آنکه طبق آمار همان سالها ۳۵۰۰۰ کلاس مورد لزوم بود. خردسالان مقیم روستا همه ساله به خیل عظیم بیسوادان می پیوستند. در سال تحصیلی ۱۹۵۹-۶۰ نزدیک به

بیسوادی شمره شوم نفوذ امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه و مشخمه فرهنگ منحنط استعماری است زیرا امپریالیست های جهانخوار در برتو جهل و نا آگاهی توده های تحت ستم است که میتوانند به غارت و چپاول خود ادامه دهند و از این رومبارزه با بیسوادی در برنامه کار همه انقلاب های رهاشی بخش جهان قرار دارد.

پیکار با بیسوادی مستلزم شرکت فعال کلیه نیروهای مردمی و انطباق برنامه مبارزه با بیسوادی با شرایط واقعی زندگی زحمتکش و بهبود شرایط اقتصادی آنان است. آنچه اینک تحت عنوان پیکار با بیسوادی در میهنمان انجام میگردد همچون دیگر برنامه های وزارت آموزش و پرورش - بعلت وجود انحصار طلبی ها و عدم درک علمی و صحیح مسئولان امر از مسئله سواد آموزی نمیتواند پاسخگوی مسائل و نیازهای مرخطیر مبارزه با بیسوادی باشد.

نشریه معلم به منظور آگاهی همکاران از - تجربیات و برنامه های مبارزه با بیسوادی در کشور های مختلف به معرفی و بررسی این برنامه ها میپردازد تا با اسفاده از دست آوردهای پر بار مبارزات خلق های تحت ستم جهان با غفريت جهل و نا آگاهی، مسئولان و آگاهان در امر پیکار با بیسوادی شرکت جوئیم.

●●●

کوبا کشوری است که طبق آمار سال ۱۹۶۴، جمعیتی معادل ۷۱۰۰۰۰۰ نفر را دارا است که ۶۰ درصد آنان در مناطق روستائی زندگی میکنند این کشور از ۶ استان تشکیل شده و شامل جزیره اصلی و - تعدادی جزایر کوچک است.

۵۸۲۱۹۸ نفر در مدارس ابتدائی ثبت نام کردند در سال بعد یعنی بین سال های ۶۱-۱۹۶۰ تعداد دانش آموزانی که ثبت نام کردند به رقم ۱۱۱۸۹۲۲ نفر رسیدند.

۲- تا مین کا در آموزش برای سوادآموزی - در زمانیکه انقلاب به مرحله پیروزی رسید خیل عظیم مردم برای مبارزه با بیسوادی بسیج شدند و گروه های زیر تشکیل شد:

الف- سوادآموزان غیررسمی - این عده از افراد عادی یعنی زنان و مردان و حتی کارگرانی که تاحدودی سوادداشتند تشکیل میشد که ازطریق آموزش و پرورش کلاسهائی برای این افراد گذاشته میشد که نحوه سوادآموزی به دیگران را می آموخت ب- دانش آموزان مدارس متوسطه - اینها محصلین مدارس متوسطه بودند که آمادها مریکوار با بیسوادی شدند. این عده بصورت گروه های ۱۰۰ نفری به اردوگاههای واقع در کوهستان بممدت یکماه برای کارآموزی در مدارس ابتدائی فرستاده میشدند و بلافاصله پس از اتمام کارآموزی به کار تدریس می پرداختند.

ج - معلمان رسمی - اینها گروه هائی بودند که در امر بیکار با بیسوادی کمک شایانی میکردند و هم اکنون بسیاری از آنها در دور افتاده ترین مناطق روستائی سرگرم کارند.

۳- ایجاد کمیسیون ملی سوادآموزش پایه- این کمیسیون در سال ۱۹۵۹ بنا نهاده شد و وظائف مختلفی را بعهده دارد.

نخستین وظیفه کمیسیون این بود که در آوریل سال ۱۹۵۹ یک دوره ۱۵ روزه برای ۱۳۰۰ معلم تشکیل داد که ضمن آن متون تدریس و چگونگی آموزش خواندن و نوشتن به بزرگسالان را می آموختند. در این زمینه روشهای مختلف تدریس مورد بررسی قرار گرفت و از میان آنها یک روش انتخاب شد. در این هنگام روزنامه ها و رادیو و تلویزیون هنوز ملی نشده بود. لذا کمیسیون سوادآموزی پس از توافق با مسئولان این رسانه های گروهی اقدام به درج مطالب آگاه کننده در روزنامه ها کرد و از طریق رادیو و تلویزیون برنامه آهنگهای مانند " میزگرد " به اجرا درآمد.

وظیفه دیگر این کمیسیون جمع آوری آمار در زمینه مبارزه با بیسوادی بود. با فرارسیدن سپتامبر ۱۹۵۹ امکان جمع آوری نخستین آمار فعالیت های محو بیسوادی در هر یک از استانها شروع شد. بررسی لغات رایج در میان کشاورزان- کوبائی نیز از جمله وظائف این کمیسیون بود.

در سال ۱۹۶۰ مبارزه با بیسوادی زیر نظر کمیسیون ملی سوادآموزی و آموزش پایه ادامه یافت. دوره تربیت معلمان تقویت و تکمیل شد. بنا به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش کوبا، رئیس اداره ترویج آموزش ما موریت یافت تا برای انتشار یک کتاب سوادآموزی انقلابی برای خردسالان دست به تحقیق لغات رایج در میان کشاورزان بزند. در این بررسی به این نتیجه رسیدند که روش آموزشی قبل گرچه از نظر فنی خوب بوده ولی با انگیزه ویژه جنبش کشور و مبارزه با بیسوادی سازگار نبوده است. ضرورت ایجاب - میکرد که کتاب سوادآموزی خردسالان به گونه ای تدریس شود که محتوای انقلابی و سیاسی آن نه تنها از نظر تاریخی و روان شناسی انگیزه کافی بوجود آورد بلکه به همان اندازه درخور فهم بوده و - حتی الامکان به زبان و عبارات کشاورزان کوبائی نزدیک باشد. سال ۱۹۶۱ در کوبا رسماً بنام سال آموزش و پرورش نامیده شد.

کمیسیون ملی سوادآموزی دارای تشکیلات زیر میباشد:

دایره امور فنی - دایره روابط عمومی - دایره امور مالی - دایره انتشارات - دایره امور فنی - این دایره مسئولیت سه بخش اساسی یعنی آموزشی، فنی و آماری را به عهده دارد.

الف: بخش آموزشی - کتاب سوادآموزی " پیروزی از آن ما خواهد بود " توسط این بخش تهیه گردید تجربه نشان داده بود که استفاده از کتاب هائی که از نظر فنی خوب تدوین شده اند، موفقیت نسبی در برداشت ولی این کتاب ها فاقد انگیزه مفید برای مسیر منطقی مطالب از ساده به مشکل بود. بر طبق روش تحلیلی مرکب که مبتنی بر تکرار و - مشکل تر شدن تدریجی مواد آموزشی بود، ۱۵ درس

زیر که هریک دارای دو پایه تمرین بود، تهیه شد:

سازمان کشورهای آمریکائی - موسسه ملی و اصلاحات ارضی - مزارع تعاونی زیر نظر موسسه اصلاحات ارضی زمین - ماهیگیران کوبائی - فروشگاه مردم - هرکوبائی صاحب یک مسکن - مردمان سالم درکوبائی آزاد - موسسه ملی صنعت جهانگردی - ارتش خلقی - انقلاب درهمه نبردها پیروز است - مردم به هنگام کار - کوبا تنها نیست - سال آموزش و پرورش - شعرواشعری وحروف الفباء .

تصاویر مندرج در کتاب سوادآموزی نمایانگر زندگی درکوبای پس از انقلاب بود و با توجه به شرحی که در مورد هر موضوع داده شده بود، تهیه شده بودند. تصاویر به سوادآموز کمک میکرد تا ضروری ترین جنبه آن را در یاد بداند چرا که تصویر به تنهایی را از نظر بصری یاری نمیکرد بلکه در تمام جریان یادگیری خواندن و نوشتن، کار سوادآموز را تسهیل میکرد. نهایت سعی و کوشش مبذول میشد تا کتاب - سوادآموزی به ساده ترین و قابل فهم ترین سبک تهیه شود. این امر ضرورتاً بخاطر سوادآموزان رعایت نمیشود بلکه بدان علت بود که افراد اندر کار تدریس آنان بیشتر دانشآموزان، کارگران زنان و مردان بی تجربه بودند تا معلمان رسمی. در کنار این کتاب، کتابچه راهنما نیز چاپ گردید که مطالب آن در رابطه با مطالب کتاب سوادآموز بود.

ب - بخش فنی - گذاشتن سمینارهای مختلف از جمله کار این قسمت بود. در این سمینارها از تمام افرادی که در امر بیکار با بیسوادی شرکت داشتند مانند آموزگاران، مشاوران فنی و - راهنمایان سیاسی فراخوانده میشدند. در این جلسات با تبادل افکار و تجربه های مختلف به مشکلات پاسخ داده میشد. هریک از آموزشیاران - گزارش کارهای قبلی خود را به جمع میداد و برای هفته بعد رهنمودهای لازم را دریافت میکرد. جنبه دیگر این بخش فنی، سازماندهی افرادی بود که میبایست در مناطق خود به کار سوادآموزی - مشغول باشند.

ج - بخش آماری - این بخش هر ساله و هر وقت

یکبار آماری تهیه میکرد. برای این کار پرسش نامه هایی تنظیم میگردد که در اختیار سوادآموزان و معلمان قرار میگرفت. سرشماری تعداد بیسوادان کار مشکلی بود زیرا اغلب بیسوادان بدلائل مختلفی موقعیتشان را پنهان میکردند. برای رفع این مشکلات رادیو تلویزیون، جراید نقش بسیار مهمی در امر تشویق و ترغیب بیسوادان ایفاء میکردند. علاوه بر این ادارات بانکها، دادگاهها، شعبات پست و تلگراف در شناسائی و راهنمایی بیسوادان نقش قابل ملاحظه ای داشتند.

دایره روابط عمومی - هدف های سه گانه این دایره در آغاز فعالیت ها عبارت بوده است از:

الف - ترغیب بیسوادان از طریق کار به مقیاس وسیع و استفاده از وسائل گوناگون همچون مطبوعات، رادیو تلویزیون، برگزاری جشن ها، تشکیل گروه آئینها، انتشار اعلامیه ها، اعطای دیپلم و

ب - تشویق معلمان و افراد آماتور به مشارکت هرچه بیشتر در امر بیکار با بیسوادی .

ج - کمک بایره فنی

فعالیت دایره روابط عمومی چندین ماه با درازا کشید. وقتی امر بیکار با بیسوادی در ژانویه ۱۹۶۱ شروع شد تمام مطبوعات بسیج شدند روزنامه "معوی" هر روز قسمتی از کتاب سوادآموزی " پیروزی از آن ما خواهد شد" را در صفحات خود - مندرج میکرد. سایر روزنامه ها مانند روزنامه انقلاب در هر شماره خود مقاله ها، مصاحبه ها و همچنین درخواست ها و عباراتی با خط درشت در زمینه بیکار با بیسوادی می گنجاندند. علاوه بر این بیکار با بیسوادی موجب پیدایش ترانه ها اشعار و سرودهای مردمی در این زمینه شد بطوریک یکی از سرودهای ساخته شده در هر روز ۶ بار از طریق رادیو پخش میشد. در ماه سپتامبر همین سال یک برنامه موسیقی سه ساعته در رادیو - به مبارزه با بیسوادی اختصاص داده شد.

دایره امور مالی -

این دایره عهده دار نظارت بر جوی بود

دبالم در صفحه ۱۹

معرفی کتاب

را نشان میدهد باید توضیح داده میشد. ما به ذکر این مشخصات همانگونه که در کتاب آمده است میپردازیم :

مشخصات اصلی طبقه مرفه یا طبقه حاکمه :

۱- تعداد افراد این طبقه کم است و در نتیجه ارتباط بین آنها آسانتر است .

۲- کاملاً مرفه و ثروتمند هستند و برای سالیان سال اندوخته و پس انداز کافی دارند .

۳- از نظر بهداشت و سلامتی و تغذیه هیچ کمبودی ندارند و در نتیجه همه گونه امکانشی دارند .

۴- از نظر آموزش و آگاهی و وسائل کافی در اختیار دارند .

مشخصات اصلی طبقه محروم یا طبقه زحمتکش :

۱- تعداد افراد این طبقه خیلی زیاد است ، اما پراکنده اند و در نتیجه ارتباط بین آنها مشکل تر است .

۲- فقیر و بی پول هستند و در نتیجه همیشه محتاج درآمد روزانه شان هستند .

۳- از نظر بهداشت و سلامتی و تغذیه همیشه کمبود دارند .

۴- از نظر آموزش و آگاهی و سائلی ندارند و میزان بیسوادی و ناآگاهی در میان افراد این طبقه بسیار زیاد است .

و در ادامه با معرفی نویسندگان و روشنفکرانی که در خدمت طبقه حاکمه هستند ، یک بار دیگر رسالت تاریخی ادبیات را که همان حرکت در مسیر تکاملی جامعه است یادآوری مینمایم و میگوییم که ادبیات باید به آنچه که برحق است کمک کند که بر ناحق پیروز شود .

البته در اینجا هم خوب بود به آنچه که حق طبقه استثمارشونده است اشاره میشد .

و نتیجه آنکه آن نوع ادبیاتی را ارزشمند دانسته که به توده مردم آگاهی بدهد و کمک کند که مبارزه شان را برای گرفتن حق خودشان ادامه دهند . ادبیات باید به زندگی انسانها بپردازد . باید به موضوعاتی که ریشه اقتصادی سیاسی و فرهنگی دارند و در دوستی ها ، عشق ها ،

محبتها ، دشمنی ها و کینه ها ، حرصها ، حيله ها ، از خودگذشتگی های ما متجلی میشوند پرداخته و آنها را بازگو نماید . با امید به موفقیت نویسندگان متعهد

مبارزه با بسواد در کوبا

که در اختیار پیکار با بیسوادی قرار میگرفت و مسئولیت جمع آوری اعتبارات لازم را خود دارا بود . برای نیل به این منظور مدال ها نشان های و بیژهای تهیه شد تا به پاس خدمات شایسته ترین افراد طی مراسمی به آنان اعطاء گردد .

- دایره انتشارات - این دایره دست به انتشار کتاب ها و جزواتی میزد که در امر تبلیغی بسیار مفید بود . بطور مثال این دایره دست به انتشار مجله ای زد که در شماره های مختلف - مختصری در باب اصول و مباحث خواندن و نوشتن انشاء های کوتاه ، شعروداستان های با محتوای انقلابی بود که سخت مورد علاقه نوآموزان قرار گرفت . همینطور جزوه های متعددی چاپ کرد تا از آن طریق وابستگی برخی از گروه های کارگری مثلاً هیزم شکنان ، ماهیگیران ، کارگران تهیه زغال را به فراگیری خواندن و نوشتن حفظ کند .

با کاربرد این روشها اولین شهری که از قید بیسوادی رهایی یافت شهری واقع در جزیره هاوانا بود و در ادامه تلاشها طولی نکشید که چند استان و در پی آن بقیه استان ها نیز از شر بیسوادی - نجات یافتند .

اینک در کوبا کار پیکار با بیسوادی پایان گرفته و فعالیت های بیگیر سوادآموزی و آموزش کارگری - دهقانی آغاز گردیده است .

چرا دولت "فوق العاده شغل" را در حقوق پایه، ادغام نمیکند؟

کردن نسبی معلمان و به سکوت واداشتن و جلوگیری از حرکت آنها، ماهیانه مبلغی تحت عنوان "فوق العاده شغل" علاوه بر حقوق پایه، به فرهنگیان پرداخت می‌شود. باین ترتیب، هر معلمی استخدام می‌شود، حقوق ماهیانه‌اش شامل دو قسمت است که درصد بازنشستگی، مالیات و بیمه از کل آن کسر می‌شود ولی هنگام بازنشستگی فقط حقوق پایه به معلم تعلق می‌گیرد و فوق العاده شغل حذف می‌گردد. باین ترتیب رژیم کلاه گشادی بر سرفرنگیان (مثل سایر کارمندان جزء دولت) - می‌گذاشت و از آنها بِنفع خود بهره‌برداری می‌کرد. باین ترتیب هنگام بازنشستگی با وجودیکه هزینه زندگی ذره‌ای کاسته نمی‌شود بلکه روز بروز افزایش می‌یابد، حقوق معلمان یکباره به میزان حدود ۲۰٪ حقوق قبل از بازنشستگی کاهش پیدا می‌کند، تازه آنهم در صورتیکه بطور عادی کار کرده و به سن بازنشستگی رسیده باشد و در صورتیکه قبلاً از موعد بازنشسته شود (مثلاً بعد از ۲۰ سال) چون باندازه ۲۰٪ روز حقوق به او تعلق می‌گیرد و از فوق العاده شغل محروم می‌شود، از نظر گذران زندگی بیشک دچار چنان مضیق‌های خواهد شد که جبران آن کار چندان ساده‌ای نیست. علاوه بر این اجاف بزرگی که به معلمان وارد می‌شود، هنگام گرفتن وام، حد اکثر مبلغی که به معلم تعلق می‌گیرد، بر مبنای حقوق پایه گروه او و بدون احتساب فوق العاده شغل محاسبه می‌شود که این امر همواره به زیان معلم و بِنفع رژیم وابسته به امپریالیسم بوده است، همچنین هنگام دادن عیدی به فرهنگیان فوق العاده شغل بحساب نمی‌آید. اینها اجافات دیگری است که به این طریق به این قشر و امپریالیسم پس از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم منقریبه‌پهلوی

معلمان هنگامیکه به استخدام دولت در می‌آیند بر حسب میزان تحصیلات گروه و پایه مشخصی به آنها تعلق می‌گیرد و حقوق ماهیانه آنها بر اساس این گروه تعیین می‌شود. طبیعی است پولی که در ماه به معلم پرداخت می‌شود به توجه به هزینه زندگی باید تکافوی حداقل نیازهای او را بکند بخصوص که کار معلم نیز دارای چنان کیفیتی است که اگر فکر او آسوده نباشد و دائماً با مشکلات مختلف از جمله مشکلات اقتصادی دست به گریبان باشد، به سطح نازلی افت می‌کند و تاثیر آن زیان جبران ناپذیری است که از نظر رشد فکری در هر سن به دانش آموزان او وارد می‌شود.

بخصوص معلمان که در جوامع تحت سلطه امپریالیسم به تدریس مشغولند، از آنجا که در این گونه جوامع، هزینه زندگی بطور روز افزون بالا می‌رود، با این مشکلات بیشتر درگیرند و برای رفع نیازهای رفاهی شان لازم است همراه با افزایش تورم و ازدیاد هزینه زندگی، حقوق آنها ترمیم شود و ضریب حقوقی شان افزایش یابد. در حالیکه ما شاهدیم که رژیم منقریبه‌پهلوی از آنجا که وابسته به امپریالیسم بوده و کلیه اعمالش در جهت چپاول هر چه بیشتر توده‌های مردم و از آن جمله قشر معلم بود. هیچگونه اقدامی در جهت افزایش ضریب حقوقی معلمان بطور متعادل با افزایش هزینه زندگی انجام نداد ولی رژیم خود میدانست که اگر مزد ماهیانه‌ای که به آنها پرداخت می‌کند از حد نیاز آنها خیلی کمتر باشد، نگاه با حرکتی از جانب این قشر مواجه خواهد شد که به زیانش تمام می‌شود و باین ترتیب علیرغم میل خود به نزدیک شدن معلمان به یکدیگر و متشکل شدن آنها کمک می‌کرد. بهمین جهت رژیم ناجار بود برای راضی

جزئی از خواسته‌های معلمان در زمینه‌های اقتصادی ادغام فوق‌العاده شغل در حقوق پایه و افزایش ضریب حقوقی، متناسب با افزایش سطح زندگی بوده و میباشد. ولی هنوز شاهدیم که همان قوانین گذشته که عملکرد آن غارت هرچه بیشتر معلمان بود هم اکنون نیز پابرجاست درحالیکه بیش از یکسال از قیام گذشته و گرانی و تورم هرروز بیش از پیش به معلمان نیز چون سایر اقشار مردم فشار می‌آورد.

آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش، کنونی نیز در اثر فشارهایی که از طرف معلمان برای احقاق حقوقشان بایشان وارد میشود، مجبور است دایماً وعده و وعید بدهد و فرهنگیان را به صبر دعوت کند. حتی در مصاحبه‌ای با خبرنگار اطلاعات اظهار میدارد که: "... باید انسان بصورت انسان در نظر گرفته شود و حقوق هم در رابطه با نیاز باشد" (اطلاعات ۵۸/۱۱/۲۱) ولی وقتی طرحی عملی از طرف وزارت آموزش و پرورش برای تغییر سیستم پرداخت حقوق به معلمان ارائه نمیشود میتوان گفت که این حرف‌ها ادعائی بیش نیست. در عرض قوانین جدیدی برای بازنشسته کردن معلمان پس از هر چند سال خدمت به تصویب می‌آیند (بازنشستگی در اشد عدم توانایی، کم‌کاری و...) و جالب است که طبق این قانون معلم پس از بازنشستگی به اندازه $\frac{1}{3}$ ضریب در تعداد سالهای خدمت حقوق دریافت میکند. از هر چه که بگذریم این معلم از کجا بیاورد بخورد؟

بد نیست در اینجا مثال زنده‌ای بیاوریم تا مسئله بهتر روشن شود. یک آموزگار را اگر پس از ۱۵ سال کار بازنشسته شد (با گروه ۶) حقوقی را که دریافت میکند طبق این محاسبه برابر است با (ریال $15645 = 15 \times \frac{1}{3} \times 31200$). همکاران ما خود میتوانند قضاوت کنند که با این حقوق ناچیز یعنی ۱۵۶۰ تومان، چگونه این معلم باید زندگی بگذراند؟

چطور آقای وزیر که خود می‌گوید: "حقوق باید در رابطه با نیاز باشد" چنین قوانینی را توجیه میکند و حتی برای یک معلم که بطور عادی بازنشسته شده چه دلیلی می‌آورد که بدون آنکه

از هزینه زندگی او کاسته شده باشد یکبار بیش از $\frac{1}{3}$ حقوقش باید کسر شود؟ برای نمونه یک دبیر لیسانس که با گروه ۱۱ بازنشسته میشود، مبلغ ۳۱۰۰۰ ریال از حقوق ماهیانه‌اش کاسته میشود درحالیکه ماهیانه ۸٪ از کل حقوق و مزایا و فوق‌العاده شغل او بعنوان بازنشستگی کم شده است. نکته دیگر آنکه از مبلغی که بعنوان فوق‌العاده شغل به معلمان پرداخت میشود ۷۰۰ تومان آن به زعم آموزش و پرورش برای تأمین مسکن معلمان است درحالیکه این مبلغ ناچیز با توجه به هزینه کنونی مسکن که در سطح بسیار بالائی قرار دارد به هیچوجه تکافوی نیاز معلمان را نمیکند، تازه همین مبلغ ناچیز به بازنشسته‌ها تعلق نمی‌گیرد در صورتیکه روشن است با توجه به وضع اقتصادی فرهنگیان، آنها پس از ۳۰ سال خدمت نیز بندرت میتوانند صاحب‌خانه‌ای بشوند. ما از دولت مصرانه می‌خواهیم که بجای وعده و وعید دادن و بعنوان اولین گام در راه بهبود وضع اقتصادی معلمان، فوق‌العاده شغل و حقوق پایه آنها را درهم ادغام کرده و بعنوان حقوق ثابت به آنها پرداخت نماید.

گزیده‌ای از : نشریات

بر معلمان مرفعی و مبارز انزلی چه میگذرد؟

اولین شماره نشریه کانون مستقل معلمان بندر انزلی در بهمن ماه ۵۸ منتشر گردید. در این نشریه مطالب زیر درج شده است: سخنی با فرهنگیان بندر انزلی - سرمقاله - چرا کانون مستقل معلمان بندر انزلی ضد امپریالیستی است - یادی از گلرخ و دانشیان - بر معلمان مرفعی و مبارز بندر انزلی چه میگذرد - شناختی از بندر انزلی - فرهنگ و استعمار - شعر و اخبار - اساسنامه کانون مستقل معلمان بندر انزلی - با آرزوی موفقیت برای کانون مستقل معلمان بندر انزلی در راه تحقق اهداف دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود، قسمتی از مقاله: بر معلمان مرفعی و مبارز بندر انزلی چه میگذرد را درج میکنیم تا نمونه دیگری از تضییقاتی را که بر معلمان آگاه و متعهد وارد میشود، نشان دهیم و برای جلوگیری از اقداماتی که امنیت شغلی معلمان را مورد تهدید قرار داده است، متحدانه جاده‌ای بیندیشیم.

".... به شهادت همه مردم آگاه و مبارز بندر انزلی در این شهرستان، معلمان اولین گروهی بودند که همگام با حرکت انقلابی دیگر خلق‌های ایران، ساختمان حکومت پوششالی شاهنشاهی را فرو ریختند و در سقوط رژیم منفور پهلوی سهم بسیار کوچکی هم به معلمان این شهرستان میرسد. این معلمان بندر انزلی بودند که برای اولین بار قبل از حرکت دیگر اقشار این شهرستان به حرکت انقلابی مردم جهت دادند این آنها بودند که اولین راهپیمایی‌ها را با نهایت شجاعت در محیط ترس و دلهره برنامهریزی

میکردند تا دیگر انقلابیون بتوانند حداقل حرفشان را در آن راهپیمایی‌ها بزنند. مردم مبارز بندر انزلی آگاهند که تا چه حد معلمان در توزیع نفت و دیگر مایحتاج ضروری مردم چه شبها که نمی‌خوابیدند، همه میدانیم که ساواک با چه وضعی با معلمان پیشتر برخورد دویچه‌صورت جلوی حرکت انقلابی آنان می‌ایستاد و تا چه حد شرم آور آنان را در خیابانها و کوچه‌ها به باد کتک میگرفت. اساسی ۲۲ نفر از معلمان پیشتر و مبارزی که برای اعدام تنظیم شده بود، بر کسی پوشیده نیست. لیست اساسی ۲۲ نفر که با اصطلاح عمال رژیم خرابکار بودند و میبایست در روز کودتا اعدام شوند، در دست است.

متأسفانه دقیقاً به تدریج همان معلمان، امروز از سر کلاس درس وسیله پاسداران به دادگاه انقلاب کشیده میشوند تا جهت ادای اتهام دروغی که هرگز مرتکب آن نشده، میخواستند دهن‌توده‌ها را نسبت به معلمان مرفعی و مبارز منحرف کنند. امروز از بهترین دانش‌آموزان این شهرستان که همگام و همدوش معلمان خودباشت های گره کرده لرزه بر اندام سازشکاران و عمال رژیم منفور پهلوی می‌انداختند مورد اتهام دادگاه انقلاب و مورد شکایت فرصت‌طلبان نادان و در زندانند.

اخیراً یکی از معلمان مبارز این شهرستان که از آغاز حرکت همدوش دیگر معلمان در تمام زمینه‌ها در جهت مردم بود و بارها از طرف مأمورین ساواک مورد آزار و اذیت قرار گرفت، روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۲۱ از کلاس درس وسیله پاسداران به دادگاه انقلاب کشیده شد. کانون مستقل معلمان

دنباله در صفحه ۲۵

مجسمه آزاد...

در شهر برج و باروی آن آسمان خراش
آنجا که هربنای مهیبش
خود، گاو صندوقیست عظیم

- ز پولاد -

تا غارت سراسر آفاق را

- به شکل دلار -

در خود بپا کند

و خفهای سیرنا شده اش

هر روز منتظر کشف سفره ایست
آنجا

غولی خشن - به صورت بانوئی معصوم -

بر تلی از دلار ستاده ست

دستی فراز کرده، نگهدار مشعلی

در آستین دیگرش اما

داشته نیست، چیست

این پیکر، مبشر آزادی است!

آزادی ربودن

آزادی هجوم

بر تلی از دلار ستاده ست

در دست مشعلش فروزان

غولی خشن به چهره قدیمی

با مشعلی عظیم که با آن

اغماق بیته "بولیوی" را

روشن کند

و آنگاه

با دست دیگرش "چه گوارا" را

ضرب به قلب فرود آورد

و در نهان جنگل "کنگو"

آتش دمدیه جان "لومومبا"

بر تلی از دلار ستاده است

با مشعلی عظیم که با آن

آتش بپراکند به "ویتنام"

با مشعلی عظیم که با آن

در دامن بازگشته ز غارت را

برعرشه های سرکش کشتی ها

از دورتر سواحل دریای نفت

وز آن سوی کرانه الماس و کاشوچو

- چون رهنما - به خویش فراخواند

بر تلی از دلار ستاده است

این پیکره مبشر آزادی است:

آزادی ربودن

آزادی هجوم

اینک هزار کشتی تاراج

از جارسوی پهنه گیتی

خشنودی مرشته آزادی را

- با ارمغان آنچه توان یافت -

رو سوی این گرسنه روانند

ای غول! ای مزور قدیس!

ای مشعل

ای چراغ شب رهزان دریائی!

با باد شرق

بر تو

سرانجام می وزم

م - آ ز رم

پیامهای کانون



پیام کانون مستقل معلمان تهران بمناسبت سالگرد شهادت استادهاشم احمدزاده .

بادرود به معلمان شهیدوهمه شهدای بخون خفته خلق اولین سالگرد شهادت استادهاشم احمدزاده فرزند مبارز خلقکرد را با تجلیل از تلاشهای پرشورش در راه گسترش آگاهی توده ها و مبارز، با جهل و ظلم وستم، گرامی میداریم .

دراطول تاریخ مبارزات خلق های میهنمسان علیه استعمار و استبداد، معلمان آگاه و مبارز - همیشه وظیفه سنگینی را درپیش روی خودداشته اند چرا که خود جزئی از دریای بیکراویورتوان خلق اند و درکنار توده های ستمدیده و زحمتکش، در سنگر استوار فرهنگ به آگاهی توده هاو به مبارزه با فرهنگ استعماری برخاسته اند .

از آنجا که امپریالیسم وواستگان جنایت کارش آگاهی توده ها را مهمترین مانع اجرای سیاستهای شوم خویش میدانند، همراه با یبوش همه جانبه خود به خلق های تحت ستم میهنمان سرکوب معلمان مبارز را نیز در دستور کار خود قرار داده اند . چهره های درخشان معلمان آزاده ای که در راه دفاع از آرمان های انقلابی خلق به شهادت رسیده اند سیاستهای جنایتکارانه این دشمنان خلق ها را به روشنی نشان میدهد .

پس از قیام شکوهمند خلق های قهرمان میهنمان از آنجا که هنوز نفوذ امپریالیسم وایادی سرسپرده اش در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی قطع نشده است، باز شاهد انواع محدودیت هایی هستیم که برای معلمان مترقی

و آگاه فراهم ساخته اند . اخراج، تبعید، دستگیری و کشتار معلمان مبارز در نقاط مختلف کشورمان رنگ خطری است که خبر از نفوذ و توطئه امپریالیسم و مزدوران وابسته اش میدهد .

شهیدهاشم احمدزاده استاد دانشگاه ارومیه درحین تحصیل در مبارزات دانشجویی نقش ارزنده ای داشت و در جریان مبارزات موم ایران علیه رژیم جنایتکار پهلوی وعوامل سرسپرده اش با شرکت فعال خود در تحصن ها و راه پیمایی ها و تشکیل دانشجویان به دفاع از آرمان های انقلابی خلق پرداخت و در اولین بهار بعد از قیام که هنوز خون شهیدان راه استقلال و آزادی در این دشت سرخ میهنمان خشک نشده بود ناخواسته مرده اند آماج گلوله های مزدوران قرار گرفت و شهیدی دیگر از تبار خلق رزمنده کرد به صف گلگون کفنان انقلاب پیوست .

سالگرد شهادت معلم مبارز احمدزاده را در شرایطی برگزار میکنیم که خاطره شهادت پرافتخار معلمان گرانقدری چون سلطانی ها ، گرجی بیانی ها بیرختری ها و مختوم ها دریاده ازنده است و - اخراج و تبعید معلمان مبارز همچنان ادامه دارد و شرایط دشوار زندگی صدها نفر از معلمان کامباران اعتراض و حمایت بحق معلمان متعهد و آگاه را برانگیخته است .

اینگ بادرود فراوان به تمامی معلمان شهید بخصوص استاد مبارز احمدزاده وظیفه مهم خود میدانیم که با برقراری پیوند هرچه استوار تر با استادان و دانش آموزان، با سلاح دانش

دنیاله در صفحه ۲۵

گزیده ای....

آیا میدانید بر معلمان مرفی و مبارز بنادر
انزلی چه میگردد؟
نقل از نشریه شماره یک کانون مستقل
معلمان بندرانزلی

بندرانزلی معتقد است که مسجد، بیمارستان، -
مدرسه و دانشگاه مکان های مقدسی هستند که هرگز
نباید مورد تجاوز ما موری حکومت قرار گیرند.
ما شدیداً نسبت به این حرکت غیر عادلانه دادگاه
انقلاب معترض و تا آن جا که بتوانیم با قاطعیت
از معلمان مبارز و آگاه و مرفی دفاع میکنیم
این ما هستیم که مرز بین معلمان و دانش
آموزان انقلابی را از ضد انقلابی و فرصت طلب
تشخیص بدهیم و قضاوت را بخود مردم و دیگر
معلمان این شهرستان واگذار میکنیم که آیا
ماشاء الله قصاب ها میتوانند سازندگان جامعه
را به ناحق ضد انقلاب معرفی کنند؟
کانون مستقل معلمان بندرانزلی خواهان
یک دادگاه علنی با شرکت همه مردم و قضاوت -
هم آنها در بررسی عاملان کشتار واقع بندر
انزلی است و از آن جا که عاملان اصلی این فاجعه
یعنی مسئولین دولتی خیلی راحت و با فراغت
خاطر زندگی و همچنان توطئه میکنند، کشاندن
مبارزین به دادگاه امر اشتباهی است که عواقب
شواری به دنبال خواهد داشت. ما در این مقطع
از زمان از مردم آگاه بندرانزلی میپرسیم

دنباله پیام

و بینش انقلابی در کنار توده های زحمتکش خلق به
مبارزه با امپریالیسم تاقط کامل سلطه
جنايتكارانه اش ادامه دهیم و با مبارزه با تمامي
مظاهر فرهنگ استعماری و اشاعه فرهنگ انقلابی
و گسترش آگاهی توده ها سهم خود را در مبارزات -
دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق های دلاور میهنمار
و در دفاع از آرمان های انقلابی آنان مسئولانه
ادانماشیم.

هرچه مستحکم تر با دوحده مبارزاتی خلق
های دلاور میهنمان.
هرچه بتوانیم تر با د مبارزات ضد
امپریالیستی خلق های قهرمان ایران
کانون مستقل معلمان تهران
سوم فروردین ماه ۱۳۵۹

۱۲ اردیبهشت روز معلم را
گرامی بداریم

اخباری

از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

دانش آموزان این مملکت بدهد صفاتی که حاوی فرهنگ ایستا و مرده هستند. صفاتی که نه تنها باید حذف شوند بلکه باید جای خود را به صفات و مطالبی بدهند که حاوی فرهنگ پویا، انقلابی و راستین میباشند.

با آرزوی موفقیت برای همکارانمان در روضان شهر در راه پی ریزی فرهنگ انقلابی و مبارزه با فرهنگ استعماری.

بندرانزلی - کانون مستقل معلمان بندر انزلی با تصویب اساسنامه خود در تاریخ ۵/۱۰/۲۹ رسماً موجودیت خود را اعلام کرد. این اساسنامه شامل سه فصل و ۲۱ ماده میباشد. بر مبنای این اساسنامه کانون سازمانی صنفی - سیاسی، فرهنگی و مستقل است. "کانون صنفی است زیرا اختصاص به قشر معلم دارد، سیاسی است زیرا فعالیت های صنفی جدا از فعالیت های سیاسی متمرکز نبوده، مستقل است زیرا به هیچ حزب، دسته، جمعیت وابده و ثلویژی خاصی وابستگی ندارد، فرهنگی است بدلیل رسالت شغلی و اجتماعی معلم در جهت اعتلاء فرهنگ ملی و مردمی."

برخی از اهداف کانون مستقل معلمان بندر انزلی عبارت است از: "دفاع از آزادی، استقلال و حاکمیت ملی، دفاع از حقوق و آزادی های اساسی، اشاعه فرهنگ اصیل مردمی و زبیب بردن آثار شوم فرهنگ استعماری، دفاع از حقوق صنفی معلمان، بالا بردن سطح آگاهی معلمان و دانش آموزان، تشکیل کلاسهای پیکار با بیسوادی به کمک معلمان داوطلب و"

در راه تحقق اهداف کانون برای همکارانمان در بندرانزلی، آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

روضان شهر - کانون مستقل معلمان روضان شهر - حومه با انتشار اساسنامه موقت خود موجودیت خود را در اسفندماه ۵۸ اعلام کرد. در این اساسنامه ابتداء اهداف و وظائف کانون در ۱۶ ماده ذکر گردیده که دفاع از آزادی، استقلال و حاکمیت ملی، و دفاع از حقوق و آزادی های اساسی، - اشاعه فرهنگ اصیل مردمی، دفاع از حقوق صنفی معلمان، برقراری ارتباط با کانونهای مستقل معلمان در سراسر کشور، کوشش بمنظور مشارکت مستمر معلمان در تدوین و کنترل برنامه های آموزشی از جمله اهداف و وظائف مهم کانون میباشد.

در بیانیه کانون مستقل معلمان روضان شهر به ضرورت تشکل معلمان و به توضیح مفاهیم مستقل، دمکراتیک، صنفی، سیاسی، ضد امپریالیست و ضد ارتجاع بودن کانون اشاره شده است. در زمینه مبارزات ضد امپریالیستی معلمان در بیانیه آمده است "کانون بر این باور است که معلمان در شکل دادن مبارزه ضد امپریالیستی جایگاهی ویژه دارند زیرا دانش آموزان ما هریک از راهی دور و نزدیک می آیند و هریک قادرند مسائلی را - که می آموزند به میان مردم ببرند تا این نیروی تاریخ ساز "خلق" هر چه بیشتر که ممکن است به اندیشه های مرفعی و انقلابی مسلح شود. زیرا آن نیرویی که سرانجام باید گور امپریالیسم را - برای همیشه در این مملکت بکند خلق و در رأس آن زحمتکشان میباشند"

در این بیانیه ضمن اشاره به نقش معلمان مبارز به مسائل روز آموزش و پرورش منجمله کتابهای درسی اشاره شده و آمده است که: "بسیاری از صفحات کتابهای درسی مملو از بقایای فرهنگی است که ارتجاع محمد رضا شاهی سعی میکرد بخورد



نقاشی از دانش آموز کلاس چهارم ابتدائی



فهرست

۱	سرمقاله
۳	چرا روز معلم برگزار نشد؟
۴	زادروز مصدق به مبارزان میهن گرامی باد
۵	چرا و چگونه ۱۲ اردیبهشت روز معلم شد؟
۹	((پیام کانون مستقل معلمان تهران بمناسبت اول ماه مه))
۱۰	بیانیه مشترک کانونهای دمکراتیک درباره کردستان
۱۲	آغاز دومین سال انتشار نشریه معلم
۱۳	بیانیه مشترک کانونهای دمکراتیک درباره دانشگاههای کشور
۱۴	ادبیات مقاومت
۱۸	گزارش مختصری از فعالیتهای کمیتههای فرعی نشر
۲۰	درباره انقلا ب فرهنگ
۲۴	پیامهای از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها
۲۸	گزیده ای از نشریات
۳۰	اخباری از کانونهای مستقل معلم ان شهرستانها
۳۳	در سنگر دانشگاه
۳۴	بانک فرهنگیان ، در خدمت معلمان یا ...؟
۳۶	پیامها

کانون مستقل معلمان اعلام میدارد
به هیچ یک از گروهها و سازمانهای سیاسی
وابستگی ندارد و به هیچ سازمان و گروهی
بیانیه و اعلامیه جهت درج در نشریات آنها
نداده و نمیدهد. از سازمانها و گروههایی
که مواضع دمکراتیک و ضد امپریالیستی
کانون مستقل را تأیید میکنند تقاضا میشود
در درج اعلامیهها و بیانیههای کانون
رعایت امانت و ماهیت دمکراتیک کانون
را بنمایند.

سرمقاله

در روزهای اول اردیبهشت ماه، حملات وحشیانه به دانشگاه‌های سراسر کشور، اینکانون‌های فعال مبارزه و آگاهی‌آغازگردید و با ردیگر این سنگرهای مقاومت و آزادی از خون جوانان آزاده وطن کلکون گشت.

فجایی که در این‌ها جماعت گسترده و برنامهریزی شده، در دانشگاه‌های میهنمان اتفاق افتاد. از کشتار و ضرب و جرح و دستگیری تا تجاوز و شکنجه و تخریب برای هروجدان بیدار و آگاهی‌زنگ خطری است که از طرفی وسعت سرکوب‌آزادی‌های دمکراتیک را نشان میدهد و از سویی توطئه‌های عوامل امپریالیسم را با همه پوششهای ظاهرفریبی که به خود میگیرد، برملا میسازد. بی دلیل نیست که امروز در سراسر میهنمان به جای شعار مرگ بر آمریکا، - شعارهای انحرافی دیگری طنین انداز است، - مبارزه خلق و امپریالیسم را تحت عنوان مبارزه کمرویین به انحراف میکشاند و به جای امپریالیسم آمریکا نیروهای مترقی، دانشگاه‌ها و مردم مبارز کردستان را مورد شدیدترین حملات قرار داده اند.

حمله به دانشگاه‌ها به بهانه "انقلاب فرهنگی" در شرایطی صورت میگیرد که دانشگاه‌ها به کانون‌های افشای حقایق و ارتقاء سطح آگاهی‌توده‌ها تبدیل شده اند و به همین علت است که از دید برنامهریزان "انقلاب فرهنگی" بستن دفاتر سازمانهای دانشجویی، منع کلیه فعالیتهای سیاسی و تعطیل دانشگاه‌ها شرط لازم چنین انقلابی است.

بدون شک این حملات نه گذرا و موقتی است که بایک موج فرونشیندونه محدود که در چهارچوب - دانشگاه‌ها باقی بماند و دیدیم که کم و بیش در - مدارس نیز تاثیرات منفی خود را به جا گذاشت و - موج "انقلاب فرهنگی" به شیوه نوین "تا مدرسه‌ها نیز تاحدی کشیده شد. اخراج، تبعید، بازنشستگی و دستگیری معلمان که در این روزها شدت بیشتری

یافته است تحریک دانش‌آموزان ناآگاه برای - مقابله با معلمان مترقی، جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی در مدارس، تشدید تفتیش عقاید و سانسور در محیط‌های آموزشی نمونه‌های گویائی از گسترش موج حملات تحت پوشش "انقلاب فرهنگی" در تمام سطوح آموزشی میباشد و از همین روست که ما در این مورد شدیداً احساس مسئولیت میکنیم.

در شرایطی که مبارزه علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و عوام‌لش، وحدت نیروهای خلق را میطلبد، در شرایطی که ناآگاهی‌توده‌ها این میراث شوم سالهای سیاه اختناق گسترش و تقویت کانونهای دانش و آگاهی انقلابی منجمد دانشگاه‌ها را ایجاد میکنند و بالاخره در شرایطی که لزوم تغییرات بنیادی در نظام آموزشی کشور از طریق قطع وابستگی‌ها بیش از هر زمان دیگری احساس میگردد، هجوم به دانشگاه‌ها را نمیتوان با هیچ عذری بهانه‌ای از رنگ و بوی خدمتگزاری به منافع امپریالیسم میرا ساخت.

نتیجه مستقیم و قابل مشاهده چنین "انقلاب فرهنگی" جز تشدید اختلافات عقیدتی نیروهای خلق جز انحراف مبارزات ضد امپریالیستی مردم از مسیر درست خود، جز رو در رو قرار دادن مردم در برابر یکدیگر و جز تشدید جود دمکراتیک و مخالفت با نیروهای مترقی، چیز دیگری نیست و چنین نتایجی مسلماً در خدمت منافع توده‌های خلق قرار ندارد.

انقلاب فرهنگی با قطع وابستگی‌ها در زمینه‌های مختلف، با تشکیل شوراهای برای مشارکت فعال مردم در امور مربوط به خود، با گسترش و تضمین آزادی‌های دمکراتیک و با محو فرهنگ استعماری امکان پذیر است و بنا بر این چگونه میتوان حملات وحشیانه به دانشگاه‌ها را با سنگ و چوب و جاقو - کلوله، انقلاب فرهنگی نام نهاد؟ آیا این منحرف کردن اذهان توده‌ها از انقلاب فرهنگی واقعی و - خدمت به منافع امپریالیسم آمریکا با نام انقلاب

فرهنگی نیست؟

در همان زمان که حمله به دانشگاه‌ها را تدارک می‌بینند، در همان زمان که گوشه‌ای زمین‌میان - کردستان قهرمان را به خون میکشند، بسیاری از - شهرها و روستاها را با آتشخیماره و راکت با خاک یکسان میکنند و هزاران تن از مردم آن را مقتول و - مجروح میسازند، در همان زمان که یورش به چاپخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و اجتماعات را برنامهریزی میکنند، آمریکای تجا و زکا در قلب میهنمان نیرو پیاده میکند و مقامات مسئولاً هر آن اظهار بی‌اطلاعی میکنند و در مقابل سئوالاتی که بدرستی برای مردم ما مطرح میشود، هر سکوت بر لب میزنند آیا همه این پلشانه‌ها این نیست که در تمام این نه‌ج‌ها دست‌سرسپردگان جنایتکار آمریکا در کار است و آیا چنین برنامه‌هایی در جهت حفظ منافع این جهانخواه عمل نمیکند؟

گسترش مبارزات ضد امپریالیستی در میهنمان ایجاب میکند که شور و شوق انقلابی توده‌ها در مسیر درست علیه امپریالیسم اعتلا یابد، از توان - مبارزاتی همه نیروهای خلق صرف‌نظر از مسائل - عقیدتی و گرایشات مختلف برای مقابله با این غول جهانخواه استفاده شود، آزادی‌های دمکراتیک تا مین گردد تا در بر تو آن آگاهی و شناخت توده‌ها ارتقاء یابد، شرکت فعال توده‌های زحمتکش در - این مبارزه و در اداره امور از طریق شوراهای - واقعی تحقق یابد، از طریق قطع وابستگی‌ها و - مبارزه با فرهنگ استعماری زمینه انجام انقلاب فرهنگی فراهم گردد. پیروزی انقلابات رها نشی بخش جزا این طریق امکان‌پذیر نیست و این را -

تجربیات انقلابی خلق‌های تحت‌ستم جهان را انقلاب‌های پیروزمندگوبیا، ویتنام و به درس نشان داده است.

اکنون کسانی که در میهن ما به دلائل و - صورت‌های مختلف می‌کوشند مبارزات دمکراتیک و - امپریالیستی مردم مبارز ما را علیرغم تجربیات تاریخی به انحراف و خاموشی بکشانند، بدون تردیدی، یا مستقیماً سرسپرد امپریالیسم اند. یا عملکردهایشان در خدمت منافع آنان قرار دارد. از همین رو اینک که تلاش در ایجاد انحراف در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها به بهانه‌ها و پوش‌های مختلف تشدید میگردد، اینک که آزادی‌های - دمکراتیک در اساسی ترین شکل خود، آزادی بیان عقیده، قلم، اجتماعات به شدیدترین وجهی در حمله قرار گرفته است اینک که جعل و تحریف اخبار و وقایع و سانسور بر رادیو تلویزیون و - مطبوعات رسمی کشور حاکم است اینک که روزنامه‌ها و نیروهای مترقی با فشارهای روزافزون مواجه‌اند، اینک که کشتار هم میهنان کرد ما و - خبرنگارداشتن مردم از آن هر روز با عداوت وسیع‌تر بخود میگیرد، ما معلمان به عنوان کسانی که - بخشی از بار سنگین آگاهگری توده‌ها را بر شانه‌های خویش احساس میکنیم، وظیفه خود میدانیم که با همه توان خویش در ارتقاء سطح آگاهی همکاران - دانش‌آموزان و مردم زحمتکش میهنمان بکوشیم و واقعیت‌ها را بازگو کنیم و توطئه‌های امپریالیسم و برنامه‌هایی را که در جهت منافع امپریالیسم عمل میکنند، افشاء نمائیم.

چرا روز معلم برگزار نشد؟

موظنان :

معلمان آگاه و متعهد سالها در زیروغ دستگاه های فشار و اختناق محمدرضا شاهي بهر شکل مبارزه ميکرده اند آنها در مبارزه حق طلبانه خلقهای ميهنمان عليه رژيم جنابيتکاريپهلوي پايبای توده ها حرکت کرده و مسئوليتی را که تاريخ معده آنان گذارده بود در خود به انجام رساندند تا بتوانند در محيطهای آزاد و دمکراتيک و دور از هر نوع دغدغه و تفتيش عقايد، رسالت انقلابی خود را که خدمت به فرزندان زحمتکشان ميهنمان - ميباشند به انجام رسانند، ولی امروز شا هديم، - گمانیکه از آگاهي توده ها هراس دارند، و حفظ منافع خود را در گرو نا آگاهي مردم زحمتکش چگونه به تکاپو افتاده اند و جلوه هرگونه آزادی و آزاد اندیشي را سد مينمايند.

هنگاران گرامی:

ما بعد از قيام با زحمت زياد نتوانستيم هفتای دو ساعت از باشگاه معلمين که با دسترنج خود - آنان ساخته شده برای جلسات مجمع عمومی استفاده کنيم و سال گذشته روز معلم را در همين باشگاه برگزار کرديم تا اينکه در مرداد ۵۸ و با يورش به دستاوردهای خونين قيام و حمله به ستادها و دفاتر نهروهای مترقی و کتابفروشيها، از برگزار ي جلسات مانيز در اين باشگاه جلوگیری بعمل آمد و بهمين جهت تا مدت ها نتوانستيم جلسه مجمع عمومی داشته باشيم، بعد از تيماس با شورا های دانشجویی هردو - هفته يکبار مجمع عمومی کانون را در باشگاهها برگزار کرديم ولی با يورش اخير به دانشگاهها اين کوچکترين امکان برقراری ارتباط با معلمين را نيز از دست داديم.

طی ۱۵ ماهی که از قيام پرشکوه خلقهای تهران ايران ميگذرديده اشکال مختلف با فشارها با تشويقاتی که در حق معلمان اعمال شده روبرو بوده ايم که در هر فرصتی سعی نموده ايم آنها را با

فرهنگيان و مردم زحمتکش ميهنمان در ميان نگذاريم آخرين موردی که با آن روبرو بوده ايم ندادن جا برای برگزاری مراسم ۱۲ اردیبهشت روز معلم " بود. ما به اين منظور از زمان تربيت بدنی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت آموزش - عالی و وزارت فرهنگ و هنر و دانشکده تربيت - معلم تقاضای جا کرده بوديم.

با يورشی که به دانشگاهها شده بود عملاً با شورا های دانشجویی نتوانستيم تماس بگيريم و مسئولين دانشکده ها هم بدون اينکه جواب صریخی بدهند از دادن جا طفره رفتند. ما از دانشکده تربيت معلم حتی تقاضای يک فضای باز هم کرده بوديم که مسئولين حتی با اين فضا هم موافقت نکردند.

ما جلوگیری از اساسی ترين حقوق دمکراتيک معلمان و دانش آموزان را بی ارتباط با حمله به دانشگاهها نميدانيم و می پرسيم چه کسانی از ياد آوری روز معلم و اهمه دارند؟ روزی که در آن - معلمين با تظاهرات پرشکوه خود رژيم سراپا وابسته پهلوي را در مقابل خواستهای خود به عقب نشيني واداشتند، روزی که معلمين تشکل و يکپارچگی خود را بنمايش گذاردند. روزی که اعتراضات حق طلبانه معلمين به خون کشيده شد. ما ميپرسيم چه کسانی از دادن کوچکترين امکانات بخاطر رشد آگاهيهای دمکراتيک معلمين وحشت دارند؟ چه کسانی از ترويج فرهنگ انقلابی می هراسند؟ چه کسانی سعی در به انحراف کشاندن اذهان توده ها دارند و با تمام توان خود سعی ميکنند دستاوردهای خونين قيام توده ها را از بين برده و بایگاه امپرياليسم را هر چه بيشتر تحکيم بخشند.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۱۷

زادروز مصدق

به مبارزان میهن گرامی باد



دوشنبه ۲۹ اردیبهشت مصدق با تودوهشتمین زادروز دکتر مصدق رهبر ملی و آزادیخواه ایران است. خاطره این مرد بزرگ که در طول حیات سیاسی اش با استعمار و استبدادیه مبارزه برخاسته برای مردم میهنمان و خلقهای تحت ستم جهان، همیشه زنده و گرامی است.

مصدق در دوران نمایندگی در مجلس های پنجم و ششم، چهاردهم و شانزدهم علیه دیکتاتوری و سلطه شوم امپریالیسم انگلیس دست به مبارزه زد و با قراردادهای ننگین استعماری به مخالفت برخاست و از همین رو سالهای زیادی از زندگیش را در دوران رژیم مزدور پهلوی در زندان و تبعید گذراند.

در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ لایحه ملی شدن صنعت نفت را به تصویب رساند و در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ شرکت غاصب انگلیس خلع ید کرد.

پیروزی هائی که در سالهای ۳۲-۳۹ در زمینه مبارزه با امپریالیسم جهانخوا را انگلیس نصیب ملت قهرمان ایران شد، شمره تلاش و شرکت فعال توده های بپاخاسته و زحمتکش خلقهای میهنمان علیه نظام وابسته و جنایتکار پهلوی بود.

گسترش و اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم مبارز ایران که مصدق در آن نقش بسزائی داشت از یکسو موجب تضعیف امپریالیسم فرسوده انگلیس را فراهم ساخت و از سویی دیگر امپریالیسم جهانخوا را در آمریکا را برای کسب قدرت در این منطقه مهم و حساس به چاره جویی واداشت و کودتای ننگین ۲۸ مرداد را در ایران با کمک ایادی خود پراهن داد و شاه مزدور را به عنوان اهرم اعمال سیاست

های غارتگرانه خویش به قدرت رساند و سرکوب شدید مبارزات خلق برخاست. اما مردم قهرمان ایران نشان دادند که کوب و کشتار نمیتواند آنان را از آزاد مراهی که به صبح روشن آزادی منتهی میشود، بازدارد. بدون شک امروز هم تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم زخم خورده آمریکا و عواملش قادر نخواهد بود مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را خاموش سازد و یا به انحراف کشاند و سرانجام پیروزی آنان خلقها و نایبوی سرنوشت محتوم امپریالیسم جهانخوا را است.

امسال سالگرد تولد مصدق با زادروز بزرگ و مصدق است که در بخش دیگری از آسای تحت ستم بارهبری مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان خود حماسه ای از مقاومت و مبارزه آفرید و با شکست قطعی امپریالیسم آمریکا در سرزمین خویش درین دناله منتهی

چرا و چگونه "۱۲ اردیبهشت" روز معلم شد؟

ورژیم وابسته شدت گرفته بود در سال ۴۰ گسترده تر شده و بدنبال مبارزات سال گذشته که منجر به شهادت تعدادی از دانشجویان و مجروح شدن بسیاری دیگر شده بود، با اعتراض به تقلب در انتخابات دوره بیستم مجلس و خواست برکناری دولت ابعادی تازه یافته بود. دامنه این اعتصابات به دانشجویان خارج از کشور نیز کشیده شده و در داخل کشور دانش آموزان رانیز به صفوف مبارزه کشید. جنبش اعتصابی، کارمندان و بخصوص معلمان را نیز که از اسالهای اخیر با مشکلات و سختی های بسیاری مواجه بودند دربر گرفته بود.

معلمان که در محیط فرهنگی با مسائلی چون استخدام افرادی که هیچگونه تجانی با کار آموزشی نداشتند، یا اختیارات بیش از حد روسا اما می در تمامی این موارد بخصوص امور اقتصادی زیر فشار شدیدی واقع شده بودند تنها توانست منجر به تصویب طرح ترمیم حقوق معلمان در دهه ۱۲ اردیبهشت شود. اما این لایحه ترمیمی نیز در مقایسه با احتیاجات و سطح بالای مخارج زندگی تأثیری در وضع معلمان نداشت. در پی این اقدام در واقع بی اثر دولت سرانجام معلمان تصمیم به اعتصاب عمومی و تعطیل کلاسها گرفتند. از صبح روز ۱۲ اردیبهشت طبق تصمیم قبلی دسته های معلمان بسوی ساختمان وزارت فرهنگ در میدان بهارستان حرکت و در جلوی مجلس اجتماع نموده و در این اجتماع چندین هزار نفری متشکل از معلمان و دانش آموزان و دانشجویان طی سخنرانی های خواسته های خود را بخصوص درباره ترمیم حقوق عنوان میکنند. در محالی که این تظاهرات به اوج خود رسیده بود، ما مورس انتظامی که از قبل آماده بودند وارد میدان شده و بهانه خراج

بدنبال کودتای تنگین ۲۸ مرداد سال ۳۲ که منجر به غلبه امیرالایسم آمریکا بر انگلیس، در ایران شد، ورژیم دست نشانده با افزایش هزینه های نظامی، پلیسی و ساواک - نفوذ سرمایه های خارجی و کشور را دچار بحران شدید اقتصادی نموده و گرسنگی و فقر، عدم بهداشت و بیکاری - ناشی از این مناسبات استثمارگرانه را به زحمتکشان این سرزمین تحمیل نمود. شدت این بحران بخصوص در سالهای ۳۹ تا ۴۲ به اوج خود رسیده و با فشار روز افزون بردوش زحمتکشان منطقه های مبارزه را در گوشه و کنار می پروراند.

جنبش اعتصابی کارگران و زحمتکشان و مبارزات دهقانان و دانشجویان بخصوص در سال ۴۰ ورژیم وابسته را در تنگنائی قرار داده بود که برای خود از آن فقط توانست به تعویض کابینه ها و جابجائی مهره ها دست زند.

اعتصاب طبقه کارگر، با طرح خواسته های اقتصادی و سیاسی چون، اعتراض به اخراج کارگران - اضافه دستمزد - کاهش ساعات روز کار - اعتراض به بازداشت دانشجویان و ... بخش عمده ای از مبارزات را تشکیل میداد.

بعلاوه جنبش دهقانان نیز که از ظلم و تعدی اربابان و مناسبات قرون وسطائی بستوه آمده بودند، در روستاها با حمله به اربابان و گاه کشتن آنان و ویران کردن خانه ها و املاکشان روبه اوج بود. دامنه این اعتراضات تا به حدی بود که رژیم برای مقابله و سرکوب آنان در بسیاری نقاط به قوای نظامی و ژاندارمری متوسل شد.

گوشه دیگری از این مبارزات را جنبش های دانشجویی و معلمان و کارمندان تشکیل میداد. - مبارزات دانشجویی که از سال ۳۹ بر علیه امیرالایسم

کردن عوامل اخلاک‌گر!! که به معلمین پیوسته اند و با پرتاب سنگ به ما مورین قضا یجاد بی نظمی را داشته‌اند!! به اجتماع معلمان حمله کرده و شروع به تیراندازی میکنند. در اثر این درگیری ابوالحسن خانعلی دبیر مبارز دبیرستان شرف‌تهران که به دنبال سخنرانی‌ای مورد تشویق بسیار واقع شده بود، بضرب گلوله سرگشود. شهرستانی مزدور بشهادت رسیده و چند دانش‌آموز مجروح میشوند. با آنکه برای تمامی مردم روشن بود که دولت شریف‌امامی از قبل آماده مقابله و بکار بردن شدت عمل در مقابل معلمین بود، اما شریف‌امامی در مصاحبه‌ای و در توجیه حمله مأمورین ادعا میکند که: "ایجاد تحریکات در میان معلمین شده و اعلامیه‌های مضره برای تعطیل مدارس پخش میشده است"!!؟

بدنبال ترور ناجوانمردانه این معلم مبارز و وجود ناراضی عمومی تقریباً مدارس تمام شهر ستانها بعنوان اعتراض به این عمل فدمردمی به صورت تعطیل درمی‌آید. مقامات انتظامی در مقابل اعتراضات مردم به این عمل تنها به توجیه جنایت خود پرداخته و عوامل اخلاک‌گر!! را که به صفوف معلمین پیوسته‌اند! و آنان را تحریک کرده‌اند! مقصر اعلام میکنند.

واقع میدان بهارستان بسرعت در خارج از کشور نیز منعکس میشود. تشییع جنازه معلم شهید در روز ۱۳ اردیبهشت با شرکت عده کثیری از معلمین، دانش‌آموزان، دانشجویان و دیگر اقشار و طبقات برگزار میشود. تشییع کنندگان در حالیکه جنازه را بروی دستها حمل میکردند بطرف بهارستان که موجبات تبعیض‌های بسیار بود، روبرو بودند و از طرف دیگر فقدان سیستم صحیح آموزشی و مضمون عقب افتاده کتابهای درسی را بخوبی احساس میکردند و گذشته از اینها با مشکلات مالی بسیاری روبرو بوده و حقوق ناچیزی دریافت میکردند، - چنان از کار در این محیط مایوس و دلزده میشدند که ادامه کار در فرهنگ برایشان غیرممکن شده و در نتیجه بسیاری دست به استعفاء میزدند. شدت این استعفاءها بقدری بود که دولت -

مجبور شد برای مقابله و جلوگیری از آن قانونی از مجلس بگذراند.

با توجه به مشکلاتی که در فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش فعلی) وجود داشت، از قبیل کمبود امکانات آموزشی و ازدیاد شاگردان، استعفاءهای بی‌پایان معلمین هم بشدت و عمق این مشکلات و نتایج آن بحران آموزشی حاکم بر محیط فرهنگ می‌افزود. رژیم وابسته که بهیچ روش نمیتوانست از عهده این خواسته‌های بحق آنان نیز همچون سایر اقشار طبقات محروم جامعه برآید فقط به دادن وعید و وعید میپرداخت.

شورای عالی فرهنگ که به ظاهر کاربشنبها و انجام پروژه‌های صحیح آموزشی را بعهده داشت در ظرف یکسال چندین بار آراء و نظرات خود را ارائه کرده و عملاً هیچ نتیجه‌ای بدست نداده بود. بر اختلافات و شدت آن وزیر فرهنگ را بر آن داشت که تغییر برنامه مدارس ابتدائی و متوسطه را وعده داده و از معلمین متخصص دعوت کند که نظرات آنها را خود را ظرف یکماه به او بدهند و همچنین وعده‌ها را در مورد مسکن و بیمه و کتابهای درسی.

سرانجام وزارت فرهنگ با دست بکار شدن بر تغییر برنامه آموزشی که بعد از سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ بعنوان سومین تغییر اساسی مطرح شده بود، بدلیل ضعف در تدوین و اجرای آن عملاً با شکست مواجه شد. با شدت و وخامت اوضاع عمومی و وضع فرهنگ در ۱۸ فروردین ۴۰ هیئتی از ظرف سازمان مرکزی معلمین (جامعه معلمان) (۱) با قطعنامه‌ای بسلامت شاه رفته و خواهان اجرای مواد آن میشوند. (۲) طرح مسائل حقوقی و صنفی معلمان در کمیته‌های مسائلی چون بیکاری - زور و فشار به مطبوعات - نفوذ و عواید سرشار آن - فقر - تحدید حاکمیت اقتصادی - خرجهای زائد در شرکت نفت - اجساد و خرید ساختمانها و موسسات - شکایت زارعین مورد عدم کمک و اجاف و تعدی ماموران - تبعیضات و ترس - بهداشت در روستاها - تعلیمات اجباری - حقوق کارمندان و قضات و درمورد برای تصویب لایحه بودجه در حالیکه دولت تریس به حرکت درمی‌آیند. در این راه پیمانی که بر

به جمعیت آن افزوده میشد، خواسته‌های صنفی معلمان بشدت رنگ سیاسی بخود گرفت. * پس از اجرای این مراسم، معلمین بخشم آمده همچنان اعتصاب را ادامه میدهند. ابعا دوسبع این اعتراضات و فشارتوده‌های مردم که از هر جهت با مشکلات و مسائل گوناگون درگیر بودند، - رژیم به وحشت افتاده را بر آن میدارده که با توسل به نمایندگان ساخته خود در مجلس و نیز برای واقعی نشان دادن این نمایندگان با ترتیب دادن نمایشی، دولت را مورد سؤال قرار دهند. اما با توجه به مسائل بیشمار و وسعت بحران که حل آن بدست رژیم وابسته ناممکن بود، سر انجام دولت دستنشانده در مورد کلیه موارد - خصوصاً عدم توجه به حقوق معلمین، قتل یک معلم و بدرفتاری با فرهنگیان مورد استیضاح قرار می گیرد.

در چهاردهم اردیبهشت اعتصاب معلمین وارد سومین روز خود میشود. مدارس تعطیل شده و محصلین و دانشجویان صفوف مبارزات خویش را با صف مبارزه معلمان پیوند داده اند. سقوط کابینه امری حتمی بنظر میرسد. در این هنگام عناصری موقع طلب که بشدت از تبدیل مبارزات صنفی معلمان به مبارزه سیاسی بوخت افتاده و از عاقبت کار دچار هراس شده اند، در صدد منحرف نمودن مبارزه برآمده و - سعی به آرام کردن اوضاع مینمایند. در اجتماع از معلمان در باشگاه مهرگان درخشش در یک نطق بکساعت ونیمه سعی مینماید خواهستهای معلمین را مدرد صنفی اعلام کند. او میگوید: "آقایان، - اجتماعات و تظاهرات ما جنبه صنفی دارد. معلمین برای رسیدن به یک حق قانونی به دور هم گرد آمده اند و تا وصول نتیجه نهائی از پا نخواهند نشست. اما متأسفانه عده‌ای از افراد غیر معلم میکوشند تا به این تظاهرات رنگ سیاسی بدهند و آنرا از مسیر اصلی خود منحرف سازند. معلمین نباید بگذارند چنین افرادی از وجود آنان بنفع خود استفاده سیاسی بکنند. کوشش کنید این قبیل افراد را از صفوف خود خارج کنید. معلمان میگویند شعار ما سکوت است. کسانی که شعار میدهند مال ما نیستند." (نقل از

اطلاعات چهاردهم اردیبهشت سال ۱۳۴۰) در همین شماره روزنامه میخوانیم که "درخشش شخصا کسی را که اعلامیه پخش میکرد، از صف بیرون میکند" در پی ادامه اعتصاب نمایندگان معلمان که در باشگاه معلمان انتخاب شده بودند به مجلس - رفته، با سکوت کامل و بعنوان اعتراض چهار زانو بروی زمین می نشینند، در قطعه‌ای که این نمایندگان با خود به مجلس برده بودند و لیکن ماده‌ها استعفای فوری دولت و موارد بعد مربوط به مسائل صنفی میشد. در این جلسه مجلس که سعی نمایندگان و بخصوص رئیس مجلس در حل مسأله امتیاز قضیه بود، قول تا مین خواسته‌های معلمین در ظرف سه روز داده میشود.

روز شانزدهم اردیبهشت با تمام کوشش‌هایی که از طرف دولت صورت میگردد. شریف‌امامی در پی استیضاح مجبور به استعفاء شده و دولت اواسط میشود و به دنبال این استعفاء علی‌امینی (۳) این نوکروفا دارا امپریا لیسیم آمریکا برای نجات حکومت از بحران اجتماعی ما مور تشکیل کابینه جدید میشود. پس از استعفای شریف‌امامی معلمان قطعنامه خود را که مورد اول آن تحقق یافته در ۵ ماده تسلیم رئیس مجلس میکنند. در همین روز - (شانزدهم اردیبهشت) اجتماع از معلمان در - باشگاه مهرگان تشکیل شده و اعتصاب را در صدر برنامها قرار میدهد. در این جلسه اعتصاب مدارس غیردولتی و اکابر نیز اعلام میشود. در شهرستانها عده‌ای معلمین دستگیر میشوند. مجالس ترحیم پی در پی ترتیب داده میشود در تظاهرات دانش جویان به پشتیبانی از معلمین چند دانشجو توقیف میشوند. دانشکده‌های فنی و علوم تهران و دانش سرا یعالی معلمان تهران تعطیل شده و دانشجویان به اعتصاب می پیوندند. در آبادان دانشجویان دانشکده فنی با نوار مشکی بر سینه در محوطه دانشکده اجتماع میکنند. هیئت مدیره سندیکاهای کارگران تهران به طرفداری از اعتصاب معلمان اعلامیه صادر میکنند. دامنه تظاهرات به دانش جویان مقیم خارج نیز کشیده شده و در تهران در - اجتماع از معلمان بموجب قطعنامه‌ای روز ۱۲

است و هرگاه لازم به کار جمع بود با اعتصاب -
میکنیم .

ماده سوم که اهمیت دادن به معلم بودک
آقای امینی در جمع ما حضور یافتند و اظهارات
ایشان مسئله را حل کرد .

ماده ۴ در مورد اشل حقوق، کمی اصلاح کردیم
و تفاوت زیاد بین دبیر و معلم را برداشته و با
دولت دادیم که تصویب شد .

و سپس از دولت سپاسگزاری میکند .
بدنبال شکست شدن اعتصاب درخشش وزیر
فرهنگ میشود . تصفیه و اصلاحاتی صورت گرفته و با
تدریج مبارزات افول میکند .

• • •

در جمع بندی کلی ای از این مبارزه میتوان
گفت این مبارزات اگرچه از خاصیت جمع و تشکیلات
بایره بود، اما بدلیل خیانت و سرسپردگی عناصر
سازشکار و فرصت طلبی که در راستای آن قرار گرفت
بودند و در مرحله ای که مبارزه میتواند جهت
صحیح بخود گیرد آنرا از مسیر اصلی منحرف کرده و در
خدمت اربابان خود قرار دادند، به شکست انجامید

اردیبهشت بعنوان روز معلم نامیده میشود . در
این اثنا امینی نخست وزیر آمریکائی دائما در
صد ختم قائله است . از طرفی در گوشه و کنار -
شایعه انتصاب درخشش به پست وزارت بگوش میرسد
یکهفته پس از ترور خا نعلی، امینی به باشگاه -
مهرگان رفته و در سخنرانی طولانی ای با اشاره به
موقعیت حساس !!! و وضع متشنج سرحدات !؟ -
خواستار شکستن اعتصاب میشود . و همزمان، پس از
جلسه ای، هیئت دولت جدید اعلام میکنند که برای
کسری حقوق معلمان تصمیماتی گرفته شده است .
درخشش و طرفیانش با کوشش بسیار سعی به خاتمه
اعتصاب دارند . سرانجام در ۲۲ اردیبهشت در -
اجتماع کثیری از معلمان در باشگاه مهرگان پس
از مدتها بحث و گفتگو با وجود مخالفت های بسیار
با شکستن اعتصاب تصمیم نهائی برای اکثریت
به پایان اعتصاب گرفته میشود . در همین اجتماع
درخشش در مورد رسیدگی به قطعنامه ۵ ماده ای -
چنین اعلام میکند: " ماده اول ماکه استعفای
دولت بود انجام شد .

ماده دوم، دولت دستور تعقیب قاتل را داده

(۱) سازمان مرکزی معلمان عمده ترین تشکیلات آن
سایها بود که به دلیل عدم وجود تشکل های انقلابی
توانست رهبری جنبش معلمان را در دست گیرد . این
سازمان بدلیل ماهیت رهبری سازشکار و وابسته خود
(درخشش) نتوانست جنبش را در مسیر اصلی خود
هدایت کند .

(۲) معلمان در این قطعنامه خواستار اجرای قوانین
رفاهی مصوبه از سال ۲۲ - رفع تبعیضات - افزایش
حقوق برای کلیه آموزگاران رسمی و پیمانی -
تصویب مجدد و اجرای ماده ۱۲ قانون تعلیمات
اخباری - اصلاح وضع بیمه - ایجاد شرکت تعاونی و ...
بودند .

(۳) علی امینی بدنبال کودتای ۲۸ مرداد وزیر
دارائی حکومت کودتا میشود . او همان کسی است که
در سال ۳۳ قرارداد واگذاری منابع نفت ایران را
کنسرسيوم بين المللی نفت امضاء کرده و در سال
۳۷ تا ۳۸ سفیر ایران در آمریکا بود . او که مستقیم
از طرف دولت آمریکا تأیید شده بود در همان سال بر
کار آمدن مبلغ سه میلیون دلار از دولت آمریکا
دریافت کرد و پس از آن به فاصله کوتاهی تقاضای
چند صد میلیون دلار و ام دیگر از این دولت کرد .
همچنین دولت وی بود که رفتم ارضی را که طراح
اصلی آن امپریالیزم آمریکا بود برای نجات رژیم
وابسته از بحران در سال ۴۱ به تصویب رسانید .

پیام کانون مستقل معلمان تهران بمناسبت: اول ماه مه

ساخته اند. فریادهای حق طلبانه زحمتکشان و خلق های ستمدیده جهان لحظه ای خاموشی نداشته است اما علیرغم مبارزات شورانگیز و حماسه آفرین ملل تحت ستم و کارگران کشورهای سرمایه داری بر علیه امپریالیستها و عواملشان، هنوز سلطه این غارتگران بر بسیاری از نقاط جهان باقی است. هنوز هم جنگ افروزان جهانی در پی کسب قدرت و مناطق نفوذ به رقابت مشغولند، هنوز هم خلقهای آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین تحت ستم و استعمار قرار دارند. امروز ما در شرایطی این روزگار میگردیم که رژیم با سایر زحمتکشان جهان جشن میگیریم که رژیم پوسیده شاهنشاهی را پشت سر گذاشته ایم، اما هنوز هم سلطه امپریالیسم بر میهنان از میان نرفته است، و وابندهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی بیشماری به امپریالیسم وابسته ایم.

امروز پس از گذشت بیش از یکسال از قیام خونین بهمن کارگران با مشکلات بیشمار رگانی، نداشتن مسکن، فرهنگ و بهداشت روبرو هستند، کودکان خرد سالی که اکثرا فرزندان زحمتکشان جا معاند، به علت فقر خانوادگی و کفاف نبودن مزد پدر مجبورند بجای رفتن به مدرسه در کارگاههای تنگ و تاریک بکار بپردازند.

کارگران و زحمتکشان خواهان برجیدن این روابط ظالمانه اند، آنان خواهان ایجاد جامعه ای هستند که در آن نابرابری های اقتصادی، فرهنگی دیگر وجود نداشته باشد و فرزندان آنان با اطمینان از تامین اقتصادی خانواده با فکر آسوده به تحصیل بپردازند.

با ردیگر همراه با سایر زحمتکشان، بیاسخ و نپاک جانبا زانی که در طی این مدت تاریخ مبارزات

دنیا له صفحه ۱۱

یازدهم اردیبهشت هر سال مصداق است با اول ماه مه، روز همبستگی و اتحاد یکپارچه کارگران سراسر جهان. این روز یادآور خاطره خونین مبارزات برشکوه کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ میلادی است. در چنین روزی بیش از ۴۰۰ هزار تن از کارگران در بزرگترین اعتصابات یکپارچه تا آن زمان علیه نظام ظلم و ستم سرمایه داری شرکت کردند. این تظاهرات توسط عوامل و یادی سرمایه داران به خون کشیده شد و رهبران اعتصابات را دستگیر کرده و در دادگاه های فرمایشی به اعدام محکوم کردند. بایاداری آنان و مقاومت حماسه آفرینشان در پای جوبه دار نشانه شکست ناپذیری ایدئال آنان و امیدشان به پیروزی آینده بود.

یکی از کارگران محکوم به اعدام در پای جوبه دار فریاد برکشید: " شما با کشتن من فقط جرقه ناچیزی را خاموش میکنید، اما قاتل نخواهید بود. آتش مبارزات را نا با وجود کشتن. آنان رهبران - اعتصاب را بیدار و یختند، اما نتوانستند به مبارزات حق طلبانه میلیونها زحمتکش در سراسر جهان پایان بخشند.

از آن پس تا کنون همه ساله، بیاد حماسه خونین اول ماه مه، کارگران سراسر جهان علیرغم مخالفت های سرمایه داران این روز را با شکوه هر چه تمامتر برگزار میکنند و با ردیگر عهد و میثاق می بندند که تارهای کامل از یوغ استعمار و استثمار به مبارزات پیگیر خود ادامه دهند.

امروز پس از گذشت ۹۳ سال از آن واقعه تاریخی زحمتکشان جهان در مبارزات خود به پیروزی های چشمگیری دست یافته اند.

خلقهای قهرمان ویتنام، چین، فلسطین، عمان و ضربات مهلکی بر پیکر امپریالیسم وارد -

بیانیه مشترک کانونهای دمکراتیک درباره

کردستان

و سرکوب و تقویت عوامل جنگ افروزدان و نفوذ و انتقالات نظامی متعدد، زمینه‌های آواراه‌گردی شده‌اند، تاکنون صدمات فراوانی به بارآورده تعداد شهدا و مجروحین جنگ سرسام‌آور است. معاصر اقتصادی و نظامی و حملات هوایی و زمینی با سلاحهای سنگین و خمپاره و راکت خلق ستمدیده‌کرد را دچار مصیبت‌های بیشمار کرده‌است. شهرهای ستمدیده و بی‌ویرانه تبدیل شده‌اند. مجروحین جنگ بخاطر عدم امکانات پزشکی و درمانی در وضعیت اسفبار و خطرناکی قرار دارند.

هم‌میهنان!

در موقعیتی که امپریالیسم آمریکا و عوامل آن، از بهانه‌های کثافت‌انگیز جنبش انقلابی خلق‌های ما لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند چرا و چگونه است که مصادرا مورکشور همه همت خود را صرف سرکوب کردستان کرده‌اند؟

در حالیکه خلق مبارز کردبهارها و بارها اعلام کرده‌است که مسئله کردستان تنها از طریق مسالمت‌آمیز، و در جهت حق تعیین سرنوشت خلق کرد در چهار چوب ایرانی مستقل قابل حل است چرا و چگونه است که مصادرا مورکشور بجای شناسایی حقوق طبیعی خلق کرد و پاسخ دادن به خواسته‌های برحق آن‌ها در جنگ و سرکوب مردم بیدفاع را بعنوان راه حل برگزیده‌اند؟

در حالیکه هواپیماهای آمریکائی، به افرامصادرا مور با یاری عوامل داخلی، تا قلب میهن ما پیشروی میکنند، و فرماندهان ارتش آشکارا - اظهار میدارند که بعزت سرگرم بودن در کردستان یک روز بعد از واقعه و از طریق خبرگزاریها، از تجاوز هواپیماها و توطئه ارتش آمریکا علیه کشورمان -

هم‌میهنان مبارز!

در روزهای اخیر کشتار و سرکوب هم‌میهنان ما شدت بیشتری گرفته است. کردستان که بی‌انگیز تجربه سالها مبارزه دمکراتیک و ضدا امپریالیستی مردم ایران است، امروز به صورت یکی از مراکز عمده افشای توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلیش علیه همه خلق‌های زحمتکش ایران درآمده است.

سرکوب خلق کرد را، هم‌زمان با سرکوب و تعطیل دانشگاه‌ها گسترش میدهند، تا از این طریق تاثیر عمیقی که این دومرکز مقاومت و آگاهی، بر رشد انقلابی مردم مادر راه مبارزه علیه امپریالیسم میگذارند قطع شود.

کردستان را سرکوب میکنند و میکوشند که مردم ایران را در بی‌خبری کامل نسبت به آن نگهدارند کردستان و ایران میشود و سیاست حاکم بر رادیو و تلویزیون و مطبوعات مانع انعکاس وقایع و حقایق است که در این منطقه از میهن ما میگذرد. جنگ خانما نسوز کردستان وسعت میابد، و پرده ابهامی که جنگ افروزان بر آن میکشند، آنرا وسیع‌تر میکند. جعل اخبار و پخش دروغ و تحریف حقایق و تحریک توده‌های بی‌خبر نگهداشته شده میهن ما علیه مبارزه به حق و مقاومت دلیرانه و خواست‌های دمکراتیک و ضدا امپریالیستی خلق کرد، جز دامن زدن به توطئه وسیعی که امپریالیسم علیه مردم ما چیده‌است حاصلی ندارد.

هم‌میهنان!

جنگ تحمیلی علیه خلق مبارز کرد، که از همان هنگام عقب‌نشینی ارتش و پاسداران در جنگ گذشته و هم‌زمان با رفت و آمدهای هیئت ویژه کردستان و تشکیل گروه‌های مزدور و باندهای محلی ارباب

مطلع شده اند، چرا و چگونه است که فرماندهان ارتش عمده نیروهای نظامی خود را تنها به کردستان گسیل میدارند؟

در حالیکه به تصدیق مصداقاً در مورد فرماندهان ارتش، کشور ما نوعاً در مرزهای کرمانشاه و ایلام - مورد تهدید و تهاجم و زحارجی قرار گرفته است چرا و چگونه است که ارتش و سایر ارگانهای نظامی، فقط حلقه محاصره کردستان را روز به روز تنگتر میکنند؟

در حالیکه در رسانه های گروهی و مطبوعات اعلام آتش بس میشود، چرا و چگونه است که فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران در ادامه جنگ اعلامیه صادر میکنند، و از فتح و پیشروی در کردستان همچون پیروزی بردشمنی بیگانه سخن میگویند؟

در حالیکه جنگ علیه خلق ستمدیده کرد را تنها "پاکسازی" منطقه از گروه های سیاسی قلمداد میکنند، چرا و چگونه است که از پیش گوشه و شمه ای از اعمال خود، و آنچه بر سر خلق کرده اند، در رسانه های گروهی و مطبوعات خویش خود را میگویند؟ هم میهنان!

توطئه سکوت و سازش و ستم و مداوم مانع از آن نمیشود که ماکان کانون های دمکراتیک امضاء کنند به این پرسشها را که با سرنوشته میهنان - دارد، در برابر مصداق مورطرح نکنیم و پاسخ نخواهیم.

ما وظیفه خود میدانیم که در راه افشای حقایق بکوشیم و همگام با نیروهای دمکراتیک و انقلابی و آگاه جامعه توطئه های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی آن را، در این مرحله حساس از جنبش انقلابی کشورمان بر ملا سازیم.

ما ضمن محکوم کردن سرکوب کردستان و تهاجم به حقوق خلق، درخواستاً رتوقف هر چه سریعتر جنگ تحمیلی، و خواهان شروع فوری مذاکرات صلح در جهت تامین خواسته های عادلانه خلق کرد و انتشار و بخش اخبار صحیح وقایع کردستان هستیم.

۱- جمعیت حقوقدانان ایران

۲- جمعیت کردهای مقیم مرکز

۳- کانون استادان مرفقی دانشگاه شیراز

۴- کانون زندانیان سیاسی ایران (فدا مهربا لیست فدا رتجاع داخلی)

۵- کانون کارکنان ترقیخواه بانگ مرکزی

۶- کانون مستقل استادان دانشگاه ملی ایران

۷- کانون مستقل دانشگاهیان دانشگاه صنعتی شریف

۸- کانون مستقل معلمان تهران

۹- کانون نویسندگان ایران

۱۰- گروهی از استادان دانشگاههای تهران

زادروز مصزق

بزرگی به خلق ها و به دشمنان شان آموخت، زادروز هوشی مین، مبارز خستگی ناپذیر و الهام بخش - مبارزات فدا مهربا لیستی خلق های تحت ستم را به نشانه پیوند استوار خلق های سراسر جهان، گرامی میداریم.

در این روزهای حساس که مبارزات فدا مهربا لیستی مردم میهن ما را خطرات فراوانی تهدید میکند با گرامی داشت یاد مصدق و همه مبارزان راه آزادی و رهایی و با درس آموزی از تجربیات، شکست ها و پیروزی های مبارزات خلقها، مبارزه فدا مهربا لیستی خود را توان بیشتری ببخشیم.

اول ماه مه

خلق ها را گلگون کرده اند، با یاد خاطره خونین میلیونها کارگری که در راه آرمان والای زحمتکشان در سراسر جهان جان باختند، عهد می بندیم که تا نابودی کامل ظلم و ستم و محو امپریالیسم لحظه ای از پای ننشینیم.

کانون مستقل معلمان، اول ماه مه روز هم بستگی جهانی کارگران را به طبقه کارگر ایران تبریک گفته و پشتیبانی خود را از مبارزات فدا امپریالیستی و طبقاتی او اعلام داشته و همراه با سایر زحمتکشان در مراسم این روز تاریخی شرکت میکند.

خجسته با درو ز اول ماه مه، روز هم بستگی

کارگران سراسر جهان

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۱۰

آغاز دومین سال انتشار

نشریه معلم

نگاهی کوتاه به محتویات ۱۲ شماره نشریه نشان میدهد که بیشترین مطالب نشریه به مسائل صنفی - سیاسی اختصاص داشته و پس از آن ترتیب مسائل سیاسی، اجتماعی و مطالب صنفی رفاهیه مورد توجه قرار گرفته است. بررسی اجمالی شرایط اجتماعی - سیاسی جامعه بطور اعم و وضعیت معلمان بطور اخص در طول یکسال بیانگر آن است که این روند طرح مسائل در نشریه معلم، چندان بی ارتباط با این شرایط نبوده چرا که در این مدت بیشترین فشار و تضییقات نسبت به معلمان در رابطه با مسائل صنفی - سیاسی (اخراج تبعید، بازنشستگی، تفتیش عقاید، سانسور، دخالتهای معلمان در امور مربوط به خود و.....) اعمال گردیده است و انعکاس این مسائل در نشریه بدرستی نشانه همگامی نشریه با خواست ها و نیاز های معلمان بوده است.

مهمترین اشکال نشریه معلم عدم برنامه ریزی صحیح و دقیق برای تهیه و تنظیم مقالات نشریه بوده است. در رابطه با این اشکال، در زمینه طرح مطالب صنفی - رفاهی نشریه کانون با کمبودهایی مواجه بوده است که در شماره های اخیر حدامکان این نارسائی جبران شده است اما در مقابل توجه به مسائل سیاسی، اجتماعی (المنه در چهارچوب یک کانون دمکراتیک) در شماره های اخیر کاهش یافته است. بعلاوه ارتباط نشریه با معلمان و درج نظرات و پیشنهادات و خواسته های آنان در نشریه کمتر صورت گرفته است. همایون نقاشی است که در راه رفع آنها باید مسئولان کام برداشت.

اشکال دیگر نشریه این است که نشریه دیرتر از تاریخ تهیه آن بدست شما میرسد. این تاخیر دنباله صفحه ۱۸

اولین شماره نشریه معلم ارگان کانون مستقل معلمان تهران در اردیبهشت سال ۵۸ توسط کمیته - نشرکانون مستقل معلمان تهران منتشر گردید و اینک پس از گذشت یکسال ۱۲ شماره نشریه را پیش روی خود داریم که حاصل تلاش مادر طول سالی - دشوار و پربار است. سالی که گاهی با سانسور - اختناق و حمله به مطبوعات و کتابسوزان ها سپری گردید و زمانی شور و شوق انقلابی توده ها، آزادی را برایمان به ارمغان آورد.

مهمترین خواست ما از انتشار نشریه این بود که حلقه ارتباطی با شادبین ما و همکارانمان و - انعکاسی از نظرات، خواست ها و نیازهایشان و نیز بتواند در ارتقاء سطح آگاهی معلمان در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، صنفی، سیاسی در چهارچوب - اهداف یک کانون دمکراتیک، نقش داشته باشد. - بخصوص در شرایطی که به علت موانع و مشکلات موجود امکان ارتباط جضوری و مستقیم با همکارانمان وجود نداشت نشریه میتواند نشانی از وجود زنده و فعال کانون باشد.

ما خود با قبول کمبودها و اشکالات نشریه بارها از همکارانمان خواستیم که با بیان نظرات و - پیشنهادات خود، ما را در شناخت و رفع این نواقص یاری رسانند تا بتوانیم با استفاده از جمع بندی نظرات آنان پشتوانه محکمی از تجربه و شناخت در پایان یکسال فعالیت انتشاراتی خود داشته باشیم اما این خواست آن چنان که مای طلبیدیم - برآورده نشد و اظهار نظرها، محدود، معدود و پراکنده بود و از این رو ما جمع بندی نظرات و پیشنهادات همکارانمان را بعد از ارائه خواهیم داد.

با این حال با سپاس از زحمات و همکاری همکارانمان و در انتظار دریافت هرچه بیشتر نظریاتشان، - مروری کوتاه بر مطالب یکسال نشریه مینمائیم.

بیانیه مشترک کانونهای دموکراتیک دربارهٔ دانشگاه‌های کشور

مردم آگاه و مبارز ایران :

حمله و هجوم تدارک دیده شده و گسترده به دانشگاه‌های سراسر کشور، بار دیگر این سنگرهای آگاهی و آزادی را، با خون فرزندان دلاور میهن رنگین کرد. دانشجویان انقلابی، که یکسال و چندماه پیش، خونشان در مصاف با رژیم وابسته به امپریالیسم، صحن دانشگاه‌ها را سرخ کرده بود، این بار به بهانه تغییر نظام آموزشی و بدست ارگانهای سرکوب و باندهای سیاه به خاک و خون کشیده شدند.

در این یورشهای وحشیانه دهها تن از بهترین فرزندان خلق قهرمان ایران، به شهادت رسیدند هزاران تن مجروح و عده بسیاری از دانشجویان استادان و کارکنان دانشگاه‌ها دستگیر شدند. - کشتار دانشجویان در زمانی صورت میگیرد که اتحاد همه مردم ایران، در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلقهای ایران، اولویت حیاتی دارد.

دانشگاه‌ها را در زمانی که کانونهای فساد میخوانند که به مرکزهای حقایق تبدیل شده‌اند و ارتباط مردم و دانشجو با ندر راه رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی روز به روز گسترده میشود. - توطئه سرکوب دانشگاه‌ها در این شرایط حساس که از یکسوی ایجا د انحراف در مبارزات غذا میریالیستی و دموکراتیک خلقهای ایران، و آشتن ذهن توده‌ها و به هدر دادن توان مبارزاتی مردم در جهات انحرافی است. و از سوی دیگر، هراس همه جانبه و عمیق سرکوبگران را از افشاگریهای دانشجویان انقلابی و رشد آگاهی مردم، نشان میدهد. جریان یورش به دانشگاه‌ها آغاز تلاش دیگری بمنظور سلب آزادیهای دموکراتیک در تمامی جامعه است. -

تلاشی که در مرداد ماه گذشته نیز بمنظور سرکوب خلق کرد، اعمال سانسور در مطبوعات، تصفیه عقیدتی در مدارس و کارخانه‌ها و در ادارات آغاز شد و نا فرجام ماند. و این بار وحشیانه تر و گسترده تر تدارک دیده است. این بار همزمان با محاصره - اقتصادی کردستان، کشتار در دانشگاه خلق کرد، با چماق و سنگ و قمه و گلوله به دانشگاهها یورش میاورند، و برگستره خون دانشجویان، جشن کتاب سوزان برپا میکنند، و تهاجم به دانشگاهها را که هدفی جز تعطیل آموزش و آگاهی و انهدام فرهنگی ندارد، انقلاب فرهنگی" مینامند. تردیدی نیست که تغییر نظام آموزشی کنونی - که در خدمت نظام اقتصادی وابسته است. یکی از هدفها و خواستهای اساسی انقلاب ایران بوده، و همواره توسط دانشجویان و دانشگاهیان و نیروهای مترقی، مصران طرح و پیگیری شده است و انجام آن از طریق شورا های واقعی نمایندگان دانشجویان، دانش آموزان معلمان، استادان و کارکنان دانشگاهها طلب - میشده است.

اما امروز کسانی زیر پوش "انقلاب فرهنگی" به دانشگاهها می تازند که در این یکسال و چند ماه پس از قیام، سرستانه مانع هر تغییر بنیایی در جامعه و فرهنگ بوده اند. و حتی از تصفیه دانشگاه ها از عناصر سرسپرده رژیم منفور سابق سرباز زده اند و برای تحقق "انقلاب فرهنگی" جز سرکوب شورا های دانشجویی، تعطیل دانشگاهها، تخریب مراکز علمی و فرهنگی و ترور افکار، و زور و چماق و سرنیزه و گلوله، راه و وسیله ای دیگر نمی شناسند. و مسئله پاک سازی را تنها بعنوان پوشش جهت تصفیه عناصر انقلابی، مطرح میکنند.

هم میهنان! سرکوب و تعطیل دانشگاهها، آغاز

دنباله صفحه ۱۸

ادبیات مقاومت

قصه هستی

نویسنده: مرتضی رضوان

چاپ اول ۱۳۵۱

۱۶۰ صفحه - ۱۲۵ ریال

"قصه هستی" داستان پوییش و بالندگی نسل نوین جامعه‌ای تحت ستم است. نسلی که می‌رود تا در فرایند کوشش و کار، به دستمایه آگاهی برسد و با اتکاء بر آن به پیکاری خونین بپردازد. پییه کاری که سرانجام در قش اراده خلق را برفراز ویرانه‌های ستم جهان‌خواران برخواهد افراخت.

"قصه هستی" قصه پیکار بی‌امان خلق‌های جهان و ایران بر علیه ستم جهان‌خواران رنگارنگ است. افسانه بیداری بخواب خفتگان سال‌های سیاه - اختناق و آغاز حرکت نوینی بسوی جهان دیگر - است. قصه خیزش تمامی پرچمداران مبارزه - خونین ضد استعماری - ضد استثمار است. آنجا که فقر و رنج و گرسنگی هست در کنارش مقاومت و مبارزه ببار می‌آید.

"آنجا" روستائی خشک از قبیل روستاهای ایران است. روستائی به بزرگی همه ایران - و به کوچکی یک زندان! دشمنان مهربانی و دانش پیکارگر دلیر روستا، "حسن" را که می‌خواست "دانش و مهربانی را در روستا جاری سازد" به بند کشیدند و سپس کوشیدند تا حمله زندگی و آقا افسانه کودکان‌های مبدل سازند که تنها می‌توانست ساعات بیکاری و تنبلی کودکان روستا را بیاکند. و مردم روستا را که همچون حسن از کار و ستم در رنج بودند به خوابی افیونی بکشد و در این میان تنها "بی‌بی مادر رنج کشیده حسن چشم منتظر به درگشاده - خانه حقیرش بدو زد و آمدن حسن را و پیروزی را - انتظار بکشد.

آنگاه "هستی" هستی روستا، دخترک کوچکی که آغاز شب که هنوز آسمان از آبی روز رنگی - دامن داشت و ستارگان تازه درخشدن را آغاز کرده بودند، دیده به قلعه محبس حسن دوخت - اندیشه فردای پرزحمتی که روستایش را انتظار میکشید تنهائی خود را گریه کرد. "و بجای آنکه بخوابد به روستا اندیشید و به مردمی که کمتر می‌اندیشیدند و به گرسنگی که هر روز بیشتر میشد حسن که در بند بود. او "شبهای سنگینی را می‌گذراند تا به شکوه با مداد دست یابد".

هستی از لایلای زندگی پر رنج روستایش با حس دردناک اسارت دست می‌یابد و با کوشش کودکان اش به ادراک میرسد، آنگاه دست به مبارزه می‌زند آغاز کار، کوشش برای نوازش مادر رنج‌دیده حسن است و کوشش برای شکستن تنهائی اش. هستی به خانه "بی‌بی" می‌رود. از نان خشک سفره اش سهم را می‌دهد. غبار از خانه اش می‌زداید و آب زلال چشمش را می‌آورد. هستی میدانده یک دست تنهائی و تنهائی نمی‌تواند با سیاهی و سکوت روستا بجنگد. او میدانده "بچه‌های روستا بدون هیچ گونه تلاشی روزها را چون خرمنهای کوبیده به باد میدهند" هستی میدانده "اگر مردم روستا بخواهند می‌توانند آبی را از سیاهی لجن نجات دهند. باز میدانند اگر مردم بخواهند می‌توانند غم از دل آسمان بزدایند و کودکان می‌توانند از بنحوقه‌های که نوره خانه‌ی آنان هدیه خواهد آورد - برای عروسکانشان دیده بسازند. قلب بسازند و از بوی های نور، گل سینه‌ای هفت رنگ به سینه مادران خویش ببازند".

آری او به نیروی مردم ایمان دارد و میدانده که تنها آنانند که می‌توانند روستا را از ستم

"مردنا مهربان روستا" نجات بخشند. اما به شرطی که بدانند مردنا مهربان روستا کیست؟ - من کیست؟ چه کسی حسن را در قلعه محبوس ساخته؟ و چه کسی ویرانی روستا را سبب گشته است؟ چرا اینهمه کار می کنند و اینهمه در رنجند؟ چرا زمستانشان سردخانه شان یخ بسته است؟

او درمی یابد که باید اینها را به آنان بگوید باید به کودکان بگوید که دیگر دورهم نشستن و به بازی های کودکان و بیفایده پرداختن بس است. دیگر اتل مثل خواندن و احوال گاه و حسن را پرسیدن بس است. دیگر باید احوال حسن را - برسد! دیگر باید اندیشه های مسمومی را که دشمن برای دورنگه داشتن ما از دردهای خویش - از ذهنمان جایگزین ساخته بدور ریزیم دیگر باید به داستان روستای خودمان روزه داستان حسن گوش کنیم!

و آنگاه که حرکت را آغاز میکند، آنگاه که نان خشک سفره خویش را میان همه تقسیم میکند و آنگاه که پوچیهای تحمیلی زندگی روستا را - به ریشخند میگیرد، آنها، همانهایی که "نا مهربانان روستا" به زندگی حقیرشان دلخوش ساخته اند، هستی را به ولگردی و بدنامی متهم میازند. هستی را در طویلخانه زندانی میکنند اما او در طویل نیز آرام نمی نشیند و کار میکند و میسازد. اینک دیگر هستی تنها نیست، خواهر و خواهرانش و برادرانش سرانجام به یاریش - میثابند و او را از طویل بیرون میآورند. اما هستی به نجات خویش نمی اندیشد. او به نجات روستای اندیشد. و به شور غریزی آنان که او را از طویل نجات داده اند متکی نیست. او خواهان حرکت آگاهانه مردم برای نجات و آزادی است. از آنجاست که سرانجام روزی بچه های ده، این - نسل را سالتمند روستا را به نزد خویش خوانده و - برایشان میگوید که:

چرا حسن در قلعه بستمیبرد. او همه میگوید که "حسن گاو و را که زندگیش بود برای کودکان روستا می دوشید. دست حسن برای آبادانی روستا دستها را به یاری می طلبید. حسن عصرها بر سر

حدر می نشست و برای بچه ها قصه خودشان را میگفت حسن از آگاهی در روستا سخن گفت ولی - مردنا مهربان روستا دید که اگر مردم بیندیشند و اگر مهربانی به روستا بیاید تمام قدرتش را از دست خواهد داد. و یک روز غروب نوکران پیرش را بر - سر گذر فرستاد و حسن را از مردم گرفت و به قلعه - برد.

سپس هستی و بچه ها برخاستند. هستی ترانه هایی را که آهسته در روزهای تنهایی برای خود میخواند با کمک دوستانش کامل کرد. هر یک از بچه ها بیتی - گفت و هستی آنرا بر کاغذ می نوشت و سرانجام ترانه سروده و کامل شد. اینک بچه هایی که میدانند شانه به شانه کوچه ها را، حیاط مدرسه را می پیمایند و با هم میخوانند.

بچه های ده ما، نمی دونن که غمی تو یک خونه از دهمون، ده و غمگین میکنه.

بچه های ده ما، نمی دونن که غم برادری تود دهمون، قلب و سنگین میکنه.

بچه های ده ما! این مرگه

بی خبری! بی خبری با زندگی در جنگه.

پاییز گذشت و زمستانی سرد فرارسید. یخ بر سردخانه های روستا قندیل بست و درهای کهنه چوبی باد کرد. تنه درختان یخ آجین شد. از - سرما مدرسه ها تعطیل شد، "هستی دیگر نیست". نوکران "مردنا مهربان روستا" شبی به خانه - هستی زدند و او را با خود بردند. او را نیز به قلعه بردند. او در زندان نیز به یار دیگرش حسن نوید میدهد که: "حسن، بنفشه گل کرده است، بهار نزدیک است" و بر دیوار اتاق محبس خود بنفشه تازه رسته پیام آور بهار را نقاشی میکند و برای بچه ها میخواند.

بچه های ده ما از آسمون برف میاد

وقت برف نیست

ولی برف چه انبوه و زیاد

داره هی برف میاد، داره هی برف میاد.

بچه ها بهارچه فصل خوبیه، گل میادپونه میاد،

پرستو تولونه میاد

بیاتین دست به دست برفا رو پا روکنیم

سرما روز شهرمون جا روکنیم.

زودباشید، زود

اگر دیر بشه

بنفشه ی نشونه ی فصل بهار

زیر برفای سفید

بخ میزنه کیودمیشه

هستی احساس میکند چراغی که روستائیان بر

افروخته اند شبان روستا را نور باران کرده است.

هستی در خیال خود می بیند بهاران درختان را به

پاس استواریشان غرق در گل کرده است. هستی

در خیال خود می بیند بی بی حسن را در آغوش گرفته

است. بناگاه فریاد میزند: وای که اگر دیر شود

وای. وای. حسن بردیوار میگوید. بانگ بر

میدارد: "چرا فریاد میزنی؟"

هستی میگوید: چرا کسی به یاریمان بر نمیخیزد؟

حسن میگوید: ساکت - گوش کن صدای سرود میآید.

صدای سرور بچه ها هر لحظه نزدیکتر میشود.

داستان با این جملات به پایان میرسد.

"بچه ها دیدگان خود را بکشائید، قصه ی هستی و انتظار

هستی به پایان نرسیده است. من پایانش را -

نمیدانم. شما به یاری برخیزید."

"قصه هستی" قبل از هر چیز از بار عاطفی نیرومندی

بر خوردار است و از اینروست که ادراک سیاسی موجود

در قصه را بخوبی منتقل میسازد. اما درست بهمین

علت از تعمیق و تدقیق این ادراک عاجز است. این

خصوصیت بخصوص هنگامی تجلی مییابد که رسالت

یک اثر مخصوص کودکان و نوجوانان را در نظر داشته

باشیم. و همانطور که نویسنده در مقدمه به درستی

تاکید میورزد، ناتوانی وضع ذهنی خواننده را از

تعمیم سمبلها بر موارد واقعیش درجا مع منتظر

داریم.

نکته دیگری که در هر سطر قصه به چشم میآید

استفاده از زبان ماما نوس ادبی در یک داستان

یا بار سنگین سیاسی است - هر چند همین زبان

ادبی ابعاد حسی داستان را برجسته نموده و به

انتقال احساس کمک میرساند، اما از سوی دیگر

درک هدف سیاسی را مشکل میسازد.

مسئله استفاده از سمبل همانطور که در بخش

عظیمی از مجموعه ادبیات معاصر ایران پیچیدگی

و عدم تفاهم را به ارمغان آورده است. در اثر

فوق نیز سد راه بیان ساده و صمیمانه میگردد.

استفاده از سمبلهای دور از ذهن برای گفتن یک

جمله ساده باز هم تفاهم را مشکل میسازد، اما

از سوی دیگر باید توجه داشت که این محدودیتی

است که مجموعه شرایط اجتماعی - سیاسی آنروز

بر ادبیات تحمیل مینمود. گذشته از زبان و -

بیان و سمبلها، نکته قابل انتقاد در داستان -

بیش از هر چیز قهرمان سازی و کمبهای بی نیروی -

لایزال توده ها است. و این مسئله ایست که نمیتوان

آنها را با استناد به ناآگاهی توده ها و افت جنبش -

توده ای توجیه نمود، زیرا قبل از آنکه برخاست

از عینیات اجتماعی باشد، ناشی از ذهن نویسنده

است. به بیان روشنتریک اثر انقلابی ادبی -

موظف است حتی در تاریکترین دوره های زندگی

سیاسی، امید به آینده، امید به نیروی مردم و -

امید به نجات و پیروزی را تقویت نموده و در بند

بند اجزاء و عناصرش منعکس نماید، و حقیقتاً ایجاد

حرکت و لقاء حس توانائی مهمترین پیام ادبیات

است، آنهم در زمانی که تمامی تریبونها بدست

دشمنان مردم باشد.

از آنجا که قصد ما بیش از هر چیز معرفی ادبیات

میباشد، بررسی نقادانه آنرا به صاحب نظران -

و امید داریم و با این توضیح که در سرتا سر این -

مقاله از عبارات کتاب نقل قول و یا نقل به معنی

شده و بیش از همه به این دلیل که تنها عبارات -

کتاب قادر است و در نهایت حسی آنرا به خواننده

منتقل سازد.

بیانیه مشترک دانشگاهها

جریانی است برای ازمیان بردن همه دستاوردهای دموکراتیک انقلاب ایران، و ما سازمانها، رگانههای دموکراتیک امضاء کننده این بیانیه آنرا تهاجمی علیه خود تلقی نمیکنیم. اهمیت موضوع ما را بر آن داشته است که به دنبال

اقدامات و بیانیتهای جداگانه خود، با انتشار این بیانیه مشترک با ردیگر مردم مبارز ایراندا مغایب قرار دهیم، و درباره وضع کنونی دانشگاهها اعلام خطر کنیم. و از همه نیروهای راستین انقلابی بخواهیم که با مشارکت فعال و هوشیارانه خود نوطه سرکوب دانشگاهها را با شکست روبرو سازند. ما ضمن بزرگداشت خاطره تمامی شهدای وقایع اخیر دانشگاهها، و تجلیل از مبارزات و پایداریهای دانشجویان و دانشآموزان انقلابی و محکوم کردن تهاجمات سبانه به دانشگاهها، هیئت حاکمه و صادر امور کشور را مسئول این فجایع میدانیم و اعلام میکنیم که اینان در پیشگاه مردم، باید پاسخگوی خواستهای زیر باشند:

۱- آمرین و عاملین فجایع روزهای اخیر معرفی و محاکمه شوند. ۲- دانشجویان، استادان و کارکنان دستگیر شده دانشگاهها هر چه زودتر آزاد شوند. ۳- استقرار نظام شورائی و آزادیهای سیاسی در دانشگاهها تضمین شود.

- ۱- جمعیت کردهای مقیم کرمز
- ۲- جمعیت حقوقدانان
- ۳- شورای دیپلمه‌های بیکار
- ۴- کانون مستقل معلمان تهران
- ۵- کانون نویسندگان ایران
- ۶- کانون فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس
- ۷- کانون زندانیان سیاسی
- ۸- کانون کارکنان ترقیخواه بانک مرکزی

ایران

۹- کمیته تدارک برای تشکیل شورای سراسری کارکنان دولت.

۱۰- کانون مستقل دانشگاهیان دانشگاه صنعتی شریف.

۱۱- کانون مستقل استادان دانشگاه ملی-

ایران.

۱۲- کانون استادان مرفقی دانشگاه شیراز

۱۳- گروهی از استادان دانشگاه پهلوی تکنیک

آزاد، علم و صنعت تهران.

آغاز دویس سال

ناشی از مشکلات مربوط به چاپ، مشکلات مالی کانون و کمبود امکانات کمیته نشر در زمینههای مختلف است که امیدواریم با کمک بیشتر همکاران نقص تاخیر نشریه را جبران نمائیم.

برای بهبود وضع نشریه ما نیز از همکارانمان انتظاراتی داریم که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تعداد مقالاتی که ما در این مدت از همکارانمان چه از طریق کمیته‌ها و نواحی و چه به صورت انفرادی دریافت کرده‌ایم، بسیار محدود است و رقمی در حدود ۱۰ درصد کل مقالات نشریه را شامل میشود. ما برای این امیدیم که همکاری کمیته‌ها و نواحی و همکاران در تهیه مقالات برای نشریه افزایش یابد.

مسئله دیگری که در مورد نشریه باید به آن توجه شود تنوع نظرات و خواستهای همکاران ما راجع به نشریه است. اظهار نظرهایی که تاکنون درباره نشریه از همکارانمان دریافت کرده‌ایم (هرچند بصورت پراکنده و محدود) طیفی از نظرات متفاوت و گاه متناقضی را نشان میدهد و این از یک نظر امری طبیعی است چرا که قشر معلم، طیفی همگون نیست و از طرف دیگر رعایت این نظرات - مختلف در نشریه عملاً با دشواری‌هایی مواجه میگردد. با اینحال سعی ما بر این است که تا حد امکان و با توجه به حرکت و خط مشی صحیح کانونهای دموکراتیک، نشریه را جلوه‌ای از تبلور خواستها و نیازهای واقعی همکارانمان سازیم.

با امید به یاری بیشتر همکاران

هیئت تحریریه کانون مستقل

معلمان تهران

گزارش مختصری از فعالیتهای کمیته های فرعی نشر

اخبار کلی آموزش و پرورش بوده و خبرنامه شماره دو ویژه معلمان خراجی بندرعباس و شماره ۴ ویژه مبارزات صنفی دانشجویان خواهان تمهیداتشگاه تربیت معلم، میباشد. خبرنامه های کانون شامل دو قسمت است که قسمت اول شامل اخبار مختلف آموزشی از نواحی ۱۹ گانه تهران و قسمت دوم اخبار شهرستانهاست.

ب- کمیته ترجمه و تحقیق - این کمیته کب معمولاً با هشت عضو ثابت فعالیت میکرد، وظیفه ترجمه متون فرهنگ انقلابی نظامهای متمدن جهان و تحقیق و بررسی مسائل مختلف مربوط به کشور معلم (مسائل آموزشی و صنفی - سیاسی) را بر عهده داشت. فعالیتهای این کمیته تاکنون در دو قسمت فوق الذکر، شامل مواد زیر میشود:

۱- تدوین پرسشنامه های بمنظور تحقیق در زمینه مسائل صنفی معلمان (مسکن، بیمه، مزایا و ...). که با همکاری کمیته مسائل صنفی صورت گرفت.

۲- تهیه مقاله ای در مورد سوادآموزی در کوبا که در نشریه درج شده است.

۳- تهیه مقاله های در مورد مسکن و بیمه فرهنگیان.

۴- ترجمه دو مقاله در زمینه مسائل آموزشی و فرهنگی.

۵- بررسی طرح تشکیلاتی نواحی و جمع بندی نظرات کمیته و ارجاع آن به کمیته ارتباطات.

۶- بحث در مورد علل عدم جذب معلمان به کانون و جمع بندی نظرات.

۷- بحث در مورد کانونهای دموکراتیک و جمع بندی نظرات.

۸- مراجعه به اداره کل تعاون و رفاه معلم و گرفتن اطلاعات و جزواتی در زمینه مسکن و بیمه

کمیته نشر کانون، در آبانماه ۵۸ بمنظور گسترش کار خود و باوروری بیشتر مطالب نشریه اقدام به ایجاد چند کمیته فرعی نمود. این کمیته ها که عبارتند از: خبر و گزارش، تحقیق و ترجمه، مسائل صنفی، مسائل آموزشی، مسائل دانش آموزی و فرهنگی، خلقها، توسط داوطلبینی که برای فعالیت در این کمیته ها نام نویسی کرده بودند کار خود را آغاز نمودند و مسئولیت هر کدام از آنها به ۲ نفر از اعضاء نشر سپرده شد. این کمیته ها با تجربه و امکانات ناچیز شروع بکار کردند اما بدلیل علاقه مندی و پیگیری مسئولان و شرکت کنندگان در آنها، بجز کمیته فرهنگ خلقها که بدلیل درنیمه راه متوقف شده بقیه موفق شدند بکار خود ادامه دهند و تجارب جدیدی کسب نمایند و در ارتقاء عملکرد کانون سهم خود را بجا آورند.

اکنون که کمیته های جدید طبق اساسنامه در حال شکل گیری است لازم میدانیم همه ای از فعالیت های چند ماهه این کمیته ها و حاصل کار آنها را در اینجا ذکر نماییم.

الف- کمیته خبر و گزارش - لزوم ایجاد این کمیته زمانی حس شده که کانون برای درجریان گذاشتن فرهنگیان و سایر مردم از فشارها و تضیقاتی که در مورد معلمان اعمال میگردد، وجود خبرنامه ای را ضروری تشخیص داد، اعضای ثابت این کمیته ۷ نفر بودند که به تناوب تا ۱۲ نفر میرسید. کار کمیته خبر و گزارش در درجه اول تهیه اخبار از مدارس مختلف و در درجه دوم تهیه گزارش از مناطق آموزش و پرورش، بویژه مناطق جنوب شهر بود که بخاطر نداشتن امکانات و عدم همکاری مسئولین مدارس، کمیته بجز یکی در مورد موفق به اینکار نشد. - محصول کار این کمیته از آغاز تاکنون انتشار هشت خبرنامه بوده است که شش خبرنامه مربوط به

وتعاون و

ج- کمیته مسائل صنفی - این کمیته بمنظور بررسی بیشتر در مورد مسائل صنفی - سیاسی و صنفی - رفاهی معلمان و بدست آوردن تجارب جدیدی در این زمینه جهت ارائه مقالاتی به نشریه برای رفع کمبودهای آن شکل گرفت و با پنج نفر عضو ثابت شروع بکار نمود که در طی فعالیتهای آن تعداد اعضاء ثابت به ۱۰ نفر بالغ شد. این کمیته اهم وظایف خود را در چند ماه گذشته، بررسی و ارائه مقالاتی در زمینه مسائل صنفی - رفاهی معلمان اختصاص داد چون کانون بخصوص در این مورد کم کار کرده بود و نشریه نیز از این نظر دچار نقائصی بود. فعالیتهای این کمیته در طی چند ماه گذشته عبارت است از:

۱- تهیه پرسشنامه‌های در مورد مسائل صنفی معلمان بباری کمیته ترجمه و تحقیق و تنظیم آنها که در آخرین جلسه مجمع عمومی بمنظور نمونه گیری بین معلمان شرکت کننده پخش گردید که در حال جمع آوری آن میباشد.

۲- تهیه مقاله‌ای در مورد گروه و پایه و مزایای معلمان با بررسی ضوابط آموزش و پرورش که در نشریه شماره ۱۱ درج شده است.

۳- تهیه مقاله‌های در مورد وضعیت اقتصادی معلمان در رابطه با تورم روز افزون و درباره فوق العاده شغل معلمان و ارائه طرح ادغام آنها در حقوق پایه - گروه که در نشریه شماره ۱۱ و ۱۲ درج شده است.

۴- تهیه مقاله در مورد بانک فرهنگیان و تاریخچه و عملکرد آن تاکنون.

۵- تهیه مقاله‌های در مورد شرایط زندگی و کار معلمان ابتدائی و معلمان حق التدریسی.

د- کمیته مسائل آموزشی - این کمیته که با ۱۲ نفر عضو ثابت فعالیت میکند، ابتداءً با هدف بررسی مسائل آموزشی که حوزه وسیعی را شامل میشود آغاز بکار کرد اما بدلیل کمبود امکانات و عدم تجربه و تخصص در این زمینه و نداشتن نیروی کافی، تصمیم گرفت که بررسی کتابهای درسی را بیشتر مورد تاکید قرار دهد، اگرچه این کار -

نیز خود به نیروی زیاده تخصص نیاز داشت و این کمیته فاقد آن بود. برنامهای که کمیته مسائل آموزشی در جهت انجام وظایف خود طرح ریزی کرد عبارت است از:

۱- مطالعه کتابهای در مورد آموزش و پرورش انقلابی بمنظور بدست آوردن حداقل آگاهی برای بررسی کتابها

۲- بحث در مورد کانونهای دموکراتیک

۳- اصلاح مقالاتی که به بررسی کتابهای مختلف درسی اختصاص داشت و بطور پراکنده به این کمیته میرسید.

از فعالیتهای عملی این کمیته در این مدت میتوان موارد زیر را ذکر نمود:

۱- تهیه پرسشنامه‌ای حاوی سؤالات نمونه

ای در مورد تاریخ و اقتصاد و چند پرسش کلی که

در آخرین جلسه مجمع عمومی برای نمونه گیری بین شرکت کنندگان پخش شد و هدف آن یاری گرفتن از تجارب معلمان عضو کانون برای تدوین پرسشنامه‌ای جامع تر توسط این کمیته بود با این منظور از تجربه آنها برای نحوه بررسی کتب درسی استفاده شود.

۲- کمیته اعضاء خود را بر حسب تخصصهای مختلف تقسیم نمود تا بتوانند کیفیت کار خود را بالا ببرند. هر گروه موظف بود که در رشته درسی خود، پرسشهای مختلفی طرح کرده و به کمیته ارائه دهد.

ه- کمیته مسائل دانش آموزی - اساس پیشنهاد برای تشکیل این کمیته مبتنی بود بر انجام وظایف کانون در قبال آن رشته از مسائل آموزشی که مستقیماً به دانش آموزان مربوط میشود و نیز تعیین رهنمودهای روشن برای همکاران عضو کانون در رابطه با وظایفی که نسبت به دانش آموزان و جنبش دانش آموزی بعهده دارند.

کمیته مسائل دانش آموزی با ۱۰ نفر عضو ثابت فعالیت میکرد و کارهای را که در طی چند ماه فعالیت خود انجام داده است، میتوان بصورت زیر خلاصه نمود:

دنباله صفحه ۳۳

درباره انقلاب فرهنگی

واژه انقلاب معنای دگرگونی و تحول عمیق در جامعه امروزه برای هر ذهن آگاه، روشن است و هرگاه در جامعه‌ای این تغییر بنیادی صورت پذیرد، روابط اجتماعی، فرهنگ و سیاست را هم متناسب با خود تغییر میدهد. بدنبال انقلابات اجتماعی در طول تاریخ هر طبقه‌ای که قدرت حکومتی را به دست آورده فرهنگ آن جامعه را نیز بِنفع طبقه خویش تغییر داده و در اختیار گرفته است. از آنجا که دگرگونی بنیادینه در یک بخش و یک زمینه بلکه در تمام زمینه‌های جامعه صورت میگیرد، لذا تغییرات فرهنگی عمیق نیز بدنبال انقلاب اجتماعی در تمام رشته‌ها و بخش‌ها و زمینه‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد.

انقلاب فرهنگی، باعث دگرگونی بنیادی در طرز تفکر، تربیت، اخلاق اجتماعی، عادات، عقاید و روابط اجتماعی میشود و از انسان تحت ستم و ناآگاه، انسانی با شعور، متحرک، فعال، مبتکر، خلاق و آگاه میسازد و این انقلاب طبیعی است که نه یک شبه بلکه در مدت زمانی طولانی انجام گرفته و کامل میشود.

در کشورهای تحت سلطه و وابسته به امپریالیسم، فرهنگ نیز همچون اقتصاد و سیاست در جهت خدمت به منافع امپریالیسم عمل میکند چرا که آنان برای حفظ سلطه خویش و ادا مه‌چپا و لو غارت گری، ارزشهای اجتماعی را بِنفع خویش تغییر میدهند و اخلاق و عادات و رسوم و سیستم آموزشی را طوری بازسازی و دگرگون میکنند که طبقات پائین و زحمتکش جامعه را در خدمت سیستم اقتصادی خویش بگیرد و مانع از رشد فرهنگ متریقی و انقلابی آنان گردد و بهمین‌طور و از این راه فرهنگ منحط استعماری را بر جامعه حکمفرما میسازد بنا بر -

این در چنین جوامعی انقلاب فرهنگی جدا از قطع وابستگی اقتصادی - سیاسی - نظامی به امپریالیسم نمیتواند صورت گیرد. باید همراه با نابودی تسلط امپریالیسم در زمینه‌های فوق، فرهنگ و آموزشی را جایگزین فرهنگ استعماری نمود که نه در خدمت سرمایه داری وابسته بلکه در خدمت توده‌ها قرار گیرد و آنان را آنگونه پرورش دهد که نه حافظ منافع امپریالیسم بلکه خدمتگزار و - حافظ منافع زحمتکشان جامعه باشند. برای با وجود آمدن چنین فرهنگی باید تمام زمینه‌های آموزشی را که در ساختن طرز فکر، شعور اجتماعی و اخلاق انسانها نقش دارد مورد دگرگونی قرار داد، از محیط خانواده گرفته تا کودکان و مدرسه و دبیرستان و دانشگاه تا موسسات و اداراتی که انسان را با خدمت گرفته است، از کارخانه‌ها گرفته تا روستاهای دور و نزدیک، از معلم و محصل گرفته تا کارمندان و کارگر روستایی، از کتابهای درسی تا روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون و سینما و همه و همه باید در جهت نابودی فرهنگ استعماری و ایجاد فرهنگ انقلابی بکار گرفته شوند، سیستم آموزشی در تمام زمینه‌ها آنچنان باید بشکلی از مهره‌های خدمتگزار به سرمایه داری وابسته، انسانهای ناآگاه و با شعور و در خدمت توده‌ها و برای ساختن جامعه‌ای سالم و استوار بسازد. گفتیم که انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌های جامعه صورت میگیرد و به معنای دگرگون‌سازی در تمام جوانب میباشد یکی از مسائل اساسی مورد نظر در هر انقلاب فرهنگی، از میان برداشتن بیسوادی است. بیسوادی که یکی از بیماریهای مزمن جوامع تحت سلطه است مانع بزرگی در راه آگاهی مردم میباشد چرا که آنان را از مسائل

سیاسی واجتماعی روزمره دورنگاه میدارد و از - مطالعه و برخورد با حقایق از طریق رسانه های گروهی محروم میسازد. در چنین کشورهایی، آموزش و پرورش با کلیه امکانات آن نه در اختیار زحمتکشان جامعه، بلکه در خدمت طبقات مرفه قرار دارد و در نتیجه زحمتکشان نه امکان این را دارند که حتی از سواد خواندن و نوشتن برخوردار گردند و نه فرصت این را می یابند چرا که شرایط سخت زندگی شان وستم سرمایه داری وابسته، آنها را - محبور میکند که بیشتر از حد لازم کار کنند تا چرخ زندگی شان بچرخد و تا زمانی که اکثریت افراد یک جامعه در چنین شرایطی بسر میبرند و امکانات کافی برای رها شدن از جهل و بیسوادی را ندارند انقلاب فرهنگی کامل نخواهد شد.

آموزش و پرورش یکی از ارکانهای اساسی در هر جامعه ای است که میتواند در خدمت طبقات حاکم یا محکوم جامعه بر حسب اینکه قدرت حکومتی در دست کدام طبقه باشد، قرار گیرد. پیداست که در جوامع سرمایه داری وابسته، قدرت سیاسی در دست سرمایه داران است و آموزش و پرورش هم با تمام زوایایش به این طبقه خدمت میکند و آموزشی که در موسساتی بنام کودکستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه به فراگیرندگان داده میشود ابزارهایی که در این چنین سیستمی مورد استفاده قرار میگیرد نظیر کتابهای درسی، روشهای تدریس و مسائل مورد استفاده برای یاد دادن و تماما از دانش آموز و دانشجویان میسازند که بتوانند چرخ نظام حاکم را بچرخانند و آنها را حفظ نمایند. محتوای کتابهای درسی افراد را به مسلمین و مهندسين و پزشکان و تکنیسینهای تبدیل میکند که حافظ نظام عقب مانده و فرهنگ استعماری باشند، فرمولهای فیزیک و شیمی و حتی اگر با آزمایش توام نباشد که " نیست" چون فقط به یک نشوری خشک و بی ارتباط با کار عملی تبدیل شده - و هنوز آموزا ز این نشوری کسب کرده هیچگونه استفاده ای در رابطه با نیازهای جامعه در زمینه رشته های مختلف تولیدی و مصرفی نمیکند لذا تنها بصورت

فرمول در مغزش حفظ میشود، ادبیات و تاریخ که میتواند بهترین وسیله انتقال تجربیات و افکار مترقی ملل به یکدیگر باشد و به بالابردن شعور اجتماعی افراد کمک نماید وضعی بدتر از دروس ریاضی و طبیعی پیدا میکند، در نظام آموزشی وابسته معلمان که با دید بهترین آموزش دهنده و پرورش دهنده نسلهای آگاه و انقلابی باشند چون خود پرورده چنین نظامی هستند، دانش آموزان را نیز همانند خود برای خدمت به منافع طبقات مرفه تربیت میکنند و تا زمانی که آموزش و پرورش دگرگونی نیابد و در خدمت تا مین منافع اکثریت جامعه در نیاید، انقلاب فرهنگی کامل نخواهد شد.

از آنجا که بدلیل رشد تکنیک و پیشرفت علوم - زندگانی بشر روز به روز تکامل میابد و این پیشرفت بدست انسانهای خلاق و آگاه بمنصه ظهور میرسد لذا اگر استعداد های افراد در دنیا بدوشکوفان نگردد از اختراعات و اکتشافات علمی که به بهتر شدن زندگی کمک مینماید خبری نخواهد بود. در کشورهای تحت سلطه منافع امپریالیسم حکم میکند که مانع رشد استعدادها و ابتکارات و شکوفائی آنها در میان اکثریت زحمتکش جامعه شوند. بهمین خاطر امکانات لازم را در اختیار توده ها قرار نمیدهند و تا زمانی که در چنین جامعه ای سازندگی و پیشرفت بدست خود مردم صورت نگیرد و استعدادها و ابتکارات توده ها در جهت سازندگی جامعه و در خدمت زحمتکشان قرار نگیرد، و نفوذ و سلطه امپریالیستها در همه زمینه ها از میان نرود استعدادها خفه میگردند و - نیازهای امپریالیستی برای تا مین و رشد اقتصاد همچنان با برجا خواهد بود و این مانع بزرگی است در راه انقلاب فرهنگی اما این تحول عمیق و بنیادی که انقلاب فرهنگی می نامیم چگونه باید صورت پذیرد؟ طبیعی است که این تغییر و تحولات اگر بدست توده مردم انجام نشود جزا صلاح و رفاه از بالا مفهومی نخواهد داشت. در تمام - دستگاه ها و موسسات و دیگرشئون جامعه، اگر نظام شورشایی برقرار شود، مردم خود میتوانند با آگاهی به واقعیات جامعه و براساس نیازهای جامعه،

درباره مسائل تصمیم گیری نموده و اجراءکننده باشند. این سیستم باید از کوچکترین ارگانهای جامعه، از دبستان گرفته تا دانشگاه و کارخانه و روستا را دربرگیرد. باید با وجود آوردن زندگی راحت و کاملاً برای زحمتکشان برای آنان این امکان را فراهم کرد که بتوانند خود را از جهل و بیسوادی رها سازند. چه در روستا و چه در کارخانه و دیگر موسسات تولیدی و غیرتولیدی.

باید کتابهای درسی بر اساس نیازهای کل جامعه با مشارکت دانش آموزان و معلمان آگاه و درجهت خدمت به اکثریت جامعه تدوین گردد. البته این تغییر نه به معنای عوض کردن نام پروین و پرویز به محسن و مریم است بلکه باید درجهت آگاه ساختن دانش آموز و معلم و شناساندن واقعیات اجتماعی و پیشرفت های علمی و فرهنگی و فلسفی تغییر اساسی یابد.

در مدارس و دانشگاهها باید کار علمی با آموزش تلفیق یابد، دانش آموز و دانشجو اگر دروس علمی را جدا از آزمایش و تجربه در جریان عمل، فراگیرد، نمیتواند از این آموزشها بهره گیری نماید و وجودش شمر بخش نخواهد بود.

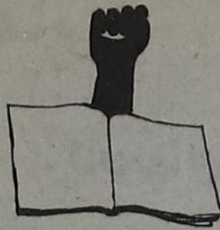
ابزار و وسائل آموزشی از جمله کتابخانه ها، رسانه های گروهی از قبیل نشریات روزنامه ها، رادیو، تلویزیون و فیلم و تئاتر و دیگر زمینه های که جنبه آموزشی دارند باید در خدمت اکثریت جامعه و درجهت بالابردن دانش سیاسی و اجتماعی مردم بکار گرفته شود. امکانات آموزشی در اختیار زحمتکشان جامعه باشد تا بتوانند با از میان برداشتن بیسوادی از راه ایجاد زندگی آسوده و امکانات کافی، انقلاب فرهنگی را شکل واقعی دهند. این توده معلم است که میتواند همراه با دیگر زحمت کشان جامعه انقلاب فرهنگی را به پیش برد. انقلاب فرهنگی را نمیتوان از بالا بدون دخالت و مشارکت معلم و دانش آموز انجام داد، و باید که معلمین آگاه و انقلابی را نیز در راه سازندگی جامعه بکار گرفت.

برای آنان نمودن مبارزه با جهل و بیسوادی امکانی ایجاد کرد تا توده مردم به راحتی بتوانند

بیا موزند و آموزش دهند، بهمین جهت باید ابزار و وسائل فراگیری از جمله زبان که وسیله مهم ارتباط انسانها با یکدیگر است از اصطلاحات پیچیده و نامناسب پاک شود، باید آداب و رسوم و اخلاق کهنه و عقب نگاه دارند و خرافاتی را از ذهن توده مردم پاک نموده و بجای آن اخلاق انقلابی، عقاید و رسوم مترقی را جایگزین ساخت، هنر انقلابی را به میان مردم برد، و از این وسیله موثر درجهت بالابردن شعور اجتماعی آنان استفاده نمود، موسسات آموزش را به مکانهای جهت رشد افکار انقلابی و شناساندن علوم و واقعیات جامعه به مردم تبدیل ساخت. لذا با این مختصر متوجه میگردیم که انقلاب -

فرهنگی چیست و چگونه امکان پذیر خواهد بود. پی بردیم که انقلاب فرهنگی نه به مفهوم انهدام افکار مترقی و برقراری سانسور و اختناق و سرکوب نیروهای انقلابی و مردمی است، بلکه باید آنها را رشد و پرورش دهد. انقلاب فرهنگی بعوض تعطیل و انحلال دانشگاهها و موسسات آموزشی، به توسعه هر چه بیشتر آنها کمک مینماید، آزادی عقیده و بیان را برای توده های مردم به ارمغان میآورد، از استعداد های نهفته درجهت سازندگی تمام جامعه استفاده مینماید تا درجهت خراب کردن و به انحراف کشیدن آنها. انقلاب فرهنگی، جهت اصلی مبارزه با دشمن اصلی و سمت و سوی ضربه وارد کردن به دشمن را با توده ها نشان میدهد و اینکه آنان را در مقابل یکدیگر قرار دهد.

برای انقلاب فرهنگی کردن باید نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را تقویت نمود و راههای صحیح مبارزه درجهت قطع سلطه اقتصادی- سیاسی - نظامی و فرهنگی امپریالیسم را برای توده ها روشن ساخت تا اینکه به بهانه مبارزه با امپریالیسم وابسته قلمداد کردن نیروهای مترقی، جلوی مبارزات ضد امپریالیستی توده ها را گرفت باید و بستگی از میان برداریم تا بتوانیم انقلاب فرهنگی را به پیش ببریم.



نامه یک دانش آموز

یک کتاب خوب باید به ما چه چیزهایی یاد بدهد.

بنظر من یک کتاب خوب و مفید باید به ما چیزهای زیادی یاد دهد مثلاً به ما درس آزادی و آزادی خواهی و حق طلبی یاد دهد و به ما یاد دهد که نباید هیچ وقت زیر بار ظلم و ستم جباران و پادشاهان مزدور برویم و مانند مرده در برابر آنها کار نکنیم و دست به سینه آنها باشیم و هر چه فرمان دادند انجام دهیم حتی اگر فرمان کشتن برادران عزیزمان را هم دادند ما آنها را بکشیم و همچنین یک کتاب خوب باید به ما یاد دهد که یک انسان خوب با مروت نباید برادرش را در کشتن بروی خواهان و مادران خود آتش گشود و همدیگر را آتش بود کرد و اگر ما این گونه کتابها را بخوانیم هیچ وقت فرمان آن مزدوران را اطاعت نمیکنیم و چنانچه که دیدیم وقتی سربازان شاهنشاهی از مهرخانه جوانان مبارز ما می ریختند اول سراغ کتابهای آنها می رفتند و اگر این چنین کتابی را پیدا میکردند آنها را به جرم اینکه اینگونه کتابها را میخواند می خوانند دستگیر و شکنجه میکنند و بیشتر آنها زیر شکنجه جان می سپردند درود بر شهیدان راه آزادی، درود، درود، درود

جملاتی برگزیده از دانش آموزان کلاس سوم

- ۱- چوبه - امیدوارم روزی شاه را بر چوبه دار ببینیم .
- ۲- چشمان - ما واک چشمان بعضی از زندانیان را کور کرد .
- ۳- فلسطینی - فلسطینی ها مردمان رزمنده هستند .
- ۴- نفرت - ملت ایران از شاه نفرت دارند .
- ۵- آزادی - ما آزادی را با دادن خون خواهان شهید بدست آوردیم .
- ۶- کشا ورزی - حضرت علی در کشا ورزی و درختکاری کوشش مینمود .
- ۷- کودکان - کودکان پایه پای مادرها ایشان تظاهرات میکردند .
- ۸- آوارگان - آوارگان را در خیمه های بیابانی به گلوله بستند .
- ۹- عشق - من با عشق و ایمان مردم آزاده را دوست دارم .
- ۱۰- شاد - شاه که رفت همه مردم ایران شاد بودند .
- ۱۱- گلوله - گلوله برای کشتن دشمن خوب است .
- ۱۲- خشم آلود - ملت ایران خشم آلود هستند و مشت های گره کرده خود را بردها ن آمریکا میکوبند .

پیامهایی

از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

بمناسبت بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت، روز معلم پیامهایی از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها اصفهان، اندیمشک، رامسر، چهارمحال بختیاری و قزوین برایمان ارسال شده که با تشکرفراوان از این همکاران قسمتهائی از پیامهای آنان را درج میکنیم.

● چرا ۱۲ اردیبهشت روز معلم را گرامی میداریم همکاران مبارز

۱۲ اردیبهشت را گرامی میداریم، بیاس حرمت مبارزه پرشکوه معلمانی که در طول تاریخ مبارزات آزادی بخش خلقهای میهنمان، طی پنجاه سال حکومت وحشت و خفگانگانه با خاستند و با نثار خون خود، پرچم آزادی را با نور دانش پیوندی جاودانه بخشیدند.

۱۲ اردیبهشت را گرامی میداریم بیاس تلاشهای معلمان راستین که از طاقتهای مخروبه در دور افتاده ترین روستاها، تا کلاسههای محقر در مرکز شهرها، سنگرهای ساختند و راز عشق به بشریت و آزادی، که دل استبداد فاشیستی رژیم پهلوی، چون ستاره های دنیا له داری روشنائی بخش مبارزات توده هاشد.

۱۲ اردیبهشت را گرامی میداریم بیاس اعتبار عمومی پرشکوهی که در جنبش روزی در سال ۱۳۴۰ برای حقانیت بخشیدن به حقوق معلمان و رفع ستم اقتصادی و اجتماعی آنها صورت گرفت و با یورش وحشیانه پلیس بخون کشیده شد.

این اعتبار در تاریخ مبارزات معلمان جامعه

ما، از توجهی خاص برخوردار است، در این روز مخوف متشکل معلمان برای دستیابی به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود در میدان بهارستان گامی برداشتند و با فریاد، فضای میهن را از صدای حق طلبان خود پرطنین سازد و پیوند خود را با دیگرزحمتمندان و محرومان جامعه برقرار نماید.

اما رژیم دیکتاتوری و فاشیستی پهلوی در مقابل خواسته های منطقی معلمان به گلوله متوسل شد و اعتصاب مسالمت آمیز معلمان را با خاک و خون کشید. قیام و اعتصاب گسترده توده های فرهنگی که از حمایت دانشگاہیان، دانشجویان و دانش آموزان بهره داشت جدا از یاری قهرمانان فرهنگیان در مقابل با یورش پلیسی مزدور رژیم گذشته، در حمایت خود دارای تجارب گرانبهای است که اگر بدرستی مورد ارزیابی قرار گیرد میتواند در درپیشبرد امور مبارزه توده های فرهنگی موثر باشد.

(جنبش توده های معلم که میتواند در صورت برخوردار از یک رهبری انقلابی و پیگیری بصورت یک تشکیلات منسجم فرهنگی در سراسر ایران درآید و با هماهنگی بیشتر با جنبش توده ها در پیشبرد مبارزات دمکراتیک ملت مانقش شایسته داشته باشد به علت وجود رهبران سازشکار و خائنی چون درخش ها که در دامان احزاب بورژوازی ملی و لیبرال - ایس دایگان سازشکاری پرورش یافته بودند به انحراف کشانده شده و سنت مبارزات خونین معلمان در سزمیزهای مذاکره به باد رفت و خون بهای مبارزات آنان، نردبان ترقیای شد برای به کرسی خیزدگان که اندیشه ای جز وزارت و دستیابی به مقام بالاتر در سر نمیپروراندند.)

در این انحراف هر چند فقدان پیشاهنگان انقلاب

جنبش، بعنوان یک ضعف عمده و در جنبشهای سال های ۴۰ - ۱۳۳۹ قابل ارزیابی است ولی کم توجهی به خملت فرصت طلبانه حزبی که ادعای رهبری (جنبش)ان جامعه را با خود بدوش میکشید و در آنسوی مرزها به تدوین تئوری و راه رشد سرمایه داری در انتظار دمکراسی شاهانه نشسته بود، نمیتواند از انحراف بی بهره نباشد.

چرا که تجربه مبارزات آزادی بخش جهان به مراحت و روشنی مشخص ساخته است که هر جانشینهای توده ای زیر رهبری پیشاهنگ انقلابی و عنصر آگاه قرار نگیرد. بعنوان یک جنبش خود بخودی و قیام کور، به انحراف کشیده خواهد شد و نقش پیش برنده خود را در امر مبارزات آزادی بخش اداء نخواهد کرد. (بنا بر این در شرایط کنونی که مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های میهنمان هر روز بعد و عمق بیشتر مییابد. بر تمام نیروهای مادی انقلابی است که با شرکت فعال و سازمان دهنده خود در اعتلا جنبش فرهنگیان بکوشند و با شرکت در کانون های مستقل معلمان و فرهنگیان دیگر، راه را برای همیشه برای سازش کاران لیبرال و فرصت طلبان تازه حضور یافته، این خائنان به جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک توده های میهنمان ببندند.)

بر اساس همین درک و ضرورت، کانون مستقل فرهنگیان اصفهان با بزرگداشت ۱۲ اردیبهشت روز معلم، همه همکاران مبارز فرهنگی را به تشکیل فرجه بیشتر جهت تحقق خواستهای زیر فرا میخواند.

۱- اخراج و تصفیه عناصر صاواکی و رستاکیزی از محیطهای آموزشی.

۲- ضرورت یک تغییر بنیادی (انقلاب فرهنگی) در نظام آموزشی کشور با محور آثار فرهنگ وابسته امپریالیستی و ایجاد یک فرهنگ انقلابی با بنیادهای ملی و علمی.

۳- دفاع از حقوق صنفی و سیاسی فرهنگیان اصفهان و حومه و کوشش در جهت ایجاد تشکیلات سراسری معلمان برای دفاع از حقوق تمام فرهنگیان ایران

۴- لزوم اجباری و رایگان بودن تحصیلات برای تمام کودکان در شهر و روستا و مبارزه با

بیسوادی بشکلی انقلابی

۵- دفاع از آزادی بیان و اندیشه در جامعه و مبارزه با تفتیش عقاید و هرگونه اختناق در محیط های آموزشی. با امید به پیروزی راهمان.

هر چه گسترده تر با دیونند جنبش معلمان با جنبش توده های انقلابی - پیش بسوی تشکیلات سراسری معلمان کشور کانون مستقل فرهنگیان اصفهان

۱۳۵۹/۲/۹

● (پیام کانون مستقل فرهنگیان اندیمشک) (بمناسبت ۱۲ اردیبهشت روز معلم)

(با درود فراوان به معلمین شهید، سالگرد روز معلم را با خاطرمبارزات پرشکوه و تلاشهای بیگسیر شان در جهت گسترش فرهنگ انقلابی و آگاهی توده های زحمتکش، گرامی میداریم)

(اینک که نزدیک به یکسال و نیم از قیام دلاورانه مردم میهنمان میگذرد و در حال مبارزه با امپریالیسم آمریکا هستیم، هنوز شوراهای واقعی که میتوانند در جهت تحقق انقلاب گام بردارند، در مدارس و مراکز آموزشی ایجاد نگردیده است از بحث های سازنده به عناوین مختلف در کلاسهای درس جلوگیری میشود. معلمین مبارز را تبعید، تهدید، اخراج و ترور میکنند.

ما وظیفه خود میدانیم که برای جلوگیری از جو خفقان در مدارس و ایجاد شوراهای واقعی و تداوم مبارزات ضد امپریالیستی و جلوگیری از اخراج و تبعید معلمین آگاه و مبارز و مترقی باید مبارزه کنیم و این مبارزه تنها در گرو - تشکیل و وحدت معلمین امکان پذیر است.

ما معتقدیم باید در شرایط کنونی برای مقابله با هر نوع انحصار طلبی و مبارزه با فرهنگ استعماری در جهت شکوفائی فرهنگی انقلابی در سراسر کشور تشکیل خود را با ایجاد کانونهای معلمی هر چه مستحکمتر کنیم.

برقرار با دشواریهای واقعی دانش آموزی و معلمی، نابود باد فرهنگ استعماری مستحکم با دیونندگان نونهال معلمین در سراسر کشور)

بنام خدا

(۱۲) اردیبهشت روز معلم را هر چه باشکوهتر

برگزار کنیم)

(۱۲ اردیبهشت یادآور مبارزه معلمان ایران برای رسیدن به استقلال، آزادی و رفاه برای همه زحمتکشان و از جمله معلمان ایران است. معلمان ایران همواره به علت برخورداری از نعمت سواد و آگاهی از راههای مختلف نقش خود را در مبارزه ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم میهن ما ایفاء کرده اند. معلمان ایران بعنوان بخشی از روشنفکران که از نقش امپریالیسم جهانی و عوامل داخلی که بخوبی آگاهند و شیوه های عملکرد امپریالیسم را در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی - نظامی و فرهنگی می شناسند با روشنگری و آگاه کردن و شرکت مستقیم در مبارزه مردم بر علیه رژیم وابسته شاه خائن و شیوه های دیگر مبارزه، دین خود را به جنبش انقلابی مردم ایران ادا کردند) (اعتماد) معلمان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزه معلمان به همراه جنبش ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی موم و روز ۱۲ اردیبهشت روز شهادت معلم شهید خا نعلی سرفصل این مبارزه بود با گرامی داشت یاد معلم شهید خا نعلی و دیگر معلمان شهید این روز را بعنوان روز معلم امانت و رسالت گرامی میداریم.)

(آگاهی توده ها ستیزه کارانه با امپریالیسم است) (کمیته برگزارکننده روز معلم را مسر)

● (پیام کانون مستقل معلمان قزوین به:

کانون مستقل معلمان تهران، بمناسبت

بزرگداشت روز معلم)

(همسنگران آگاه و انقلابی!)

ما معلمان، همراه و همگام با تمام خلیفای رزمنده و دلاور ایران، همواره کوشیده ایم، دین خود را به جنبش انقلابی میهن ما ادا کنیم، و در این راه خون ارزنده ترین یاران خود را به پیشگاه خلیفای زحمتکش ایران تقدیم داشته ایم.)

(تاریخ جنبش های رهایی بخش جهان نشان

داده است که، تنها با پیوند جنبش های دمکراتیک توده های زحمتکش میتوان به سرکوب قطعی دشمن آزادی پرداخت. آنچه هم اکنون ما را در این پیرو یاری می بخشد، و به شکل هر چه بیشتر می انجامد مبارزه پیگیر و بی امان ما، در جهت زدودن فرهنگ امپریالیستی و آثار آن است. تا با جایگزینی یک فرهنگ انقلابی و انسانی بتوانیم تغییرات بنیاد و اساسی، در آموزش و پرورش کشور ما ایجاد نماییم (آنچه تغییر که نظام مدیریت آمریکا را بزدا و بجای آن نظام شورائی را در مدارس متغیر نماید.

آنچه تغییر که نظام تربیتی غیر انسانی را که خود موجب ایجاد تفرقه در میان صفوف معلمان و دانش آموزان میشود در هم کوبد، بجایش نظام مبتنی بر همکاری و وحدت عمل انقلابی ایجاد کند تا صفوف معلمان و دانش آموزان را به منظور مبارزه علیه امپریالیسم جهانی متشکل نماید. آنچه تغییر که محتوای کتب درسی را منطبق با مضامین جنبش ضد امپریالیستی میهن ما تنظیم کند. آنچه تغییر که دیگر هدفش پرورش انسانهای قانع، فرمانبردار، مقلد، خیال باف و وابسته نباشد.) (اینک ما با تشکیل کانون مستقل معلمان قم آن داریم که در جنبش دمکراتیک معلمان میهن ما شرکت جست و در جهت پیوند آن با جنبش سراسری کوشش نماییم.)

(هم اکنون ما ضمن تبریک، تهنیت به معلمان سراسر کشور و بزرگداشت روز معلم، همبستگی خود را با کانونهای مستقل معلمان ایران اعلام میداریم.

هر چه مستحکم تر با پیوند جنبش های دمکراتیک توده های زحمتکش ایران برقرار با دشواری های راستین و انقلابی در مدارس

پیش سوی تشکیل کانون های مستقل سراسری معلمان

(کانون مستقل معلمان قزوین)

۱۲) اردیبهشت روز معلم یا دآوریکی زروزهای
برخشان مبارزات دلیرانه میهنمان میباشد.

معلمان از آنجا شیکه تاب تحمل آنهمه ستم
زنا برابری، آنهمه ظلم و جور، آنهمه اختناق، آن
سه دیکتاتوری و شکنجه را نداشتند و عامل تمام
بدبختیهای خود را در رژیم وابسته به امپریالیسم
پهلوی میدانستند همگام با کارگران، دهقانان
و مبارز حمتکشان بر علیه استبداد و امپریالیسم

مبارزه کردند و در این راه معلمان همچون صمدها،
بهروز دهقانها، قاطعه مینیها، شهید دادند پس
از کودتای خاخانه ۲۸ مرداد و استقرار کارکامل سلطه

امپریالیسم آمریکا بر میهنمان مبارزات مردم
زیر شدیدترین و وحشیانه ترین حملات سرکوب قرار
گرفت ولی طولی نکشید که شعله های سرکش این
مبارزات دوباره زبانه کشید و از سالهای ۳۱ تا ۴۲
میش اوج تازه ای بخود گرفت. (۱۲) اردیبهشت سال

۱۳۴۰ معلمان تهران با بیان نمودن خواستهای -
برخشان مانند سایر حمتکشان وارد صحنه مبارزه
شدند و در میدان بهارستان به میتینگ و تظاهرات
پرداختند که چون همیشه آماج گلوله های ارتش ضد
ملقی و وابسته پهلوی گردیدند و یکی از معلمان مبارز
بنام دکتر خا نعلی در این روز به شهادت رسید) از
آنروز به بعد در تاریخ مبارزات مردم ایران ۱۲ -

اردیبهشت بنام روز معلم نامگذاری گردید و علیرغم
اختناق و خفقان و سانسور این روز به همین نام
مظفر گردید و مبارزات معلمان همچنان شکوفا گشت
تا سرانجام در جریان مبارزات حمتکشان در آ میخت
و در قیام پر شکوه بهمن ماه به اوج رسید.

(معلمان در جریان قیام خواهان قطع کامل
وابستگیهای امپریالیستی بودند آنان بدرستی -
طرح میکردند که رسیدن به چنین اهدافی ضرورتا
از طریق دموکراتیک کردن مناسبات درونی جامعه
و پاسخگویی به نیازهای سیاسی - صنفی هر قشر و
طبقه درون خلقی تا مین میشود بهمین دلیل هم
معلمان خواستار تشکیل شورا های واقعی آزادی
بمان و قلم و عقیده، طرد هر نوع دیکتاتوری و
اختناق و تفتیش عقاید، محور هر گونه فرهنگ
طنفاتی و استعماری و جایگزین کردن فرهنگ

انقلابی و ضد امپریالیستی بجای آن، جلوگیری از
داخلت افراد غیر مسئول در ارگانها، تلفیق و
گسترش مبارزات ضد امپریالیستی معلمان و دانش
آموزان با سایر نیروها در ارگانهای خاص خود
بوده و در زمینه مسائل رفاهی نیز خواستار تهیه
مسکن در جهت رفاه معلمان حمتکش، طرد نسا
برابریهای محیطهای آموزشی، ایجاد مهد کودک
برای فرزندان معلمان بوده و میباشند.)

ولی با مروری کوتاه بر روزنامه ها و نشریات
از اول سال تحصیلی جاری تا کنون میتوان دریافت
که اعتراضات و اعتراضات معلمی - دانش آموزی
تا چه حد بالا گرفته است. چرا؟

برای اینکه بعد از قیام شاه هستیم که اساسا

با شوراها و تشکلهای معلمی - دانش آموزی از
طرف مسئولین مخالفت شده است و به اشکال مختلف

از طرف آنها سعی شده که هر گونه تشکل آنها را
خدمت به ضد انقلاب معرفی کنند ولی از آنجا شیکه
شورا های واقعی خاص توده ها و منطبق با حرکت ضد
امپریالیستی آنها میباشد مسئولین در مقابل شورا
ها عقب نشینی کرده و بجای آن شورا های فرمایشی
را طرح ریزی کردند که می بینیم در عمل این
شوراها حق هیچگونه تصمیم گیری ندارند و فقط
بلندگوی نظرات از بالا صادر شده میباشند.

در مورد آزادیهای دموکراتیک و ضد امپریا
لیستی چون آزادی بیان، قلم و عقیده مسئولین
امر نه تنها قدمی برنداشته اند بلکه با تشکیل
گروه های نا آگاه و تحریک آنها بر علیه معلمان
و دانش آموزان پیشرو که درک درستی از مسائل
داشتند همواره سمت اصلی مبارزه بر علیه امپریا
لیسم را به گمراهی کشانیده اند و باعث دستگیری
اخراج و تبعید بسیاری از معلمان مبارز و انقلابی
و همچنین شهادت معلمان چون ونداد ایمانی ها،
مصطفی سلطانیها، جلال نسیمیها، گرجی بیانیها
رئوف کهنه پوشها و و و و گردیده اند.

از سوی دیگر شاهدیم که در تدوین کتب درسی
چگونه کینه توزانه با هر نوع نگرش علمی در محتوا
و اسلوبهای آموزش و پرورش برخورد کرده اند.

در تاله صفحه ۳۲

گزیده‌ای از : نشریات

منشور کانون مستقل استادان دانشگاه ملی
ایران

مهمترین رسالت یک نظام آموزشی مردمی و از جمله نظام دانشگاهی، تأمین شرایطی است که تحت آن دستاوردهای علمی، هنری و فرهنگی بشریت در طول قرون و اعصار، در خدمت توده‌های زحمتکش جامعه قرار گیرد و این میراث عظیم به نسل‌های جوان منتقل گشته و در پویای این انتقال متحول و متکامل گردد.

امپریالیزم جهانی و نیروهای ارتجاعی برای ادامه حیات تنگین خود با تمام قوا در برابر چنین حرکتی مقاومت میکنند و میکوشند تا با منحرف ساختن نظام آموزشی از این مسیر متعالی، آنرا در خدمت منافع خویش درآورند. مبارزه در راه استقرار یک نظام دانشگاهی مترقی و مردمی جزئی لاینفک و ضروری مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی مردم ماست. ما پیروزی در این مبارزه را در گرو تحقق اهداف زیر میدانیم.

۱- استقلال نظام دانشگاهی

نظام دانشگاهی ایران میراث شوم سلطه همه‌جانبه امپریالیزم بر مین ماست. رژیم دست‌نشانده پهلوی برای حفظ سلطه امپریالیزم و تحکیم دیکتاتور خود، همراه با سیاست ترور و اختناق، به ایجاد و گسترش دیوانسالاری در تمام ارگانهای جامعه، از جمله دانشگاهها، دست‌زده بود. دولت نماینده سرمایه‌داری وابسته، بنا بر ماهیتش نمیتوانست هیچگونه استقلال اداری، فرهنگی و علمی دانشگاهها را بپذیرد و با تحمیل مناسبات دیوانسالاری بر دانشگاهها و استقرار نظام انتصاب از بالا، سلطه خود را بر نظام دانشگاهی اعمال

مینمود. اکنون، در ایران انقلابی، باید این بندها گسسته شود:

در تمام مبارزات ضد امپریالیستی مردم-کشورمان، ما معتقد به بازسازی نظام دانشگاهی بر پایه استقلال اداری، علمی و فرهنگی در جهت قطع وابستگی‌های اقتصادی و فرهنگی میهنمان هستیم.

ما خواستار استقلال نظام دانشگاهی از دیوانسالاری دولتی هستیم. ما معتقد به ارتباط بلاواسطه نظام دانشگاهی با اعمیل‌ترین نهادهای دموکراتیک مردمی هستیم.

۲- استقرار نظام شورائی

حکومت دست‌نشانده آریا مهری، در مواجهه با نظام دانشگاهی، با ایجاد سلسله مراتبی از مقامات انتصابی، سیاست‌ها و مشی ارتجاعی خود را بر دانشگاهها تحمیل میکرد. امروز نیز دست‌نشانگان امپریالیسم و نیروهای واپس‌گرا، از آنجا که هیچگونه پایگاه اصیل توده‌ای در دانشگاهها ندارند با حاکمیت شوراها مخالفت می‌ورزند و با بهانه‌های گوناگون انتصاب از بالا را جایگزین می‌شمارند. مادام که سنت انتصاب از بالا برقرار است عوامل و عناصر سرسپرده امپریالیسم نه تنها در دانشگاهها ابقاء خواهند شد، بلکه با توطئه‌چینی و ایجاد جو مغشوش در فضای آموزشی هر روز فشار خود را بر ماقدرت‌ترین نیروهای انقلابی در دانشگاهها خواهند افزود و با آزادی بیشتر فعالیت‌های مغرب‌خویش ادامه خواهند داد.

برای ایجاد دستگرهای مستحکم در برابر یورش امپریالیسم و پایان دادن به حیات تنگین سرپرستان آن در دانشگاهها، برای آنکه بهترین آراء و صادق‌ترین افراء

برادارها موردانشگاهها مسئولانه شرکت داده شوند
ماخواستاراستقراردموکراسی شورائی دردانشگاه
ماهستیم، ما معتقدبهتشکیل شوراهای متشکل از
نابندگان اعضاء هیئت علمی، دانشجویان و -
کارکنان درهمه سطوح وبه عنوان ارگانهای -
نماینده گیری هستیم.

ما معتقدبه انتخابی بودن مسئولین دانشگاهی در
همه سطوح، و پاسخگوئی ومسئولیت آنان درمقابل
شوراهای مربوطه هستیم.

۳- تضمین آزادی های فردی واجتماعی

منافع امپریالیسم ونیروهای ارتجاعی، با
گسترش آزادی های اجتماعی درجامعه مابشدد
ازضاداست. از آنجا که مبارزه ضدامپریالیستی
نوده های میهنما تنها با ژرف ترشدن دموکراسی
وباتحاد آگاهانه و آزادانه همه نیروهای مترقی
و ضدامپریالیست به شمرخواه رسید، از آنجا که لازمه
شکوفائی استعدادها، باروری اندیشه ها، گسترش
آیدگاهها و پیشرفت درحیطه دانش وجودفضائی باز
و آزاد است:

ماخواستارگسترش آزادی های اجتماعی در
همه بخشهای جامعه، از جمله دردانشگاهها هستیم.
ماخواستار تضمین آزادی اندیشه، آزادی گفتار
و آزادی نشر عقاید و افکار، آزادی اجتماعات، و
آزادی تشکل به منظور فعالیت های علمی، فرهنگی
منفی و سیاسی هستیم.

ما هرگونه انحصارطلبی و سلطه جوشیدامغایر
مبارزه دموکراتیک و ضدامپریالیستی مردم میهن
مان میدانیم.

ما هرگونه دخالت ونیروهای انتظامی و افراد
سلح درمحیط دانشگاه را درجهت منافع امپریالیسم
وارتجاع داخلی میدانیم.

۴- تضمین امنیت شغلی

امپریالیسم وارتجاع داخلی، برای درهم شکستن
هرگونه مقاومت دردانشگاهها، همواره از ارباب
وتهدیدو اعمال فشار درزمینه های شغلی بهره جسته
اند، توسل به ارباب وتهدید و فشار به منظور سر
کوب نیروهای مترقی دانشگاهی، این شیوه ننگین
رژیم های ضد مردمی، باید برای همیشه به گور سپرده

شود.

ماخواستار تضمین امنیت شغلی و شرایط کار
مناسب برای جامعه دانشگاهی هستیم.

۵- دگرگونی بنیادی نظام آموزشی

امپریالیسم جهانی به منظور حفظ سلطه خود
برنظام تولیدی ما، با تکیه بر اقصاری از تکنو-
کراتها، همواره از ارتقاء سطح دانشهای علمی و
فنی در میهن ما و از تعمیم و اشاعه این دانشها
در سطح جامعه جلوگیری کرده است. وبه موازات
آن به اشاعه فرهنگ استعماری کمر همت بسته است
برای جلوگیری از ادامه حیات فن سالاران -

وابسته به امپریالیسم، برای رهائی جامعه از
وابستگی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و -
تکنولوژیک ما معتقدیم که نظام دانشگاهی باید
بایبیره گیری از آخرین دستاوردهای علمی، تمام
امکانات خود را در جهت ارتقاء سطح دانشهای علمی
وفنی و گسترش این دانشها در سطح جامعه بکارگیرد
انعکاس منافع و نظرگاههای وسیع ترین -
اقشار زحمتکش میهنما، باید منجر به سمت گیری
کامل نظام دانشگاهی در جهت پاسخگوئی به اساسی
ترین نیازهای آنان گردد.

نقل از پیوند نشریه کانون مستقل استادان -
دانشگاه ملی ایران، سال اول - شماره یک
فروردین ۱۳۵۹

اخباری

از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

"جلوگیری از اخراج معلمان آگاه و مبارزه با ناحق از طرف آموزش و پرورش یا مدرسه اخراج شدن آنها و زگرداندن آنها و پرداخت حقوق و مزایای قانونی آنها"

"کوشش بمنظور برقراری ارتباط و همکاری با کانونهای دانش آموزان و کانونها و سازمانهای مترقی دمکراتیک"

"مبارزه با دستگاههای تحمیل سانسور، اختناق و تفتیش عقاید در آموزش و پرورش"

"کوشش در جهت استفاده از معلمان مبارز و طلب برای بردن دانش و سواد آموزشی به میان توده‌های بی سواد در دهکده‌ها و محلات دور افتاده و فقیر نشین"

"بالا بردن سطح آگاهی معلمان و دانش آموزان از طریق جمع بندی تجارب و انتقال آنها بوسیله نشریات، ایجاد کتابخانه‌های مترقی در داخل آموزشگاهها، ایجاد یک نشریه مترقی با همکاری فرهنگیان و فرهنگ دوستان سرکشور"

تشکیلات کانون مستقل معلمان گیلان شامل هیئت اجراییه، مجمع عمومی، کمیته‌های آموزش و تشکیلات، انتشارات، روابط عمومی، تدارکات و مالی، بررسی مسائل آموزشی و تحقیق و بررسی مسائل صنفی میباشد.

با بهترین آرزوها برای موفقیت هرچه افزون تر همکارانمان.

آستارا - کانون مستقل معلمان آستارا و جوبا با انتشار اسانامه‌ای در اسفندماه ۵۸ اعلام موجودیت کرد. بموجب این اسانامه کانون - سازمانی صنفی - سیاسی، مستقل، و دمکراتیک است که با اهداف: "دفاع از آزادی، استقلال،

گیلان - کانون مستقل معلمان گیلان با انتشار اسانامه‌ای موجودیت خود را اعلام کرد. اسانامه شامل مقدمه سیاست اهداف و تشکیلات کانون است در مقدمه به نقش معلمان در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و ارتقاء آگاهی توده‌ها اشاره میکند و اهمیت تشکل معلمان را برای دستیابی به این اهداف بازگو میکند. بر مبنای این اسانامه کانون سازمانی مستقل و صنفی - سیاسی است و سیاست کانون بر مبنای اصول زیر قرار دارد: "الف - کانون معتقد است که مبارزات معلمان از مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی سایر توده‌های زحمتکش ایران جدا نیست"

"ب - چون پایگاه اجتماعی امپریالیسم در ایران سرمایه‌های وابسته است بنا بر این کانون معتقد است که مبارزه با امپریالیسم جز از طریق نابودی نظام سرمایه داری وابسته و همه عوامل مستقیم و غیر مستقیم آن میسر نیست"

"ج - کانون از حق تعیین سرنوشت خلق‌ها بوسیله خود آنها دفاع میکند"

"د - کانون از مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های جهان پشتیبانی مینماید زیرا مبارزات آنان را جدا از مبارزات توده‌های زحمتکش نمیداند.

اهداف و وظائف کانون مستقل معلمان گیلان عبارت است از: "مبارزه بیگانه و ترس و تزلزل ناپذیر با امپریالیسم جهانی، مظاهر فرهنگ استعماری و - کوشش در جهت ایجاد آموزش و پرورش خلقی برای شکوفه کردن استعدادها، تدوین کتابهای درسی توسط معلمان آگاه و انقلابی و زدودن کتابهای - درسی از فرهنگ استعماری و تدوین کتابهایی که مبلغ فرهنگ انقلابی باشد"

حاکمیت ملی و تمامیت ارضی"، "دفاع از حقوق و آزادی های اساسی انسانی"، "اشاعه فرهنگ اصیل مردمی و از بین بردن آثارشوم فرهنگ استعماری"، "دفاع از حقوق صنفی معلمان"، "بالا بردن سطح آگاهی معلمان و دانش آموزان"، "کوشش به منظور مشارکت مستمر معلمان در تدوین و کنترل برنامه های آموزشی"، "کوشش به منظور ایجاد کانون مستقل معلمان ایران" و فعالیت خود را آغاز کرده است.

تشکیلات کانون مشتمل بر هیئت اجراییه، - مجمع عمومی، کمیته آموزشی و تشکیلات و انتشارات میباشد. در مقدمه این اساسنامه در مورد نقش معلمان در مبارزات ضد امپریالیستی آمده است: "امپریالیسم با نفوذ همه جانبه در آموزش و - پرورش در گسترش جهل عمومی اقدام میکند و بدین سان باعث عدم آگاهی توده ها نسبت به حقوق سیاسی و اقتصادی شان میگردد و از این طریق فرهنگ امپریالیستی خود را در کلیه ارگان و شئون مملکت می گستراند.

انقلابیون و معلمان آگاه و مبارز بهتر میدانند که برای به ثمر رسیدن انقلاب باید کلیه نهادهای عقب مانده جامعه و از آن جمله نهادهای فرهنگی - دگرگون گشته و تغییر نماند و به همین خاطر مبارزه را در دستور کار خود تا تحصیل آزادی های اساسی انسانی قرار میدهند. ... از آن جاکه مبارزه - انقلابی علیه خودکامی و استبداد بدون شکل امکان پذیر نمیشود لذا ما معتقدیم با تشکیل انقلابی معلمان آگاه و مبارز در دست مبارزاتی است که کلیه نظام های پوسیده و وابسته به فرهنگ استعماری، امپریالیستی قنایذیر خواهد بود.

برای همکارانمان در مبارزات ضد امپریالیستی و صنفی - سیاسی خویش آرزوی موفقیت میکنیم.

پیام های

مسئله مسکن نیز که با نحوه معیشت معلمان ارتباطی جدایی ناپذیر دارد همچنان لاینحل مانده است و مسئولین نه تنها گامی در جهت حل این مسئله برداشته اند بلکه با موضع گیری غیر اصولی در -

مقابل خواست منطقی معلمان مسئله را دو چندان مشکل نموده اند و وضعیت معلمین پس از قیام کلا نشان میدهد که به هیچیک از خواستهای صنفی سیاسی آنها پاسخی داده نشده، براین اساس معلمان موظفند برای گسترش مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیست و تحقق خواستهای صنفی - سیاسی خود بیش از هر موقع دیگر در ارگانهای خاص خود متشکل شده و بسوی فردائی روشن گام بردارند.

درود به همه شهدای به خون خفته خلق

هر چه مستحکمتر با دپیوند توده های مردم

علیه امپریالیسم و وابستگی

پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری

معلمان

کانون مستقل معلمان چهارمحال بختیاری

در سنگر دانشگاه

اردیبهشت را

در سنگر مبارزه و آزادی

کاین بار نیز

همچون گذشته ها

از خون پاک یاران

رنگین است

بایا دهر شکوه شهیدان

در راه سرخشان

آغاز میکنند

با کوله بار دانش و آگاهی

با جهل، پایگاه رخنه دشمن

در قلب توده ها

با حیل های تفرقه آمیز دشمنان

با نام کفر و دین

با فقر، زنجیر ناگسسته استعمار

بیکار میکنیم،

اردیبهشت را

در سنگر مقاومت و آگاهی

با یستوان های زتلاش و مبارزه

در طول سال های تیره و خونبار

با عشق در برابر خلق

با خشم در مقابل دشمن

آغاز میکنیم

با فطره فطره خون

با دره دره هستی خود

بیکرواستوار

بی هراس از گلوله و کشتار و سنگ و جوب

در سنگر مقاومت و خویش

تا روز بر شکوه رهائی

تا محو انداز چنان خواران

سکار میکنیم.

۲ اردیبهشت ۱۳۵۹

گزارش مختصری.....

۱- این کمیته اولین وظیفه عملی خود را - تهیه طرحی برای شورا های مدارس قرار داد و ۲ نفر از اعضاء خود را موظف به تهیه طرحی در این زمینه کرد که از این طرح و مجموع نظرات اعضاء این کمیته در طرح شورا های مدارس (که در آئین نامه در دستور کار کمیته نشر قرار داشت) استفاده گردید.

۲- اعضای این کمیته موظف شدند گزارش های از مدارس خود و همچنین سایر مدارس که بنحوی با آنها در ارتباط بودند (مربوط به شورا ها و کانون های دموکراتیک دانش آموزی) تهیه کنند.

۳- تهیه دو پرسشنامه، یکی در مورد شورا و دیگری درباره مسائل آموزشی و رفاهی دانش آموزان و نیز رابطه بین دانش آموزان و کارکنان مدرسه، که در آخرین جلسه مجمع عمومی بمنظور نمونه گیری پخش شد و هم اکنون در حال جمع آوری آنها میباشد.

۴- تهیه پرسشنامه ای در مورد محصلیتی که برای ادامه تحصیل خویش ناچارند ساعاتی از شبانه روز را کار کنند و پخش آن در سطح محدود که در جواب آن تاکنون گزارشاتی به کمیته رسیده است.

۵- تهیه مقاله ای درباره چگونگی گذران تعطیلات تابستانی دانش آموزان که در ضمن آن رهنمودهایی به آنها ارائه شده و از وزارت آموزش و پرورش خواسته شده که امکاناتی در اختیار معلمان قرار دهند.

۶- بحث در مورد وظائف کمیته مسائل دانش آموزی که جمع بندی درباره آن به تشکیل کمیته های جدید بر طبق اساسنامه محول شده است.

و - کمیته فرهنگ خلقها - این کمیته متاسفانه پس از چند جلسه، بدلیل عدم استقبال همکاران و نداشتن برنامه ای که بتواند معلمان را هر چه بیشتر جلب کند، منحل گردید.

بانک فرهنگیان در خدمت معلمان یا نه

اقتصادی - اجتماعی موجود چنین امری را ایجاب میکرد.

با سرنگونی رژیم، فرهنگیان نیز چون سایر اقشار و طبقات تحت ستم، امیدداشتند که از شرایط نژادخواران و غارت بیرحمانه آنان رها شوند و مجبور نباشند تقریباً دو برابر بروا می راکه دریافت میکنند تا مسکنی برای خود تهیه نمایند. بانک بردارند. آنها خواهان تهیه مسکن برای همه از سوی دولت و رها شدن از زندگی قسطی بودند. در این میان گردانندگان بسیاری از بانکها منجمده بانک فرهنگیان، پس از قیام فراری شدند در حالی که سرمایه های کلانی را بصورت ارز از کشور خارج کرده بودند.

با وجود همه اینها، هنوز چند ماهی از قیام نگذشته بود که بانکهای مختلف بازسازی شده و کار خود را چون گذشته از سر گرفتند، اما فشار توده های مردم چنان بود که پس از یکسال رژیم جدید مجبور شد برای جلب آنها بسوی بانکها، بهره و امهاریاب ۴٪ تقلیل دهد.

فرهنگیان زحمتکش نیز که با خرید سهام، منتظر تهیه مسکن و سایر نیازهای رفاهی خود از سوی بانک فرهنگیان بودند پس از گذشت چند ماه از قیام متوجه شدند که این بانک نه تنها هیچگونه قدم مثبتی در این راه برنداشته است بلکه در اثر بدهی و کمبود سرمایه که ناشی از خروج ارز توسط گردانندگان آن و با فرار سرمایه داران بدهکار با این بانک بود، توسط دولت موقت قرار است منحل اعلام شود. بهمین رو، اواخر تیرماه ۵۸ صدها نفر از فرهنگیان تهران که در این بانک سهم داشتند و از مدتها قبل قول وام مسکن به بسیاری از آنها داده شده و حتی برای این منظور برخی از فرهنگیان خانه های رانبر قولنامه کرده بودند، بعنوان اعتراض به این

بانک فرهنگیان در سال ۵۶ یعنی در اواخر حکومت منقور پهلوی ظاهراً بعنوان ارگانی در جهت حل بخشی از مشکلات رفاهی و رفع احتیاجات ضروری ضروری معلمان و سایر فرهنگیان و در اصل جهت انباشته کردن هر چه بیشتر سرمایه های هزارها میل پهلوی و نوکراتشان تاسیس شد. بسیاری از معلمان زحمتکش به امید آنکه این بانک میتواند برخی از مشکلات رفاهی آنها از جمله مسئله مسکن را حل نماید با خرید ۱۰ تا ۵۰ سهم از همان ابتدا در سرمایه گذاری و گسترش کار این بانک فعالانه شرکت جستند. طبق اساسنامه بانک، قرار بود ۵۰٪ از سرمایه آنرا فرهنگیان و ۵۰٪ آنرا دولت تقبل نماید اما در واقع این بانک تنها با سهام فرهنگیان زحمتکش بکار افتاد و بدون اینکه در مدت کار خود کمکی به رفع نیازهای آنان بنماید، در عوض وامهای کلان به سرمایه داران بزرگ و شرکای شاه و دربار از طرف این بانک تعلق میگرفت و این اجاف بزرگتری بود که در حق فرهنگیان روا میشد. بالاخره رژیم سرسپرده شاهنشاهی با قیام شکوهمند مردم سرنگون گشت در حین تظاهرات خیابانی در ماههای قیام بارها و بارها، بانکها، این سمبل های ظلم و ستم امپریالیسم و رژیم وابسته به آن، توسط توده های مردم و از آنجمله فرهنگیان به آتش کشیده شد و یا شیشه های آن درهم شکست. باین ترتیب کاربانکه ها که یکی از منابع بزرگ سودآور برای سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بودند برای مدتی مختل گشت. توده های مردم و از آنجمله فرهنگیان زحمتکش با هزاران رشته به بانکها وابسته بودند و زندگی بسیاری از آنها توار شده بود با اینطرف و آنطرف زدن برای گرفتن وام از یک بانک و پس از آن ماهها و سالها نزول پرداختن به این زالوهای خونخوار، چرا که روابط

مل خودسرانه دولت، در ساختمان مرکزی بانک فرهنگیان تهران، تحصن اختیار نموده و موفق شدند حداقل از انحلال بانک موقتاً جلوگیری نمایند. غرضی است که اعتراض فرهنگیان به انحلال بانک به دلیل تعلق آنها به بانک بلکه تنها باین دلیل بوده که دولت برنامه‌ای برای تهیه مسکن - نعمت ارزان برای فرهنگیان بدون مسکن نداشت و آنها امیدشان را به بانک فرهنگیان بعنوان تنها وسیله موجود بسته بودند. آنها در قطعنامه‌ها و اطلاعیه‌های متعددی که در مدت نزدیک به یکماه نص خود را در کردند، خواهان ادامه کار بانک سنتی با عملکردی در جهت منافع فرهنگیان بودند. اما خواست آنها که منوط به دگرگونی نظام حاکم بر بانک میشد به جایی نرسید و حرکت خود بخودشان بانکستن تحصن در اواخر مردادماه پایان یافت. به نتیجه‌ای جز این دست نیافت که تعداد معدودی از متحصنین موفق شدند از بانک وام بگیرند.

خواست آنها به جایی نرسید چرا که دگرگونی سیستم حاکم بر بانک فرهنگیان جدا از دگرگونی نظام بانکی ایران بطور کلی نیست. از اینروست که شاهدیم بانک فرهنگیان با سیستمی که بر آن حاکم بوده است پس از قیام نیز مشکلات فرهنگیان را برطرف نکرد. از پرداخت وام بدون بهره به فرهنگیان بدون مسکن خبری نشد و برای گرفتن وام حتی با نپرداختن شرط میبایست مدت‌ها اینطرف و آنطرف دوید. مسئله انحلال بانک نیز از طرف دولت باین دلیل مطرح میشد که سرمایه موجود در آن نمیتواند جوابگوی تقاضای فرهنگیان متقاضی باشد و ضرر میدهد و ... بالاخره هم با طرح ادغام بانکها پس از گذشت یکسال و چندماه از قیام، دولت اخیراً انحلال این بانک و ادغام آن را در بانک ملت اعلام کرده است بدون آنکه طرحی عملی برای جوابگویی به مشکل مسکن معلمان و سایر خواستهای رفاهی آنها از قبیل این عمل ارائه دهد (۱). از جمله آقای رفیعی در مصاحبه‌ای در این مورد میگوید: مسئله بانک فرهنگیان بمن مربوط نیست. (اطلاعات ۲۳ بهمن) و با در سخنرانی خود در مجتمع آموزشی شریعتی در تاریخ ۲۵ دیماه ۵۸ در پاسخ سئوال یکی از فرهنگیان

در مورد کار این بانک و چگونگی عملکرد آن میگوید: "من بعنوان وزیر آموزش و پرورش هیچگونه دخالتی در امر کار بانک فرهنگیان نخواهم داشت" و کلاً نظر بر انحلال این بانک را میدهد باین دلیل که "معلم بانکدار نیست"

بعقیده ما وزارت آموزش و پرورش موظف است به مسائل رفاهی معلمان بخصوص مسکن آنها پاسخ دهد. اگر بدون وجود بانک فرهنگیان چنین وظیفه‌ای - را انجام دهد، چه بهتر، حقیقتاً هم که "معلم بانکدار نیست" ما این حرف آقای وزیر را قبول داریم ولی ایشان هم باید این مسئله را پاسخ بدهند که چه طرحی برای حل مشکلات رفاهی فرهنگیان در دست تهیه و یا احراز دارند و چگونه میخواهند بفرای فرهنگیان اجازه نشین و بی خانه، مسکن تهیه کنند؟

(۱) مسئولین آموزش و پرورش نیز از همان ابتدا سعی داشتند مسئله بانک فرهنگیان را خارج از وظایف این وزارتخانه قلمداد کرده و باینوسیله از پاسخگویی به نیازهای رفاهی معلمان در رابطه با این بانک شانه خالی کنند. دولت بدلیل بی برنامه‌گی حتی طبق اطلاعیه‌ای از فرهنگیان خواسته است که اگر مایلند باینکه سهمایشان را پس بگیرند و با وجودیکه قرار بود باندازه سهمی که خریده بودند بآن اضافه شود. امروز پولی که بفرهنگیان پس میدهند - فقط به اندازه بهره معمول بانکها از سهام اولیه شان بیشتر است.

پیامها



● پیام کانون مستقل معلمان تهران بمناسبت روز معلم (۱۲ اردیبهشت)

همکاران گرامی، بادرد فراوان به معلمان شهید، سالگرد روز معلم را به یاد مبارزات پرشکوه و متحد معلمان و به پاس تلاشهای پرثمرشان در راه گسترش دانش و آگاهی توده های زحمتکش خلق، گرامی میداریم.

جنبش اعتراضی معلمان در اردیبهشت سال ۴۰ با همه کاستی هایی که بویژه از نظر نفوذ عوامل سازشکار و فرصت طلب در رهبری آن به همراه داشت و با همه تلاشی که این عناصر وابسته در به انحراف کشاندن مبارزات معلمان به عمل آورده اند، - توانست به اتکاء برخورداری از پایه وسیع توده های ناشی از شرایط عینی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم رژیم جنایتکار پهلوی بود، دست آوردها و تجربیات پراچی را کسب نماید و در تداوم خود اشکال و مضمون مبارزاتی خویش را ارتقاء دهد تا آنجا که حتی در سالهای سیاه اختناق و استبداد نیز همراه سابر توده های مبارز و تحت ستم میهنیان به مبارزه با امپریالیسم و عوامل وابسته اش به عنوان بخش مهمی از رسالت خویش بپردازد.

اینک که با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر معلمان، تشکیلات صنفی - سیاسی آنان بصورتی دمکراتیک، آزاد و مستقل شکل میگیرد، همچنان امردشوار مبارزه با امپریالیسم بخصوص در زمینه های فرهنگی، دفاع از آزادی های اساسی، دفاع از حقوق صنفی معلمان و ارتقاء سطح آگاهی و بینش انقلابی توده های خلق که با مبارزات

امپریالیستی پیوندی ناگسستنی دارد، بعنوان - میرم ترین وظایف در مقابل ما قرار دارد.

بدون تردید در انجام این وظایف ما با دشواری های فراوانی روبرو خواهیم بود، زیرا که هنوز امپریالیسم به کمک عوامل خود و با استفاده از ناآگاهی بخشی از توده های خلق که شمره سالهای طولانی دوران اختناق است سعی در ایجاد تفرق و پراکندگی و انحراف مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنان مینماید.

نمونه های چنین شیوه هایی را در آموزش و - پرورش به خوبی میتوان مشاهده نمود. تبعید و - اخراج و بازنشسته کردن اجباری معلمان آگاه و مبارز به دلایل عقیدتی که اینک ابعاد گسترده ای به خود گرفته است برقراری تفتیش عقاید - سانسور در محیط های آموزشی، حمله به اجتماعات معلمان و دانش آموزان، ممنوعین بحث ها و - فعالیت های سیاسی در مدارس عدم پاک سازی آموزش پرورش از عناصر وابسته به رژیم سابق و ساواک، مخالفت با شورا های معلمان و دانش آموزان ... از جمله برنامهای است که در شهرهای مختلف کشور ما هر روز به مرحله اجرا در میآید، برنامهای که عملکرد آن در جهت حفظ و تحکیم نظام فرهنگ استعماری و در نتیجه در خدمت منافع امپریالیسم قرار دارد.

در روزهای اخیر شاهد حملات گسترده و برنامه ریزی شده ای به دانشگاهها، این سنگرهای آزادی و آگاهی تحت پوشش باصطلاح "انقلاب فرهنگی" - بوده ایم، در این یورش های وحشیانه دهها تن از

داشجویان مبارز به شهادت رسیدند و هزاران تن
مروح و مصدوم شدند و بسیاری دستگیر و زندانی
گردیدند. همزمان با این حملات سرکوب خلق کرد،
سواران روستاها، شهرها، خانه‌ها، بیمارستانها
و کشتار مردم بی دفاع کردستان آغا زگردید. -
بدون شک چنین برنامه‌هایی بخشی از سیاست‌ها و
نظم‌های امپریالیسم امریکاست که در بطن
مبارزات پرشور ضد امپریالیستی خلقهای میهن
مان و به منظور انحرافت آن از مسیر اصلیش انجام
میکرد.

اکنون در سالگرد روز معلم با گرامیداشت
ظاهر پربرامبارزات گسترده معلمان و با الهام
از تجربیات و دستاوردهای پرارزش این مبارزات
بعنوان در راه انجام وظیفه اصلی خویش در جهت
منش ضد امپریالیستی خلق، در کنار توده‌های
دشمن میهنمان استوار ایستاده ایم و برای این
عقایدیم که جز با بسیج و تشکیل توده‌ها و آگاه
کردن آنان از ماهیت غول‌چهارخوار امپریالیسم
مبارزه ضد امپریالیستی به ثمر نخواهد رسید.
ما به سهم خود با گسترش و استحکام هر چه
بیشتر تشکیل معلمان و با نیروی سلاح دانش و -
پیش انقلابی علیه رعم موانع و مشکلاتی که بصورت
های مختلف در مسیر راه دشوارمان وجود دارد، -
تجرا و ارتقاء آگاهی توده‌ها، مبارزه با فرهنگ
استعماری و ترویج فرهنگ انقلابی پیگیرانه تلاش خوا-
هم کرد.

برقرار باد اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی
خلق

هر توان تربا دمبارزات ضد امپریالیستی خلق
های قهرمان ایران
بیش بسوی ایجاد تشکیلات سراسری معلمان
کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۱۰

مردم بیدار و روزمنده ایران
فرهنگیان متعهد و مبارز

امپریالیسم جنایتکار آمریکا و وابستگان
داخلی آن هر روز دامن توطئه و تاج و زعلیه خلقهای
تهرمان میهنما را گسترش میدهند. امروز در حالی
که بیش از هر زمان دیگر اتحاد و همبستگی همه نیرو-
های مترقی و ضد امپریالیست ضرورت پیدا کرده است
تهاجم به دانشگاهها، دستگیری و کشتار دانشجویان
حمله به آزادیهای دموکراتیک و نیروهای انقلابی
هر روز با دگسترده تری بخود میگیرد.

طبق آخرین خبر در جریان بمباران شهر سقز
عده‌ای از معلمان و دانش آموزان به همراه سایر
مردم کشته شده‌اند. همزمان با آن عده‌ای از معلمان
مبارز در ارومیه دستگیر و چند تن از آنها به زندان
اوین منتقل شده‌اند. در ادامه تهاجمات و به
دنبال اخراج و تبعید معلمان، در شهر گنبد عده‌ای
از معلمان انقلابی را زیر پوشش "ضد انقلاب" می
خواهند به محاکمه بکشند. (کیهان ۵۹/۲/۱۰)

با تمام نیرو و توطئه علیه معلمان مبارز را
افشاء کنیم و از ادامه دستگیری و شکنجه و کشتار
دانش آموزان و معلمان جلوگیری نماییم!
تهاجم به دانشجویان، دانش آموزان و معلمان
مبارز، خدمت به امپریالیسم است!

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۱۰

دستگیری استادان و دانشجویان انقلابی

همچنان ادامه دارد.

بار دیگر صحن دانشگاهها این سنگر خونین
مبارزات قهرمانانه دانشگاهیان آزاده ایران
مورد هجوم قرار گرفت و در سرتاسر ایران لاله‌های
دیگری به گلستان خونین جنبش دانشجویی ایران
تقدیم نمود و دانشجویان و استادان انقلابی را که
در طول سالهای سیاه حکومت شاه نیز زندان و شکنجه
را بجان خریده بودند مورد تهاجمی وحشیانه قرار
دادند. لیست اسامی شهدای دانشگاه و کارنامه

درخشان زندگی و مبارزاتشان شاهدایین مدعاست که آنچه امروزه در دانشگاه‌ها به گلوله خشم و نفرت امپریالیسم و ایادی جیره‌خوارش بسته میشود آثار فرهنگ استعماری نیست بلکه دقیقاً ظلیعه‌های فرهنگ انقلابی است، اینان که به نوعی از قدرت یافتن اندیشه و فرهنگ مترقی آسیب می‌بینند با مسخ نام و ماهیت آنچه تاریخ زندگی بشر انقلاب فرهنگی می‌نامد و عمدتاً با تکیه بر عدم آگاهی سیاسی توده‌های مردم، دموکراسی و آزادی‌های اجتماعی این دستاوردهای خونین‌قیام توده‌ها را نه تنها در کل جامعه، بلکه در دانشگاه‌ها این سنگرمبارزه ضد امپریالیستی در سال‌های سیاه اختناق بی‌شرمانه مورد تجاوز و زوهم مسلحانه قرار میدهند.

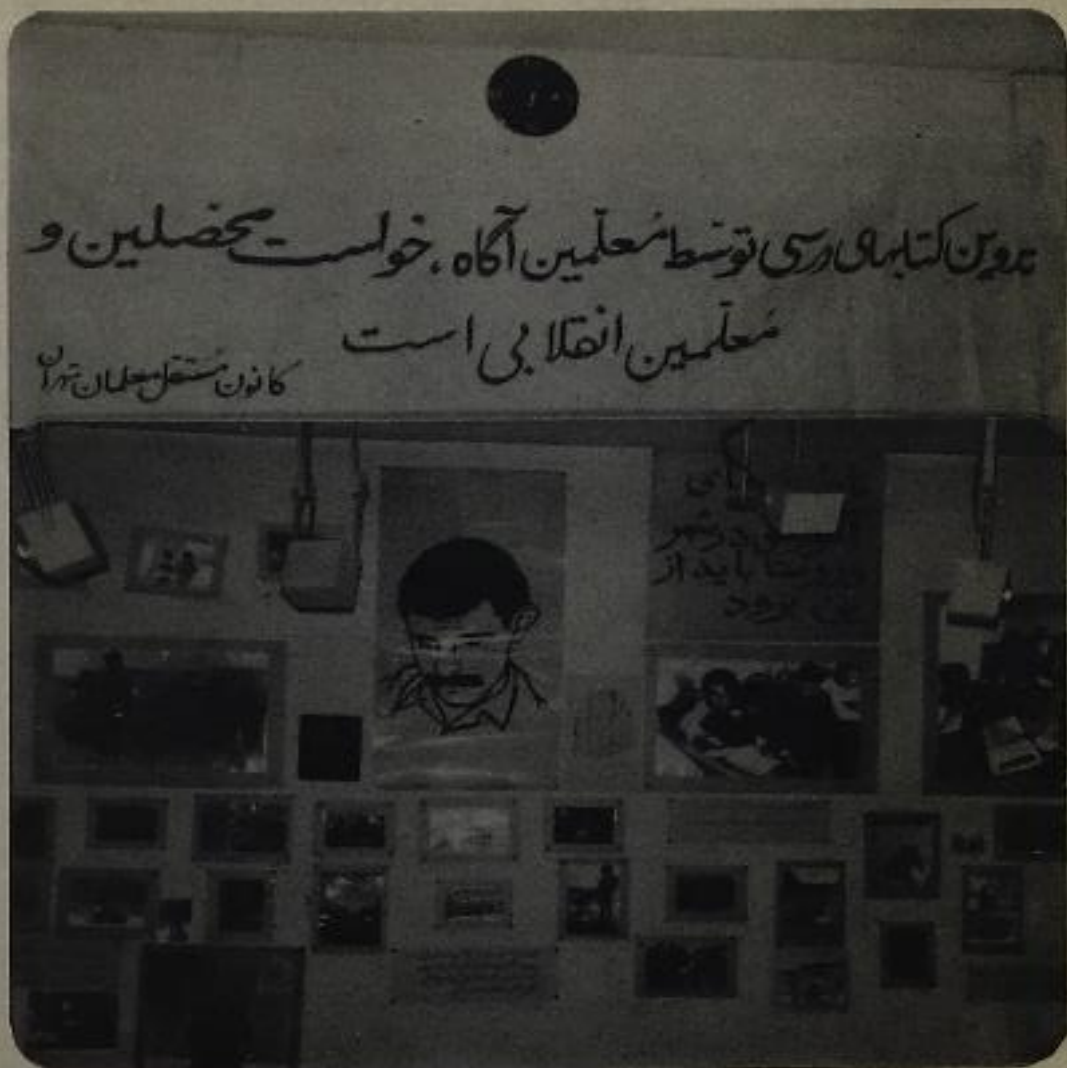
دانشگاه سیستان نیز از این سرنوشت مستثنی نبود، با ستادنامه‌ای که جمعی از خانواده‌های زندانیان نوشته‌اند، روز دوم اردیبهشت ماه - جاری دستجات شارچماق بدست که با کمک استاندار و دادستان انقلاب تخریک و بسیج شده بودند به صحن دانشگاه هجوم برده و علیرغم اینکه دانشگاهیان بخاطر جلوگیری از درگیری، دفاعاً ترسیده و سرافراز بودند به آنها هجوم آورده یک‌تیرا کشته و گروهی را نیز به سختی مجروح نمودند و پس از ضرب و جرح دانش‌جویان در محیط دانشگاه به محله‌های مسکونی - استادان حمله برده و با ارباب و حمله به خانواده‌های آنان اموالشان را غارت نموده و سرانجام تعداد زیادی از آنان را با زداشت و کلاسهای درس - این سنگرهای آزادی را تبدیل به سلولهای زندان دانشگاهیان رزمنده نمودند و روز بعد تعداد ۵۸ - نفر از دانشگاهیان را که ۹ نفر از آنها اساتید دانشگاه هستند با وضعیت توهین آمیزی سوار بر هواپیما نموده و در تهران به زندان اوین منتقل ساختند که تاکنون از سرنوشت آنان هیچگونه اطلاعی در دست نیست، در قسمتی از نامه‌ای که جمعی از - خانواده‌های زندانیان دانشگاه سیستان و بلوچستان نوشته و نوشت به روزنامه‌های اطلاعات و انقلاب اسلامی و کیهان و با مداد و انجمن حقوقدانان ایران فرستاده اند نوشته است که «ما جمینی که عبارت از

تعدادی از افتخاریهای مسلح و پاسداران ملیس به لباس بلوچی بودند با حمایت ریه‌ها و نفربرهای ارتش، دانشگاه را محاصره نمودند و اینک روز قبل روی آسفالت خیابانهای شهر با فلش جهشت دانشگاه را مشخص نموده بودند و هنگام حمله نیز که دانشگاهیان درخواست انجام مذاکره نمودند از سوی یکی از کارمندان دانشگاه اعلام شد که این مذاکره حکم سازش را دارد، زیرا آنها حاضر نبودند برنامه وسیعی را که برای سرکوب دانشگاه تدارک دیده بودند به اجرا بگذارند.

ما معلمین کانون مستقل معلمان تهران که خود هر روز شاهد و ناظر دستگیری و اخراج و - تبعید معلمان مبارز و آگاه در محیطهای آموزشی می‌باشیم تجاوز به حریم دانشگاه‌ها و کشتار و ضرب و جرح دانشگاهیان و استادان و دانشجویان انقلابی را شدیداً محکوم نموده و از هم‌میهنان مبارزمی‌خواهیم در این هنگام که مبارزات ضد امپریالیستی مردم قهرمان میهنمان بدرستی کینه و خشم خویش را متوجه امپریالیسم جهانخوار آمریکا نموده و خواستار قطع وابستگیهای سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی با آمریکا است کسانی را که به سر رسیدن این مبارزه را در جهت اهداف پلید خود تمیذا نند و سعی در منحرف نمودن جهتین مبارزه را دارند و نوک تیز حمله را بسوی مبارزین - سرگردانده اند و با عنوان واهی انقلاب فرهنگی با ویرانی فرهنگ پرداخته اند در پیشگاه خلق قهرمان به محاکمه کشند و آرزوی آنان را در اجرای نقشه‌های شوم و پلیدشان نقش بر آب سازند.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۹/۲/۲۳



تصویوی از نمایشگاه عکس در تالار نقش
بمناسبت گرامی داشت روز معلم

نامه سرگشاده به سربازان آمریکایی معلول در جنگ ویتنام

ما علیه امپریالیسم، ادامه راهی است که مردم - ویتنام و دیگر خلقهای بیپناخته پیموده‌اند. سربازان آمریکائی معلول در جنگ ویتنام :

خلق ستمدیده ایران در کوران مبارزات ضد امپریالیستی خود، شما قربانیان امپریالیسم - آمریکا را مخاطب قرار میدهد و از شما و از همه نیروهای ضد امپریالیسم میخواهد فربادش را به گوش - تمامی جهان برساند. اکنون که دروغ پردازان و توطئه چینهای پنتاگون " سیا " با همکاری خبر گزاریهایی امپریالیستی و صهیونیستی حقایق را وارونه جلوه میدهند، ما از شما میخواهیم که وجدان بیدار مردم آمریکا باشید و واقعیات مبارزات خلق ایران علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا را بازگو کنید. امپریالیسم آمریکا که اکنون رای شورای امنیت و دادگاه لاهه را به رخ مردم جهان میکشد در برابر هیچ مرجع حقوقی و یا داد و ربیطرف جهانی نمیتواند پاسخگوی جنایات بی شمار خود باشد. امپریالیسم آمریکا تاکنون نگفته است چرا انسانهایی را علیل کرده است، چرا مزارع را سوزانده است، چرا بیمارستانها را ویران کرده است، چرا بمبهای ناپالم و خوشه‌ای و گازهای شیمیایی برای نابودی انسانها بکار برده است، چرا حکومتهای فئودالی اسرائیل، آفریقای جنوبی و رودزیا و را به قدرت نشانده است و حقوق خلق فلسطین و سایر خلقهای تحت ستم را پایمال کرده است و بالاخره چراده ها سال سرزمین ما را به خاک و خون کشیده است و از محمد رضا شاه جلاد و جنایتکار حمایت کرده است.

سربازان آمریکائی معلول در جنگ ویتنام :
مردم ما سالهای سال بوسیله رژیم دست نشانده ای که مستقیماً توسط دولت شما حمایت میشد رنج و

ما بعنوان بخشی از نیروهای ضد امپریالیسم ضد ارتجاع خلق ایران، شما آمریکائیان معلول و صدمه دیده در جنگ ویتنام را مخاطب قرار میدهم. ما این پیام را در آستانه سالگرد پیروزی خلق کبیر ویتنام بر امپریالیسم جهان خوار آمریکا و دریکی از حساس ترین لحظات تاریخی سرزمین مان برای شما میفرستیم. ما با سربازانی سخی میگوئیم که ناخواسته و با آگاه و یا از روی اجبار، برای حفظ نظامی فئودالی و پوسیده، به جنگ در سرزمینهای مردمان دیگر کشیده شدند. جنگی که به قول منابع آمریکائی یک میلیون و پانصد هزار سرباز را به کام خود کشید و میلیونها شهید و مجروح غیر نظامی برجای گذاشت. ما نیک میدانیم که برخی از شما سربازان معلول و آسیب دیده که شاهد جنایات بی شمار آمریکا در ویتنام بوده اید، - دچار شدیدترین ناراحتیهای عصبی و روحی شده و حتی تعدادی از شما کم نتوانستند وجدان خود را آرام کنند دست به خودکشی زدند، بسیاری از شما با مشاهده تما و بیرو عکسهای که از گوشه و کنار جهان درجراید منتشر میشود و جسد های ذغال شده و بدنهای سوراخ سوراخ شده را نشان میدهد، رعه به سراسر اندامتان میافتد و زندگی تان به کابوسی تلخ مبدل میشود.

شما از نزدیک شاهد بودید که چگونه جاسوسها و جلادان سازمان جهنمی " سیا " به همراه کلاه سبزها و دژخیمان آمریکائی، آزادخواهان ویتنامی را در زیر شکنجه شهید کردند.

با این همه شما شاهد بودید که مردم رزمنده ویتنام چگونه در برابر این جنایات ضد بشری مقاومت کردند و سرانجام پیروز شدند. پیروزی مردم ویتنام، پیروزی مردم ما بود و مبارزه امروز

امپریالیستی مردم ما را مخدوش کند. اما خلق ایران
بپاخاسته است تا به اتکای نیروی عظیم خودریشه
های وابستگی به امپریالیسم را برای همیشه قطع
کند.

ما به عنوان بخشی از نیروهای ضد امپریالیسم
- ضدارتجاع از شما می‌خواهیم:

۱- حقایق را با مردم آمریکا در میان بگذارید
تا جنایات دولت آمریکا بنام ملت شما در تاریخ
ثبت نشود.

۲- از مبارزات دانشجویان ایرانی مقیم
آمریکا قاطعانه پشتیبانی کنید و در برابر زگرداندن
شاه جلاد و وابستگان جنایتکارش به ایران، خلق
ما را یاری نمائید.

برقرار با دپیوند خلقهای سراسر جهان

شکنجه دیدند. دهها هزار معلول و مجروح، ده هزار
شهید، هزاران زندانی سیاسی شکنجه شده، میلیون
های بیکار، اقتصاد بحران زده و تا مغز استخوان
وابسته به امپریالیسم، سرکوب خونین مبارزات -
کارگران و دانشجویان، نظام فرهنگ استعماری، -
فقر و بیسواد، عوارض ناشی از فساد و سانسور و
اختناق و تنها گوشه‌ای از اعمال جلادانی
است که زیر نظر دولت شما و در برابر دیدگان حقوق
بشر و سازمان ملل و دادگاه لاهه در سرزمین ما انجام
گرفته است. نام آمریکا به مثابه طاغوتی است
که هیچ هدیه‌ای برای ملت‌های مرگ و نیستی ندارد.
با این همه آمریکا و قیاحانه میکوشد مبارزات ضد
امپریالیستی مردم ما و مسئله جاسوسان را دگرگونه
جلوه دهد.

سربازان آمریکائی معلول در جنگ ویتنام:

شما که زخم‌های فراوانی در پیکر دارید و در عمل
به ماهیت ضدبشری دولت سرمایه داری آمریکا پی
برده‌اید، وظیفه دارید امپریالیسم آمریکا را افشاء
کنید. امپریالیسم آمریکا با اعزام جاسوسان، به
خدمت گرفتن مزدوران و سازشکاران، بهره‌گیری
از امکانات وسیع تبلیغاتی و بالاخره استفاده از -
راههای به ظاهر قانونی میکوشد مبارزات ضد

- ۱- کانون مستقل معلمان
- ۲- کانون مستقل فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس
عالی
- ۳- شورای دیپلمه های بیکار
- ۴- کانون دیپلمه های تهران
- ۵- کانون زندانیان سیاسی (ضد امپریالیسم -
ضدارتجاع داخلی)

۱۳ اردیبهشت روز معلم را
گرامی بداریم

اخباری از کانونهای مستقل معلمان شهرستانها

بعللی که در جزوه (تجاریبی چند از کانون مستقل معلمان قزوین) مشروحا ذکر گردیده است موفق به انجام اینکار نشدیم اکنون که یکسال از قیام باشکوه بهمن ماه سال ۵۷ میگذرد و مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران ابعاد وسیعتر و عمیقتری پیدا کرده است، ماعدهای از معلمان قزوین تشکیل کانون مستقل را از وظایف میرم خود دانسته و با درک این ضرورت طی جلسهای موفق به تشکیل و تدوین اساسنامه و انتخاب شورای اجرایی کانون شده و بدینوسیله موجودیت کانون مستقل معلمان قزوین را با اطلاع سایر همکاران زحمتکش و مبارز میرسانیم.

شورای اجرایی کانون مستقل معلمان قزوین

حقوق ما میانه...

رژیم به خواستهای سیاسی آنها پاسخ گفته شده و از نظر اقتصادی نیز تا مین شوند و مقداری از بودجه هنگفتی را که سالها صرف خرید اسلحههای مدرن و مخرب میکردید و با توسط درباریان و شرکای آنها به جیب زده میشد، به آنها اختصاص یابد، برایشان ممکن تهیه شود، وضع بیمه آنها بهبود یابد، برای فرزندان شان مهدکودک ساخته شود، سرویسهای رفت و آمد در سطح شهرهای بزرگ برای آنها در نظر گرفته شود و... در صورتیکه امسال نیز چون سالهای گذشته برای آموزش و پرورش بودجهای ناچیز اختصاص داده شده که تکافوی هیچکدام از نیازهای رفاهی معلمان را نمیکند.*

مسئولین کنونی آموزش و پرورش برای ترمیم حقوق معلمان، دایم دم از "خدمات معنوی و ارزش معنوی کار معلم" میزنند که بعقیده مادقیقاً توجیهی است بر خودداری آنها از اضافه کردن حقوق معلمان و تا مین مسکن و غیره برای آنها، درست

دیناله درمسیح ۴۳

قزوین - کانون مستقل معلمان قزوین طی اعلامیهای موجودیت خود را اعلام کرده است. اعلام موجودیت مجدد کانون مستقل معلمان قزوین، پس از آنهمه اشکالات و موانعی که در مقابلش قرار داشت، نشانه درک ضرورت شکل معلمان و حاصل تلاش بیکر آنان در راه تحقق خواست واقعبینان است.

با آرزوی موفقیت برای همکارانمان در راه - حفظ و گسترش این شکل، قسمتهای از اعلامیه کانون مستقل معلمان قزوین را عیناً نقل میکنیم:

معلمان مبارز و انقلابی:

در شرایطی که مبارزات ضد امپریالیستی و - آزادی بخش خلقهای ایران روز بروز اوج فزایندهای به خود گرفته و هر لحظه برگستردهگی و عمق طبقاتی آن افزوده میگردد.

در شرایطی که در آستانه سالروز انقلاب خونین و قهرمانانه خلق قرار داریم و از آنجا که مردم زحمتکش و تحت ستم میلی ما میروند تا تمام - شاهرگهای امپریالیسم را در ایران قطع نموده و - جنبش رهایی بخش را به سرانجامی پیروز منداشته رهنمون گردانند.

ما معلمان که در مبارزات خونین سال گذشته با عشق و ایمان به پیروزی فعالانه در صف مردم بوده و همراه با تمامی طبقات و اقشار خلقی مبارزه را به پیش برده ایم امروز نیز شرکت در مبارزات - ضد امپریالیستی را وظیفه انقلابی خود میدانیم. بدینجهت ما از همان آغاز اعتصابات سراسری معلمان ایران عمیقاً به ضرورت تشکیل کانونی دیوکراتیک با مضمون ضد امپریالیستی پی برده، و



نمایشگاه کانون مستقل معلمان تهران در تالار نقش بمناسبت قیام ۲۲ بهمن

نامه‌های رسیده

که تشکلی است دموکراتیک و ضد امپریالیست به صورت کانونی صنفی، سیاسی بنا نهادند. ضمن اینکه اذعان مینمائیم که کانون تا آنجا که باید در حدود خواسته‌های صنفی رفاهی گام برداشته است لازم به تذکر میدانیم که در بیشتر شرایط، ما در قبال خواسته‌های صنفی سیاسی موضع گرفته ایم. برای نمونه در مورد عدم شرکت معلمان در تدوین کتابهای درسی - اخراج و تبعید و اعدام معلمان مبارز - اعتراض به بازسازی مدارس ملی - و تمفی آموزش و پرورش از عوامل ساواک - و سنگ اندازی در راه تشکیل شوراهای و

با تشکر از رهنمود دوستان به مدیریت هوشمند که بتوانیم گامهای موثری در راه شکل هر چه است معلمان برداریم و با همکاری شما به دفاع از خواستهای رفاهی نیز بپردازیم.

کمیته نشر کانون مستقل معلمان تهران

همکاران گرامی: در این قسمت از نشریه سعی برای آنست که تا حدود امکان به نامه‌های رسیده در رابطه با کمیته نشر پاسخ داده شود.

۴ نامه داشتیم از کانون مستقل معلمان ناحیه ۷ که ۲ نامه آن حاوی رهنمودی جهت ساده نویسی مقالات بود. با تشکر از این همکاران سعی میشود که این نکته رعایت شود تا دوستان بیشتری نشریه معلم را مطالعه کنند.

در نامه‌های دیگر دوستان علاقمند بودند که در نشریه بیشتر از مقالات منطقی و خواسته‌های صنفی توده معلم درج شود. با تشکر از این دوستان لازم به توضیح میدانیم چون کانون مستقل معلمان کانونی است ضد امپریالیست و ضد ارتجاع و در شرایطی شکل گرفته است که توده‌ها نیاز مبرم به مبارزات ضد امپریالیست احساس میکردند و معلمان نیز که همواره همراه با اوج گیری مبارزات توده‌ها سهمی در تداوم انقلاب داشته اند کانون مستقل معلمان را

کامش تعطیلات ...

بسیار مهم و ضروری در آموزش و پرورش خیلی واجبتر میدانستند که این چنین سریع در مورد تعطیلات نوروزی تصمیم گیری نمایند؟ و آیا تمام دانش آموزان و معلمان و دانشجویانی که ۶ ماه دوران خانواده به تحصیل و تدریس اشتغال دارند حقشان نیست که چند روزی را با خانواده خود بپسیرند؟ و از طرفی گویا مسئولین آموزش و پرورش به خاطر رفع مزاحمت بچه ها در منزل، خواسته اند مدارس زودتر باز شود. ما می پرسیم مگر معلمان غیر از تدریس الله بچه ها هم هستند؟

کانون مستقل معلمان تهران ضمن پشتیبانی از خواست برحق دانش آموزان و معلمان مصرا خواستار تجدیدنظر در تصمیم نادرست مقامات مسئول است.

"کانون مستقل معلمان تهران"

گرامی باد خاطره ...

نبودن پدر حق تربیت و سرپرستی فرزند به ولی شرعی واگذار میشود و این حق کثی نشان میدهد که اگر پدر بالایی سر فرزند نباشد، مادر لیاقت پرورش فرزندش را به بهانه عدم شایستگی ندارد و عمو و پدر بزرگ صلاحیتشان بیشتر از مادر است. در سرتاسر قانون اساسی ما هیچ نشانه ای از بیان حقوق واقعی زنان و اعطای حقوق به آنها نمی بینیم. اما از آنجا که جامعه ای پیشرفته و متمدن آنست که در آن هیچ گونه ستم و فشاری بر مردم اعمال نشود، و از آنجا که در هر جامعه، زنان بخش عظیمی از جمعیت را تشکیل میدهند و وظایف ای بس مهم در تربیت فرزندان دارند، لذا پیشرفت چنین جامعه ای در گرو رهایی زنان از ستم دوگانه ای است که به آنان میشود - رهایی زنان از این ستم در گرو رهایی کل جامعه از ستم طبقاتی است و برای رسیدن به جامعه ای - ناعد ستم و استثمار این زنان هستند که باید و میتوانند دوش به دوش مردان مبارزه کنند و پرچم رهایی و پیروزی را برافراشته نگاه دارند.

کانون مستقل معلمان تهران

حقوق ما میانه ...

همانگونه که برای به سکوت و داشتن معلمان در کلاس و گرفتن حق آزادی بیان و عقیده از آنها، به توجیهاتی چون "مدرسه های درس خواندن است و بحث سیاسی باید به خارج از کلاس و مدرسه برده شود و با بحث کردن موجب تشنج و ایحاد و دستگی میشود و ... میپردازند، در حالیکه روشن است که وقتی معلم زیر انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد - نمیتواند با فکری آسوده در کلاس درس حاضر شده و - وظیفه خود را آنطور که باید انجام دهد. این امر مستقیماً بر کیفیت کار او تأثیر میگذارد و اینگونه تبلیغ و ترویجی که کار معلم ارزش معنوی دارد و غیره وقتی زمینه اش نباشد هیچگونه فایده ای در بر ندارد.

آموزگاران و دبیران زحمتکش ما امروز با احتساب ضریب ۱۰۰ حقوق میگیرند، در صورتیکه هر روز به نرخ تورم افزوده میشود و همکاران ما مجبورند برای تأمین حداقل نیازهای خود، ساعتها اضافه، کار کنند که آنهم چندان تأثیری در وضع آنها ندارد. امروز با در نظر گرفتن نرخ تورم باید ضریب حقوقی معلمان حداقل به ۱/۵ برابر رقم کنونی برسد و علاوه بر آن برای سایر نیازهای رفاهی معلمان، چاره ای اساسی اندیشیده شود، نیازهایی که در فرصتهای دیگر به بررسی یکایک آنها خواهیم پرداخت.

لازم است به این نکته اشاره شود که حدود ۲ ماه قبل از قیام، در اشراعتلا مبارزات معلمان به همراه توده های مردم، دولت شریف امامی برای - دادن اوانسی به آنان مبلغ ناچیز ۷۵۰ تومان در ماه را تحت عنوان حق مسکن برای معلمان تصویب نمود ولی پس از قیام دولت بازرگان این مبلغ را حذف کرد با این توجیه (از طرف نخست وزیر) که این حق مسکن تنها رشوه ای بود به معلمان و ما نمیتوانیم چنین بودجه ای را به این اختصاص دهیم.

پیامها



با درود به شما میزبانان زحماتش میهنان

در جامعه‌ای، که ساخت اجتماعی - اقتصادی آن، بر مبنای استثمار قرار گرفته، همواره، حقوق اجتماعی - اقتصادی زنان، نادیده گرفته شده و زن هم بعنوان نیروی زحمتکش، و هم بعنوان "داشتن هویت زن بودن" مورد ستم مضاعف قرار گرفته و میگیرد. از سوی دیگر، تاریخ مبارزاتی توده‌ها نشان میدهد که نیروی عظیم زنان، همواره علیه بیدارگریهای اقتصادی و اجتماعی، دوش به دوش - تمامی نیروهای انقلابی، برای استقرار جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک نبرد کرده و میکنند. آنچنان نیروی، که هیچگاه، و مطلقاً هیچگاه، زن مورد ستم اقتصادی و فرهنگی قرار نگیرد.

با چنین درکی از ضرورت‌های آزادیگست، که ۸ مارس، بر تارک مبارزات توده‌ها، چون ستاره‌ای فروزان می‌درخشد، و توده عظیم زنان، با درس آموزی از تمامی تحریکات مبارزاتی خود، به پیش میروند. ۸ مارس، روز آگاهی و تشکل توده زنان است. گرامیداشت آن و به پیش بردن آرمانهای آن، - وظیفه تمامی نیروهای دموکراتیک میباشد. بویژه که، در ایام، امپریالیسم همواره کوشیده، با شعارهای فریبکارانه، مبارزات اجتماعی زنان را از محتوای حقیقی آن تهی سازد. و امروز، که یکسال از مبارزات خونین خلقهای ایران علیه ستم اقتصادی - اجتماعی وابسته به امپریالیسم و اندیشه‌های واپسگرا، گذشته، و دیده‌ایم که چه

بسیار زنان مبارزی که به شهیدان پیوسته اند، هنوز هم، از بند ستم مضاعف‌های نیافتاده‌اند. نیروهای مسلط اجتماعی، بعنوان مختلف حقوق اجتماعی - اقتصادی زنان را نادیده میگیرند و ما بخوبی شاهدیم که توده زنان چه در عرضه کار و - تولید، چه در فعالیت‌های آموزشی، چه در فعالیت‌های سیاسی، عملاً کنار گذاشته شده‌اند. برای ما، اعضای کانون مستقل معلمان تهران - ضمن گرامیداشت رویداد ۸ مارس، به توده زنان ایران، علیه تمامی روشهای ضد دموکراتیک، نسبت به حقوق آنان هشدار میدهم. ما تاکید میکنیم، که توده زنان برای دستیابی به حقوق اجتماعی خود باید دوباره در تشکلهای خاص انقلابی خود، و همگام با تمامی نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیسم متحد شوند و از مبارزه را تا نابودی ستم مضاعف به پیش برند.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۷ اسفند ماه ۱۳۵۸

حمله به نیروهای مترقی را محکوم میکنیم

هر قدر مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران عمیق تر و گسترده تر میشود، دشمنان خلق که مرگ خود را در این گسترش و تعمیق می بینند میکوشند با عوام فریبی و دروغ و نیرنگ و نیز با حمله به نیروهای دموکرات و انقلابی توده‌ها را به سازش با امپریالیسم و مزدوران داخلیش بکشانند، اما توده‌ها در تحریکات

خود روز بروز درمی یابند که همکاری و همگامی کلیه نیروهای دمکراتیک از اصول مبارزه ضد امپریالیستی محسوب میشود و این چیزی است که دشمنان خلق از آن هراس دارند و میکوشند با بسیج دسته جات اوپاش و اراذل صفوف آنها را برهم زده و مردم را فریب دهند که اینان نماینده مردم هستند؟! رویداد های هفته گذشته و حمله وحشیانه به میتینگ های سازمان مجاهدین خلق در شهرهای مختلف ایران - و دستور مسئولین در برابر این تهاجم، مهرتاشیدی است بر اعمال ارتجاعیون.

حمله به سازمان مجاهدین حمله تازه نیست چنین حملاتی را هرگاه در کنار حملات سرکوبگرانه مردم کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، دانش آموزان و معلمان، حمله به کتابفروشیها، محلات و روزنامه های دمکراتیک و انقلابی قرار دهیم - مشخص میشود که دشمنان مردم با برنامهای حساب شده کمر به نابودی دستاوردهای خونین قیام خلق های ایران در جهت حفظ منافع امپریالیزم بسته اند. ما ضمن محکوم کردن حمله به سازمان مجاهدین خلق ایران از آنجا که این مسئله را در ابعاد وسیع تری میبینیم که از سوی این دشمنان بوسیله ارتجاع انجام میگردد نسبت به جلوگیری آن هشدار میدهیم و معتقدیم که برخورد اصولی با این تهاجمات باید از وظایف کلیه نیروهای دمکرات و انقلابی محسوب شود ما تاکید میکنیم که هر نوع کوتاهی در برابر این تهاجمات به ضرر قیام خونین و پرشکوه خلقهای میهنمان میباشد.

هر چه گسترده تر باشد مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران.

کانون مستقل معلمان تهران

۵۸/۱۲/۱۴

سیزدهمین سالگرد درگذشت مصدق را گرامی میداریم.

سیزده سال از خاموشی مصدق، بزرگ مردی که سالیان درازی زندگیش را صرف مبارزه علیه امپریالیسم جنایتکار انگلیس و یگانه دخالتهای آن رژیم متفوق پهلوی نمود، میگذرد. مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ما

در سالهای ۳۲ - ۲۹ نه تنها در ایران بلکه در شرق میانه تحت ستم، زنگ بیداری خلقها و زوال قدرت های امپریالیستی را بمباران و در آورد و بیشک در این مبارزات مصدق بعنوان یک رهبر ملی، سهمی بسزا داشت، همانطور که خود در بیدار دگاه رژیم جنایت کار شاه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد اظهار میدارد: "تنها گناه من و گناه بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کردم، بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیمترین امپراطوری جهان را از این مملکت برچیدم".

اینک در آغاز چهاردهمین سالگرد این رهبر ملی شاهد توطئه های رنگارنگ امپریالیسم غدار آمریکا هستیم که پس از زوال امپراطوری انگلیس بتدریج سلطه غارتگرانه خود را در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی میهنمان برقرار کرده و - علیرغم ضرباتی که از مبارزات قهرمانانه توده های زحمتکش خلقمان دریافت کرده، هنوز به شیوه های گوناگون و به کمک ابادی مزدور و عوامل ملأ آشکار و مرتجع در به کجراه کشیدن مبارزات ضد امپریالیستی و برهم زدن وحدت خلق، مذبحخانه تلاش میکند و از این روقطع نفوذ این امپریالیسم جهان خوار جزا طریق مبارزه ای بیکیروبی مان با شرکت آگاهان توده های خلق امکان پذیر نیست.

اینک در چنین پرشکوه فریادهای خشم آگین مردم میهنمان علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا، با مصدق این رهبر ملی را گرامی میداریم و بسا تجلیا، از مبارزات ضد امپریالیستی او تا محور هر گونه سلطه امپریالیسم به مبارزه خود ادامه میدهیم. هر چه پرتوان تر باشد مبارزات ضد امپریالیستی خلق های ایران علیه امپریالیسم.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۵۸/۱۲/۱۴

پیروزباد مبارزات حق طلبانه زنان درسراسرجهان

